



فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره
شوفار
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

سال پنجم - شماره ۲۶ - مارچ ۱۹۸۷ - فروردین ۱۳۶۶

חג שמחה

تور روزهای



ZAD

The Greatest Furniture

1012 S. ROBERTSON BLVD.
LOS ANGELES, CA 90035
TEL-PH (213) 657-2677
TELEX: 181306 ZAD LSA



THIS IS MERONI'S JOB
GUARANTEE HAND CRAFTED
THAT'S WHY HE GETS NO. 1



FRANCESCO MERONI
E FIGLI Italy

U.S.A. Agent
ZAD The Greatest Furniture
1012 S. Robertson Blvd.
Los Angeles, CA 90035
(213) 657-2677 Tlx: 181306 ZAD LSA

Fabbrica Mobili e Arredamenti
I-20030 SEVESO (MI) ITALIA
Corso Garibaldi, 58/60
Phone (0362) 50-16-63

BABYLAND CO.

LARGEST COLLECTION OF JUVENILE PRODUCTS AT DISCOUNT PRICES.



BABYLAND CO.

Babyland Co.

1782 S. La Cienega Blvd.
Los Angeles, CA 90035

(213) 836-Baby

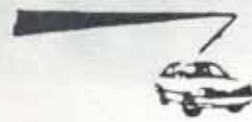
(213) 836-2222

انواع سیسمونی - وسائل اطاق خواب - تختخواب

کالسکه - پوشاک و انواع اسباب بازی

وارد شده از اروپا با قیمت های تجارتي و باورنکردنی

Arrow



Auto Repair



AUTO REPAIR & BODY SHOP

قابل توجه اهالی محترم منطقه بوری هیلز - سانتامونیکا
لوس آنجلس

باسابقه ترین و باتجربه ترین بادی شاپ و تعمیرگاه
بامدیریت ایرانی

مجهز به سیستم های کامپیوتری

و برخورداری از متخصصین ایرانی و خارجی

با بهترین کیفیت و ارزانه ترین قیمت

در خدمت شماست

کلیه تعمیرات و صافکاری

اتومبیل اروپائی، ژاپنی و امریکائی

بابهترین کیفیت و مناسبترین قیمت

کلیه امور مکانیکی انجام شده گارانتی می شود

ARROW AUTO REPAIR

5170 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90019

(213) 932-1741



شرکت غذائی یافا

اولین کبیرین کاشر ایرانی درلوس آنجلس
بایش از ۱۵ سال سابقه درخشان
زیرنظر مجرب ترین کادر ورزیده،
بامدیریت فریدون مروتی

شرکت غذائی یافا

برگزارکننده جشن های شما، آمادگی خود را برای تهیه
گل آرائی، فیلمبرداری، موزیک، همه نوع سرویس غذا، گارسون، بارتندر و...
اعلام می دارد.

پذیرائی با بهترین کباب و جوجه کباب
مخصوص یافا در حضور میهمانان شما

با یافا

۱۷۷۷-۶۵۶ (۲۱۳)
(213) 656-YAFA

از میهمانان خود شاهانه پذیرائی کنید



انواع نقره های ایرانی، اروپائی و امریکائی

ساعت و شمعدان و گلدانهای سرو - آنتیک های زینتی و
نقاشی های مشهور قرن نوزدهم و بیستم
از هنرمندان نامی جهان

AMPHORA ARTS & ANTIQUES

212 North Canon Drive
Beverly Hills, CA 90210
(213) 273-1433

LAW OFFICES OF
KOOROSH BANAYAN



دفتر حقوقی

کوروش بنایان

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

(دکترای حقوق از آمریکا - فوق تخصص حقوق بین المللی از انگلستان)

- امور حقوقی بین المللی
- (تنظیم قراردادها - اختلافات مالی و تجاری و املاک - تشکیل شرکتها)
- تصادفات و صدمات جسمی
- مهاجرت و اقامت
- (اخذ گرین کارت برطبق قانون جدید مهاجرت)
- مسائل جنائی
- (اتهامات وارده - رانندگی تحت تأثیر الکل)
- تعقیب قانونی اشتباهات پزشکی

با سابقه کار در دادستانی لوس آنجلس و دادگاه عالی لاهه

9255 Sunset Blvd., Suite 620
Los Angeles, CA 90069

(213) 271-6162

Artico

AMERICAN
EXPRESS

American Express Bank International

امریکن اکسپرس بانک اینترنشنال

سال نو و موعد پسخ را شادباش گفته سالی سرشار از شادی و موفقیت برای شما آرزومی کند

* امریکن اکسپرس بانک اینترنشنال وابسته به گروه امریکن اکسپرس کمپانی با دارائی در پایان سال ۱۹۸۶ بمیزان ۹۲ بلیون دلار
• برای رفع نیازهای بانکی و مالی خود با ما تماس بگیرید
انجام کلیه امور بانکی بین المللی از قبیل دریافت سپرده به کلیه ارزهای معتبر و گشایش اعتبارات اسنادی صادراتی و وارداتی

آیا سقوط نرخ بهره باعث شده که درآمد شما از محل سپرده هایتان به رقم ناچیزی کاهش یابد؟

با ما در مورد سرمایه گذاری در پروژه های خرید سهام و اوراق بهادار زیر نظر متخصصان با تجربه امریکن اکسپرس بانک اینترنشنال تماس بگیرید.
تضمین صد درصد اصل مبلغ سرمایه گذاری با سابقه سودآوری بمراتب بالاتر از بهره بانکی و نیز پروژه های دیگر که در سال ۱۹۸۶ بیش از ۳۵ درصد در سال سود دهی داشته است.

* وام منازل مسکونی با شرایط بی نظیر و بهترین نرخ بهره که در حال حاضر هفت ونیم درصد می باشد

با تسهیلات لازم برای هموطنانی که بدلیل کوتاهی مدت اقامت در امریکا، واجد شرایط نیستند.

America Express Bank Intl.
515 South Flower St., Suite 2980
Los Angeles, CA 90071

Tel: (213) 689-8829

American Express Bank Intl.
9665 Wilshire Blvd., Suite 400
Beverly Hills, CA 90212

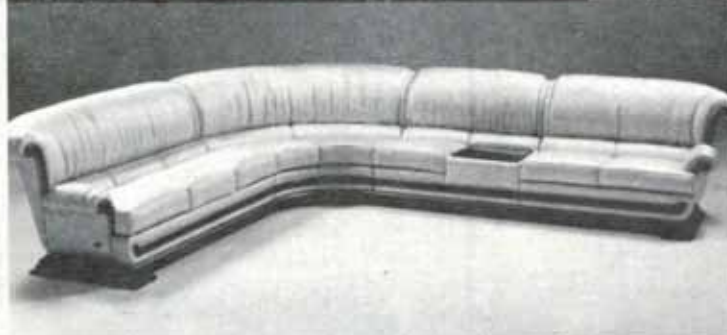
Tel: (213) 273-9736



modern
furniture
and
lighting

دستار مزین ثابت معرفت بهترین مبلمان
و صلا ثابت در لوس آنجلس در نمایشگاه in L.A. کلچینرز
بهترین مبلمان تایلندر پدید آورنده بهترین طراحی

و سازنده کاغذ منبر
پیشتر تقدیم میدارد.



انواع مبلمان کلاسیک باطرحها
و رنگهای متنوع پارچه‌ای چرم
فقط در : in L.A.

CONTEMPORARY CLASSICS

فروش فوق العاده
مبلمان استیل تا ۲۵
درصد تخفیف



1164 South Robertson Blvd., Los Angeles, CA 90035
(Just north of Pico) Hours: 10 - 8 Mon. - Fri. Financing available
(213) 271-6776 Sat. 10 - 6 / Sun. 12 - 5

۱۱۶۴ رابرتسون بلوار
جنوبی، کمی بالاتر از زیگوبلوار
۶۷۷۶ - ۲۷۱ (۲۱۳)

برای تجزیه دیدار و بازدید عالیترین مبلمان کلاسیک اتانیا شریک
in L.A. زیباترین نمایشگاه مبلمان در لوس آنجلس دعوت میکنم ..

دکتر ژاکوب صالح

جراح متخصص زیبایی، پلاستیک و ترمیمی

فارغ التحصیل از میوکلینیک

جراحی پستان، دست و ناهنجاریهای مادرزادی

متخصص جراحی میکروسکوپی

ساختمان پزشکی ولی ستر

14624 Sherman Way, Suite 409
Van Nuys, CA 91405

(818) 994-4111
(818) 772-2223

(818) 994-4111

(818) 772-2223

دکتر سعید همتی

متخصص جراحی عمومی

دارای بورد تخصصی جراحی از آمریکا

«جراحی دستگاه گوارش، پستان و تیرئوئید»

مطب بوزلی هیلز
ساختمان پزشکی راکسان

465 N. Roxbury Dr., Suite 909
Beverly Hills, CA 90210

(213) 271-1866 تلفن

مطب ولی
ساختمان پزشکی ولی ستر

14624 Sherman Way, Suite 409
Van Nuys, CA 91405

(818) 994-1931 تلفن

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730

(213) 655-7731

سال پنجم - شماره ۴۶

مارچ ۱۹۸۷ - فروردین ۱۳۶۶

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیر انتفاعی منتشر می شود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

تحت نظر شورای نویسندگان:

دکتر سلیمان آقائی (مدیرمسئول)

صیون ابراهیمی

دکتر هوشنگ ابرامی

الیاس اسحقیان (مدیر داخلی)

دکتر باروخ بروخیم

گیتی بروخیم (سیمانطوب)

سام کرمانیان

دکتر نصرتی

مهندس کامران خاورانی (مشاور فنی)

وهتری

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر می شود همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند.
• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ می شوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.
• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

تمام صفحه (داخل)	۲۵۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۴ صفحه	۸۵ دلار
۱/۵ صفحه	۵۰ دلار

مدیر بازرگانی موریس اسحقیان

تلفن: ۶۵۹-۱۱۷۶

For more information regarding advertising please call:

MAURICE ESHAGHIAN

(213) 659-1176

سخن ماه

باز هم سالی گذشت و بار دیگر نوروز و پسخ فرارسیده است. نوروز، جشن گلها، شادبها و تولد دوباره طبیعت و نیز پسخ، حماسه رهائی خلق یهود از بند اسارت و زندگی دوباره آنان در ارض موعود، بر همه هموطنان ما و بویژه هم کیشانمان، مبارک باد.

در این روز و روزگار، فشار اهریمن جنگ بر هموطنان ما آنچنان افزایش یافته که کمتر ایرانی است که در نگرانی و اضطراب بی حد بسر نبرد. در خبر بود که هواپیماهای دشمن بر فراز بلوار جردن در تهران به پرواز آمده، رهگذران راه مسلسل بسته اند. آیا برآستی ایران و ایرانی تابدین حد ناتوان شده است و آسمان زیبا سرزمین ماچنان بی دفاع که تازیان بر فراز آن بی پروا به پرواز آمده و مردم ما راه خاک و خون می کشند؟ آیا این تاریخ نیست که دارد تکرار می شود؟ زمانی که فردوسی در باره آن سرود:

ز شیرشتر خوردن و سوسمار
عرب را بد آنجا رسیدست کار
که تاج کیانی کند آرزو
تغویرتوای چرخ گردون، تغوی!

بر ما خرده نگیرد که در این فصل شادبها، از غم و فلاکت سخن می گوئیم. باید گفت که غیر از این، بی اعتنائی به سرنوشت خلق فلاکت زده ماست.

فدراسیون یهودیان ایرانی، بدور از هر گونه تظاهر و هیاهو، تا آنجا که در امکان داشته و دارد، همیشه این خط مشی را دنبال کرده و می کند. اما از یاد نبریم که این فدراسیون نماینده اکثریت یهودیان ایرانی مقیم این دیار است و هدف اصلی آن رسیدگی و رفع و رجوع مسائلی است که وجه مشخص آن یهودی است. بجاست که سایر هموطنان ایرانی غیر یهودی مانیز که تعداد آنان ده ها برابر جمعیت یهودیان ایرانی است، مسائل داخلی خود را کنار گذاشته و باتشکل و همبستگی به حل گرفتاریهای هموطنان خود - اعم از درون مرزی و بیرون مرزی همت گمارند. بدیهی است یکایک یهودیان ایرانی و نیز سازمان منتخب آنان، فدراسیون یهودیان ایرانی، طبعاً موظف به ادای دین خود در چارچوبه چنان سازمان فراگیری خواهند بود.

باشد که سالی که در پیش است سال همبستگی و یک صد شدن همه ایرانیان برای ریشه کن کردن اهریمنان باشد و نیز سال صلح و آرامش برای سرزمین عزیزمان.

و اما در مورد فعالیت های فدراسیون در ارتباط با جامعه یهودیان ایرانی در سال گذشته، همانطور که روش همیشگی ما بوده است، خدمتگزاران فدراسیون که پشت به توده های مردم ما دارند، بدون هیچگونه هیاهو و تظاهر در خدمت مردم خود بوده و دستاوردهای این خدمات هم - چه در مورد هم کیشان پراکنده و در بدر در نقاط مختلف جهان وجه در مورد آنانکه مقیم این دیارند جلوی روی یکایک افراد جامعه است و نیازی به برشمردن آن نیست.

به کلیه خدمتگزاران صدیق جامعه و یکایک برادران و خواهران هم کیش نوروز و موعود پسخ را تبریک و تهنیت گفته برای همگان آرزوی نیک بختی می نمائیم.

خوانندگان گرامی،

مجله «ره آورد» که به همت آقای حسن شهباز درلوس آنجلس به چاپ می رسد و حاوی نوشتارهای پژوهش‌مندان بسیار پیرامون فرهنگ و هنر ایران زمین می باشد، بحث جالبی را در مورد یهودیان ایران آغاز نموده است. همکار ما آقای صیون ابراهیمی و نیز آقای دکتر رحمت اله دلجانی در مورد این بحث مقالاتی نوشته اند که در شماره ۱۱ و ۱۲ «ره آورد» به چاپ رسیده است. از آنجا که این دونوشتہ حاوی مطالب جالبی است که مورد توجه عموم همکیشان عزیز می باشد، در این شماره نوشته آقای ابراهیمی و در اولین فرصت نوشته آقای دکتر دلجانی منعکس خواهد گردید.

ما برون رانگیریم وقال را

ما برون رانگیریم وحال را

ملت عشق از همه دین ها جداست

عاشقان را ملت و مذهب خداست

مولانا جلال الدین بلخی

از حکایت موسی شبان

«راه سوم»

ایرانی بمانیم، چطور؟
امریکائی بشویم، مگر می شود؟
آیا راه سوم وجود دارد؟

- * یهودیان، بیش از دو هزار و پانصد سال پیش، کوله بار سرگردانی خود را در سرزمین اهورائیان به زمین گذاشتند و ایرانی شدند.
- * خداوند قوم یهود را برای اشاعهٔ یکتاپرستی انتخاب کرد. این گزینش (نه برگزیدگی) دلیل برتری ما بر سایر اقوام و ملل گیتی نیست.
- * ایران مرا هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند از من بگیرد.
- * پرسشگری، پویندگی، پاسخ خواهی و از همه مهمتر عدم تعبد، از ویژگیهای رفتاری قوم یهود است.
- * تنها راه ما دست بدست هم دادن است و زنجیری ستبر از یگانگی ساختن.

آقای سردبیر،

در شماره نهم مجله وزین ره آورد نوشته ای بود از آقای حسین زاهدی زیر عنوان «در امریکا بر قوم سرگشتهٔ ایرانی چه می گذرد؟» و از خوانندگان پرسیده بودند چه باید کرد تا فرهنگ ایرانی در اینسوی جهان پایدار بماند.

در این نوشته، ایشان قوم یهود را بعنوان نمونه ای که قادر است در هر شرایطی هویت دینی، قومی و ملی خود را حفظ کند، مثال آورده و با مقایسهٔ یهودیان ایرانی مقیم خارج با هموطنان مسلمان آنان، باین نتیجه رسیده اند که علت دوام مظاهر تمدن ایرانی در میان یهودیان و فسای آن نزد سایر ایرانیان و نیز ماندگاری یهودیان پس از پراکندگی های دیر پا در سراسر دنیا، اول وابستگی دین و قومیت در باور یهودی می باشد، که این نظر با قید چند توضیح قابل قبول است، و دوم احساس قوم برگزیدهٔ خدا بودن، خود را بخدا مقرب تر دانستن و نسبت به دیگران برتر پنداشتن، که این نظر کاملاً نارسواست.

منظور من از نگاشتن این سطور اینست که اول بانویسنده و سایر خوانندگان که نوشتهٔ ایشان را مطالعه نموده اند به تحلیل این نظریات بنشینیم و ببینیم که تا چه حد این طرز فکر، که طرفداران آن نیز اندک نیستند، مبتنی بر واقعیت است و سپس، با توجه به برداشتی که از این بررسی خواهد شد، نگاه دوباره ای به راههای حفظ فرهنگ و هویت ملی ایرانیان در غربت بیاندازیم.

قبل از ورود به این بحث، قید دو شرط مهم و توجه دائم به آن توسط خوانندگان در طول تمامی این نوشته، امری است اساسی. یکی از بزرگترین گرفتاریهای تریبیتی و فرهنگی ما ایرانیان این است که طاقت بحث کردن و یا شنیدن نظرمخالف را نداریم. شما اگر با نظرم من نوعی موافق بودید، آدمی هستید آقا و صاحب فهم و کمالات. چرا؟ چون بنده فکر من هستید و چون منم عاشق فکر خودم هستم، بنابراین می شوم دوست و دوستدار شما. ولی وای به روزی است که من (لطفاً توجه داشته باشید که من نوعی را عرض می کنم) بیایم و بگویم که فلان جای نظر شما را (اینجا هم شمای نوعی را می گویم)، قبول ندارم. آن وقت می شوم آدمی که از دیدگاه شما به یک پول سیاه هم نمی

ارزد. صرفنظر از برخوردی که در این باره بین من و شما بوجود می آید، «ایشان» های بسیار هم در این میان به موافقت یا مخالفت بر می خیزند (که این امر به تنهایی نه فقط عیبی ندارد بلکه خیلی هم قشنگ است) ولی اینان باین کار قشنگ بسنده نمی کنند، سهل است، کارشان از این سمت گیری به صف آرایی و بالاخره بزن بزن می کشد. اگر گفتید مثل چه چیز؟ حدستان درست است - دقیقاً مثل کار سیاست بازان ما.

باتوجه به شرح بالا، اجازه بفرمائید که شروط خود را مطرح کنم و اگر سروران من از واژه «شرط» خوششان نمی آید، از حضورشان این «تقاضا» را بکنم که اولاً زائد بر آنچه در این نوشته آمده چیزی از خود تعبیر و تفسیر نکنند و دوماً اعلام نظرهای زیر را حاصل بر مخالفت شخصی یا دشمنی و عناد فردی یا هیچ شخص، گروه، دسته یا قوم خاص ننمایند.

نوشته آقای زاهدی در مورد یهودیان ایرانی دارای تعدادی خطوط اصلی است که در آن حرفی نیست و بنده با آن موافقم ولی این شاهرگها خود منشعب است از قلبی که سرچشمه حیات و موجب جریان وسیلان همیشگی این سیستم پیچیده است و راز بقاء مردم ما.

ایشان می نویسند:

«آنچه قوم یهود را در میان دیگر ملت ها مشخص نگاه داشت، مذهب وابسته به قومیت بود.»

این درست مثل این است که بگوئیم: «علت زنده بودن یک انسان خونی است که به شست پای او می رسد.» نویسنده، بدلیل عدم آشنائی با پایگاههای فلسفی و انسانی دین یهود، یکی از علل فرعی پایائی تاریخی قوم یهود را دلیل اصلی آن می پندارد و از اینجا به بعد، بحث او به بیراهه می رود و یهودیان تبدیل می شوند به مردمی تژادپرست با عقده خودممتاز بینی.

برای آشنائی بیشتر با این برداشت، دنباله این نظریه را می خوانیم:

«احساس قوم برگزیده خدا بودن یعنی خویشتن را محبوب تر و مقرب تر به خدا دانستن (اگر نگوئیم ممتاز بودن) توام با اعتقادات دینی و ضرورت اجرای مراسم مذهبی که طبعاً در جهان بینی آنان مؤثر بوده و در نحوه زندگی آنان اثر گذاشته



است، موجب گردید که آنها خویشتن را متمایز شناخته و هویت خویش را بطور مستقل حفظ کنند.»

با کمال تأسف این یکی از بزرگترین اشتباهاتی است که جماعات غیر یهودی در مورد یهودیان می کنند و سرمنشاء آن نیز تعبیرات و تفسیرات خطائی است که سهواً یا عمدتاً از تورات می شود. ما اولین قوم مؤحد روی کره زمین هستیم. ما می گوئیم وقتی اراده خداوند بر این قرار گرفت که یکتاپرستی را برگستره کره زمین اشاعه دهد، ما را جهت انجام این امر انتخاب کرد. این (گزینش و نه برگزیدگی) دلیل برتری ما بر سایر اقوام و ملل گیتی نیست و علت این انتخاب را هم اگر بخواهیم بدانیم، چندان آسان نیست چون برآنیم که از کار خدا سردر بیاوریم. تنها راه این است که پس از مطالعه بی غرضانه تورات و بررسی تاریخ یهود و کندوکاو در باورهای دینی این قوم سعی کنیم شاید سرنخی بدست بیاوریم که چرا خداوند از میان اینهمه نفوس کره خاکی، انگشت روی قوم ما گذاشته است.

مشکل کار این است که هر چه آدم در این کند و کجا و جلوتر می رود، بیشتر در ژرفای آن غرق می شود. شما تاریخ یهود را می خوانید و از خود می پرسید: مگر می شود که خداوند که عقل مطلق است، اینقدر کارش بی حساب باشد که از میان این همه آدم های جورواجور، قومی را برای پیشگامی در اشاعه توحید برگزیند که ایراد و بهانه جوئی آن زبانشخص خاص و عام شود؟ قوم من در صحرائ سینا چه بلاهائی که به سرحضرت موسی نیاورد. هر بار که پیامبر خداخواست آنانرا به راه راست هدایت کند هزارو یک جور عیب و ایراد از کار او و خود خدا گرفتند، آنقدر که خودخدا هم به خشم آمد و تا آنجایی رفت که «ایراد بینی اسرائیلی» شد یک اصطلاح همه گیر. نمی خواهم سرتان را با آوردن شاهد و نمونه از اینجا و آنجا درد بیاورم، ولی تاریخ یهود مالا مال است از داستان های برخورد مردم ما با خداوند متعال. به خود حضرت موسی هم که از دریچه تورات نگاه کنید ملاحظه خواهید فرمود که او نیز از این بابت دست کمی از سایر ابناء قومش ندارد.

از ثانیه اولی که خداوند بر موسی ظاهر شده، از او می خواهد که پیامبری اورا بعهده بگیرد، موسی با خداوند یکی به دورا شروع کرده، چگونگی تصمیم ذات باریتعالی را مورد پرسش قرار می دهد. به تورات، سیفر خروج نگاه می کنیم، خداوند می فرماید:

«پس اکنون بیا تا ترا نزد فرعون بفرستم تا قوم بنی اسرائیل را از مصر

بیرون آوری» (باب سوم - آیه ۱۰).

و بلافاصله (آیه ۱۱ همین باب) موسی پاسخ می دهد:

«موسی به خدا گفت من کیستم که نزد فرعون بروم و بنی اسرائیل را از مصر بیرون آورم؟»

و پس از آنکه خداوند پاسخ او را می دهد، باز می پرسد:

«موسی به خدا گفت چون من نزد بنی اسرائیل برسم و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است و از من پرسند نام او چیست، بدیشان چه گویم؟» (باب سوم - آیه ۱۳)

از آیه ۱۴ تا ۲۲ این باب، خداوند بموسی ارائه طریق می کند و باز در آغاز باب چهارم، آیه اول، می خوانیم:

«و موسی در جواب گفت، همانا مرا تصدیق نخواهند کرد و سخن مرا نخواهند شنید، بلکه خواهند گفت خداوند بر تو ظاهر نشده است.»

و دیگر بار خداوند با او می گوید که چه کند.

و شما در تمام طول سیفر خروج می خوانید که بنی اسرائیل چه ایرادهای بنی اسرائیلی از موسی گرفتند و نیش حمله این ایرادها هم همه و همه متوجه خود خداوند بود، و بدنبال آن، در کمتر بخشی از تورات شما می توانید موردی پیدا کنید که خدا پیامبران و فرستادگانش و بدنبال آنان علماء و دانشمندان و رهبران و روحانیون این قوم حرفی زده باشند و ما چشم بسته پذیرفته باشیم، و اینجاست که پاسخ معما در فکر من پوینده ناگهان جرقه می زند.

پاسخ در خود پرسش است. بسیار ساده: خداوند روی قوم یهود از این رو بعنوان پیشگام در اشاعه یکتاپرستی انگشت گذاشت که پرسشگری، پویندگی، پاسخ خواهی و از همه مهم تر عدم تعبد و زد پیروی کورکورانه حتی از خود خداوند (چه رسد به پیامبر و فرزند و روحانی) از ویژگیهای

رفتاری این قوم است و این امر یکی از اساسی ترین مبانی دین یهود.

قلب طپنده سیستم خون رسانی به همه شاهرگها و رگها و مویرگهای این باوری که هنوز پس از صدها و هزاران سال پیایی، برجامانده و پایاست، همین جاست. راز قوام و بقا و همبستگی قوم ما، این وجه مشترک است.

برای اینکه این ابهام پیش نیاید که من در این نتیجه گیری، خود بریده ام و خود دوخته ام، اجازه می خواهم شمارا با گوشه هائی از نظریات یکی از بزرگترین سخنوران و نویسنده گان معاصر یهودی دنیس پرگر آشنا سازم. پرگر، هر چند یهودی زاده است، ولی ایمان به یهودیت را از مبنای بی ایمانی آغاز نموده و پس از پژوهشگری، مطالعه و کنکاش بسیار، به تعریف از آنچه را که یهودیت راستین می داند نشسته است. معروفترین اثر مشترک این نویسنده با جوزف تلیوشکین (یکی دیگر از نویسندگان و دانشمندان معاصر یهودی) کتابی است بنام «نه پرسش درباره یهودیت». اولین پرسش مندرج در اولین بخش کتاب، این است:

«آیا می توان وجود خدا را انکار نمود ولی یک یهودی خوب باقی ماند؟» و پاسخ این است: «آری! یهودیت مرحله ای را که هر انسان تا رسیدن به ایمان طی می کند تأیید نموده و آنرا بخشی از دوران بلوغ مذهبی هر فرد می داند. تعالیم مذهبی یهود بیشتر ناظر بر شیوه عمل و کردار پسندیده یک فرد یهودی است تا ایمان او. تلمود که یکی از بزرگترین کتب مذهبی یهود است، این گفته را به خدا نسبت می دهد: «بگذار آنان (یهودیان) مرا ترک کنند، ولی به دستوراتم پای بند بمانند» چون تلمود اضافه می کند) متعهد بودن به قوانین یهود، آنانرا بسوی خدا بازمی گرداند. بر مبنای همین استدلال، چنانچه یک یهودی خدا را قبول داشته باشد و بر قوانین او گردن نهد، یهودی خوبی نمی تواند باشد.»

بنابراین ملاحظه می فرمائید که در باور یهودی، خدا نیامده است که جانشین بت ها شود، بلکه آمده است که آنها را بشکند. یک یهودی در مقابل هیچ محراب و منبر

و پرستشگاهی زانو نمی زند و ادای بت پرستانی را که خود آنانرا نمی کرده در نمی آورد، چون این کار را بی حرمتی به مقام خداوند می داند. حال آنکه در میان سایر ادیان سامی، دنباله روی یهودیت و نیز ادیان بزرگ آریائی، سرفرود آوردن در مقابل سمبل ها، پیکره ها و حتی روحانیون و مرشدان این باورها، امری است عادی. ولی یک حاخام یا راب یهودی همیشه آماج پرسش و استیضاح و انتقاد هم کیشان خود بوده و بعنوان یک پیشگام در امر دین، بیشتر از هر کس زیر نظر است. (البته این رفتار باعث نمی شود که روحانیون یهودی از احترام و منزلت اجتماعی که بحق شایستگی آنها دارند برخوردار نگردند).

باتوجه بمراتب بالا جناب زاهدی، نظراول شمارا باقید این اصلاح می پذیرم: **نظر شما:** «آنچه قوم یهود را در میان ملت ها مشخص نگاه داشت، مذهب وابسته به قومیت بود.»

نظر من: «آنچه قوم یهود را در میان ملت ها مشخص نگاه داشت، وجه مشترک همه یهودیان و فرهنگ دینی آنان در امر عدم تعبد و پیروی کورکورانه از دستورات دینی است». و سایر نکات شمارا اجازه می خواهم ذیلاً مورد بررسی قرار دهم: **اول:** احساس قوم برگزیده خدا بودن. باتوجه به توضیحاتی که قبلاً داده شد، یهودیان معتقد به برگزیدگی نیستند و چنین احساسی نیز ندارند.

دوم: خود را محبوب تر و مقرب تر (از غیر یهودیان) به خدا دانستن.

در تورات آمده است که آدم شبیه خدا خلق شد (سفر پیدایش - باب اول آیه ۲۶) یعنی این خداست که در ذات انسان متجلی شده، بنابراین اگر یک یهودی خود را برتر از یک غیر یهودی بداند، در عمل، خدای خود را نفی کرده است، و نیز «هم نوعت را مانند خودت دوست بدار» (سفر لاویان - باب ۱۹، آیه ۱۸) آیه دیگری است در تأیید این نظر. یکی از بزرگترین تلمود دانان معاصر، راود کتر کهن در کتاب «تلمود برای همه پس از آوردن این دو آیه و تحلیل نظرات دانشمندان یهود از این باب می نویسد:

«محبت همه جهانیان به یکدیگر که در این آیات به آن اشاره شده است، فقط

«دزدیدن مال یک غیر یهودی عملی
شنیع تر است تا دزدی از یک یهودی، زیرا
گناه عظیم سرقت مال یک غیر یهودی
همان عقوبت را دارد که بی حرمتی به نام
خدا».

پس ملاحظه می شود که یک یهودی نباید
چنین تصور کند، و چنین نیز نمی پندارد، که
بدلیل قومیت یادین خود به خدا نزدیکتر است.
سوم: خود را (نسبت به غیر یهودیان)
ممتاز پنداشتن و متمایز شناختن.

آقای زاهدی که اصرار دارند انگیزه
پایانی اقلیت های ماندگار را به تمایلات
نژادی پیوند دهند، دومین مثال خود را از
پارسیان هند آورده، معتقد هستند که عوامل
حفظ دین و احساس برتری قومی نزد پارسیان
باعث ماندگاری آنان تا باین زمان شده است
و این عوامل را میان یهودیان و پارسیان هند
مشابه و مشترک خوانده اند. بعقیده من اگر
این عوامل نزد زرتشتیان پناهنده به هند
ایشقدر ریشه دار بود، در وهله اول از سرزمین
خود نمی گریختند. به گواهی تاریخ، اکثر
این پناهندگان یا از طبقه مرفه بودند یا
تحصیل کرده ها (درست مشابه اکثریت
ایرانیان آواره امروزی). چنین گروهی
در سرزمین فقیری مانند هند، که بدلیل بیشمار
بودن ادیان و مذاهب و باورهای گوناگون،
ظهور یک دین یا فرقه جدید در آن مسأله ای
نبود، راحت جا افتادند و زود هم (همانطور
که آقای زاهدی اظهار نظر نموده اند) بدلیل
فرهنگ بالاتر و بعقیده من بدلیل هم فرهنگ
بالاتر و هم ثروت بیشتر، در آن جامعه رخ
نمودند. گذشته از تمام این حرف ها پارسیان
هند خود را زرتشتی هندی می دانند نه ایرانی!
حال اجازه بفرمائید من اینان را با مردم
خود مقایسه نمایم. یهودیان در بابل بده
بودند. کورش کبیر آنان را از اسارت بیرون
آورد و به آنان اختیار داد که یا در ایران
زمین سکنی گزینند یا به فلسطین، سرزمین
پدران خود، بازگردند. پدران ما که خود را
مدیون مردانگی این شهریار انسان دوست
می دانستند، بیش از دو هزار و پانصد سال
پیش، کوله با سرگردانی خود را در سرزمین
اهورائیان به زمین گذاشتند، ایرانی شدند و
ایرانی ماندند. بایورش تازیان به ایران، به
غیر از شماری اندک از هم میهنان ما که
زرتشتی باقی ماندند، بقیه تن به استیلای



— زرتشتی —

بیطرفانه ادبیات تلمود، این نتیجه بدست می
آید که بطور کلی نظریه دانشمندان یهود
در باره اخلاقیات جنبه همگانی و جهانی دارد
و تنها معطوف به افراد ملت یهود نیست»
و دهها دستور گوناگون تلمود رایه عنوان نمونه
به شهادت می گیرد، از جمله:

یک آرمان ساده نیست که تورات از آن
حمایت کرده باشد، بلکه تنها میزان و معیار
حقیقی رابطه افراد انسانی با یکدیگر
است.»

نامبرده در بخشی دیگر این بحث
را اینگونه دنبال می کند: «از مطالعه و بررسی

عرب دادند، ولی مایه‌دیان با حفظ سنت‌ها و شعائر دینی خود و نیز بابدوش کشیدن درفش افتخارآمیز تمدن پر بار میهنان ایران، هویت خود را بعنوان یک یهودی و یک ایرانی حفظ کرده و از این بابت نیز بهای گزافی پرداختیم. برای اینکه این موضوع موجب سوء تعبیر نگردد، خیلی خلاصه می‌گویم و از آن می‌گذرم که از مردم ماخونهای بسیار ریخته شد. نه از سوی توده مردم پاک نهاد ایران، بلکه بدست گروهی کور دل که قشربون آنانرا شستشوی مغزی می‌دادند. قشربونی که برای آنان یک یهودی مطلوب ترین بره قربانی بود، بره ای که هم در عزا سر می‌بریدند و هم در شادی، ولی ما باز هم یهودی ماندیم و ایرانی بودن خود را انکار نکردیم.

حالا بفرمائید اگر ما خود را ممتاز و متمایز می‌شناختیم، چه اصراری داشتیم که فرهنگ و ملیت ایرانی را پذیرا شویم؟ فرهنگی بسیار غنی و پر بار داشتیم؟ که داشتیم! زبان و سنت و دین و از خود گذشته‌گی و پایمردی در راه آرمان‌های ایمانی و مردم خود نداشتیم؟ که داشتیم. پس چرا چنین کردیم؟ چون مانژاد پرست نیستیم، مافقط دین و شعائر دینی خود را گرامی می‌داریم (البته تا آنجا که ضد یهود برای ریختن خون ما شمشیر از قلاف بیرون نکشیده باشد، ولی وقتی چنین شد، آنجاست که ما کنار هم چون یک جسم واحد می‌ایستیم، که این هم امری است طبیعی)، و در مورد راه و رسم زندگی در کشوری که بدان پا گذاشته ایم به پژوهش می‌پردازیم و از آنجا که سنت‌گرایی یکی از مظاهر مشخصه یهودیت است و ما در این امر کار کشته ایم، آنچه را که خوب و زیبا و مطلوب است می‌گیریم و می‌چسبیم و نسل بعد از نسل به فرزندان خود منتقل می‌کنیم، و بهمین دلیل هم ارزشمندترین گوشه‌های از یادرفته فرهنگ پر بار سرزمین ما ایران، هنوز نزد ما زنده است، مانند واژه‌های نایاب فارسی سره در زبان‌های رایج در میان یهودیان اصفهان و همدان.

باتوضیحاتی که از سر آغاز این نوشته تا به اینجا داده شد، امید است توانسته باشم تصویری کلی از مبانی فکری و ایمانی یک فرد یهودی بدست دهم، ولی قبل از اینکه به مرحله دوم موضوع این نوشته، یعنی نگاه دوباره ای

به راه‌های حفظ فرهنگ و ملیت ایرانیان در غربت، برسیم لازم می‌دانم به یکی دیگر از اعتقادات راسخ و همیشه ماندگار یهودیان اشاره نمایم، چون بررسی این باور به دنباله بحث ما مربوط می‌شود.

تورات را که مطالعه کنید ملاحظه می‌نمائید که **ارض موعود** تاجی است پر گهر به تارک ایمان یهودی و اورشلیم، ارزنده ترین جواهر آن. مابسیوی ارض موعود نماز می‌گذاریم. شهر ستم‌دیده اورشلیم نمادی است از ظلمی که بر قوم یهود رفته است. **ارض موعود** یعنی شناسنامه یک فرد یهودی. خداوند این زمین به و یژه اورشلیم را بنا و وعده داد: به ابراهیم پدر قوم ما، به موسی رهبر و منجی ما و به یکایک ما.

حضرت داود نزدیک به سه هزار سال قبل در تیردی سلحشورانه آنرا از چنگ یبوسی‌ها بدر آورد، شهر اورشلیم را پایتخت اسرائیل (که بفارسی اسرائیل گفته می‌شود) قرارداد و حضرت سلیمان در آن بت همی‌قدش یا قبله یهودیان جهان را بنا نهاد. ۲۵۷۲ سال پیش نبوکدنصر (بخت نصر) اسرائیل را تصرف کرد و یهودیان را به اسارت از آن به بابل برد تا همانطور که در بالا گفته شد بدست کورش شاه رها شده شدند و آنان که به سرزمین خود بازگشتند و در ۲۴۳۱ سال قبل باروهای اورشلیم را از نو ساختند.

اسکندر مقدونی سرزمین یهود را فتح کرد و جانشینان او بر سر حکمرانی آن بجان هم افتادند و در این میان مردم مابودند که جان باختند. در سال ۶۳ قبل از میلاد، رومیان اسرائیل را فتح کردند و بار دیگر رادمردان جنگاور یهودی با رستاخیزی دلیرانه، پشت امپراطوری روم را به لرزه درآوردند، ولی این انقلاب نیز در سال ۷۰ میلادی سرکوب شد. اما یهودیان از پا ننشستند و بار دیگر با جنبشی ستایش انگیز که از اورشلیم آغاز شد رومیان را چنان به ستوه آوردند که آنان یهودیان را قتل عام کرده اورشلیم را با خاک یکسان نموده و شهری رومی بر ویرانه‌های آن بنا کردند. اما به اعتقاد دیر پای ما، هر چند ویران شدن پرستشگاه مقدس مایکی از بزرگترین ضایعات تاریخی است، معهذرا روح اورشلیم پاینده و همیشه ماندگار است.

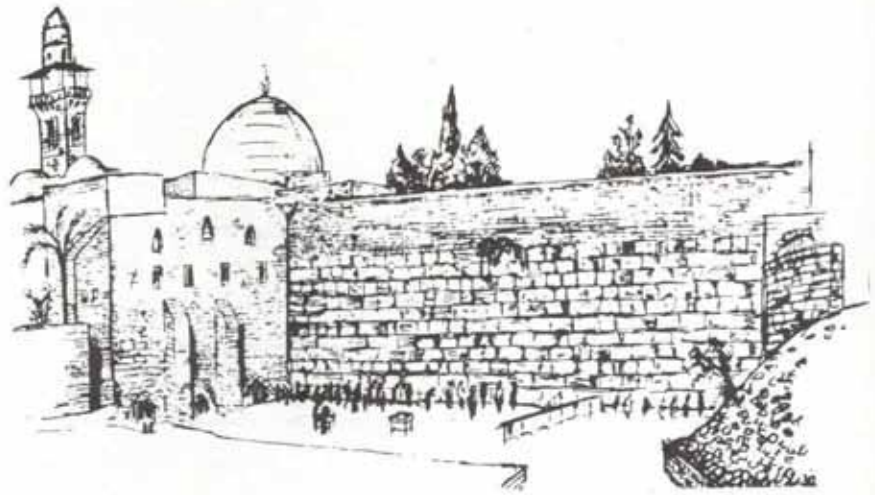
در سال ۶۱۴ میلادی این شهر به تصرف خسرو دوم شاه ایران درآمد و در سال ۶۳۷ مورد

هجوم تازیان قرار گرفت و عمر بن خطاب از یهودیان سلب اجازه اقامت در اورشلیم نمود. بسال ۱۰۹۹ میلادی، در جنگ‌های صلیبی به تصرف صلیبیان درآمد و بسال ۱۱۸۷ به تصرف صلاح الدین ایوبی و بسال ۱۵۱۷ ترکان عثمانی.

ارض موعود و اورشلیم ستون فقرات ایمان یهودی است و برگ شناسائی او. اینجاست که این ابهام بوجود می‌آید که یک پام و دو هوا که نمی‌شود. یازنگی زنگ یا رومی روم. «تو» یهودی مورد این پرسش قرار می‌گیری که: «تکلیف راتعیین بفرمائید، جنابعالی تبعه کدام سرزمین هستید؟ امریکا، روسیه، مراکش، رومانی، حبشه، مصر، عراق، ایران یا اسرائیل؟» تا اینجا آدمی بودی خود ممتاز بین و ژادگرا و حالا هم شدی کسی که خود را بظاهر تبعه کشوری که در آن زندگی می‌کنند معرفی کرده ولی در باطن به سرزمینی دیگر عشق می‌ورزد.

این گمان نادرست است و مردود، چرا که در چارچوب تعریفی غلط، نتیجه ای غلط تر گرفته شده است. فرض غلط این است که چنانچه من خود را ایرانی بدانم، به هیچوجه من الوجوه حق ندارم خود را گرد یا بلوچ یا عرب یا یهودی بدانم. می‌فرمائید کردستان بخشی از ایران است؟ خیر قربان، در عراق و ترکیه هم کردستان داریم. می‌گوئید بلوچستان بخشی از ایران است، پس تکلیف بلوچستان پاکستان چه می‌شود؟ نظر شما این است که اعراب خوزستانی ایرانیانی پاک نهادند، بنده هم باشما موافقم، اما انکار نکنیم که عرب‌بند و لاغیر! همین وضع در سراسر دنیا وجود دارد. سویسی ها گروهی آلمانی هستند و گروهی فرانسوی اما خود را سویسی می‌دانند. خیلی هم میهن پرست هستند، اما به آلمان یا فرانسه، بر حسب مورد، عشق می‌ورزند.

بریتانیای کبیر سابق و صغیر فعلی را انگلیس‌ها و اسکاتلندی‌ها و ایرلندی‌ها تشکیل می‌دهند و صدها مثال مشابه دیگر. بنده یهودی هم ایران را چون جان عزیز می‌دارم و در عین حال از اینکه پس از قرن‌ها ارض موعود بمن بازگشته و قبله ای که به آن نماز می‌گذارم در چنگ بیگانه نیست نیز شکر گزارم. حال اگر بعضی از سیاست‌های دولتمردان حاکم بر اسرائیل را نمی‌پسندم



خش خش زنجیرهائی که به پوست های پشت شانه های برآماده فرود می آید و صدای گیرای ذبیحی که مناجات نیمه شبهای ماه رمضان را می خواند و پدر یهودی من که رادبوی بالای سر خود را روشن می کرد و همراه با ذبیحی باخدای خود به راز و نیاز می نشست و...

ایران مرا هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند از من بگیرد. ولی ایران آقای پرویز حکمت را که جلوجلو هویت خود را از دست می دهد و می شود پری هکمن خیلی راحت از او می شود گرفت و یا شاید درست تر باشد اگر بگوئیم که افرادی از این دست، هرگز ایرانی نداشته اند که از دست بدهند.

باری عزیزان من، فاجعه بدین سان آغاز می شود. از آنجا شروع می شود که پدران و مادران نه فقط بافرزندانشان دیگر فارسی حرف نمی زنند و خود نیز انگلیسی شکسته بسته بلغور می کنند بلکه باسگ خانه هم به انگلیسی امرونهی می کنند! بدبختی ما از آنجا آغاز می شود که همانطور که آقای حسین زاهدی هم فرموده اند، غرور ملی و هویت افتخار آفرین مادر و یاروئی پادیکران رنگ می بازد. یک امریکائی موفق خاندان آنگلو ساکسون از ریشه های خود که به زدهای دریائی می رسد با افتخار یاد می کند و وقتی باشگفتی از او می پرسی این چه افتخاری دارد؟ پاسخ می شنوی که: من از آنجابه اینجا رسیده ام. در عوض هموطن دستپاچه من، ایرانی بودن را آبروریزی می داند و در نتیجه ریشه های خود را که از درخشان ترین تمدن های گیتی است انکار می کند. البته در و یاروئی با خارجی ها، اما به بنده و جنابعالی که رسید چنان برای ایران از دست رفته سینه چاک می دهد که بیا و ببین.

چه باید کرد؟ این اولین سؤالی است که هر ایرانی در بدری، در بدو ورود خود باین آب و خاک از خود می کند. همه ایرانیان اعم از ترک و کرد و بلوچ و عرب و یهودی و ارمنی و آشوری و زرتشتی همه گفتند ما باید گرد هم آئیم. دست در دست هم بگذاریم و برای اینکه نابود نشویم اول فرهنگ ملی سرزمین مان را پاسداری کنیم و همزمان با آن هم بقول عوام هوای یکدیگر را داشته باشیم. من می دانم و شما نیز، که

انگلیسی گفتگو می کنند و ایشان هم هیچ اعتراضی نمی کنند.

یک جای این قضیه بد جور می لنگد. نمی دانید کجا؟ از من پرسید. از من یهودی ایرانی که بیش از دوهزار و پانصد سال در این کار تجربه دارم. تجربه در اقلیت بودن را عرض می کنم. امریکا را دوست داشتن و به زندگی کردن در آن راغب بودن هیچ عیب نیست. کارت سبز گرفتن و حتی تابعیت امریکا را هم پذیرفتن نیز هیچ اشکالی ندارد. بر من خرده نگیرید (و بر خودتان نیز، چون شما هم بدتان نمی آید. تابعیت پیشرفته ترین و غنی ترین سرزمین دنیا را داشته باشید). امریکا سرزمین ملیت های گوناگون است. از خانم چشم بادامی می پرسی شما کجائی هستید؟ می گوید امریکائی ژاپنی و دیگری می گوید امریکائی لبنانی و سومی امریکائی مکزیکی. بله قربان، اینجا سرزمین انسانهای دومیلیتی است و در این سرزمین یکی از زیباترین تجربیات تاریخ بشر از بدو خلقت انجام گرفته است و آن اینکه انسانها از اطراف و اکناف کره خاکی گرد هم جمع شده و نیرومندترین و پیشرفته ترین کشور روی زمین را درست کرده اند. نگوئید که این آقا تمایلات جهان میهنی دارد.

نه اینطور نیست. ایران چیز دیگری است: مولانا و سعدی و حافظ و فردوسی و عالی قابو و تخت جمشید و دلکش و مرضیه و عبدالوهاب شهیدی و صبا و بدیعی و زورخانه و مرشد و پهلوان و علی یارت و ناکسی های نازنجی و لبوفروشان شبهای زمستان و کافه کریستال و موسیو هاراتون عرق فروش و فریاد حسین شهید صدای

یامی پسندم این نظر شخصی من بعنوان یک یهودی صاحب هویت است. البته در میان مردم من هستند افرادی که دومیلیتی بودن را بد می دانند و از این روابط اساسی دین خود یعنی وابستگی به سرزمینی که بسوی آن نماز می گذارند را انکار می کنند، که البته اینان انگشت شمارند.

حال برگردیم به مسأله هویت همه ما ایرانیان کوچ کرده باین غربت و نگرانی همه ما که بر سر فرهنگ و ادب ما که سینه به سینه و نسل از پی نسل به ارث برده ایم چه خواهد آمد؟ با کمال تأسف اکثریت هموطنان مسلمان ما همان مسأله ای را دارند که عده ای انگشت شمار از یهودیان ایرانی و آن ترس از دومیلیتی شدن است. اینان اقرار باینکه دارند امریکائی می شوند را عار و تنگ می دانند، عرض کردم اقرار بآن را چون بدون رودر بایستی اکثریت همین خاتم ها و آقایان وقتی خبردار می شوند که کسی از میان آنان موفق به گرفتن کارت سبز اجازه اقامت دائم در امریکا شده، تلفن هاست که چپ و راست شروع می شود و تبریک و تهنیت و طلب کردن مهمانی و شیرینی.

همان شخصی که کارت سبز گرفته، دل توی دلش نیست تا پنج سال از مدت اقامتش بگذرد و سراسیمه بدو اداره مهاجرت و برای خودش و خانواده اش درخواست تابعیت امریکا را بکند و اسمش را هم مثلاً از پرویز حکمت تبدیل کند به پری هکمن! ولی در مقابل دوستان و رفقای سنگ میهن رابه سینه می زند و وامصیبتا می گوید که ایران را دریابیم در حالیکه درست در همان حال فرزندانش با فرزندان سایر دوستانش به زبان

چنین نشد. ماگرد هم آمدیم و بر سر ریاست جنگیدیم و بر سر مقام بالا و با منافع مادی خود. جمع ما تبدیل به گروههای گوناگون شد و گروهها مبدل به گروهک ها و گروهک ها هم باشید و مجدداً برگشتیم سر جای اولمان، یعنی رئیس همه و مرئوس هیچ کس! حالا اینهمه رئیس راجه کسی باید اداره کند؟ از آنجا که همه رؤسای عزیز ایرانی هستند، تنها راه حل یک کوروش، یک داریوش، یک شاه عباس، یک نادرشاه، یا یک رضاشاه است. اینهم که اولاً خدا بدهد و ثانیاً چنانچه لطف الهی شامل حال ما شود و بدهد، پدرد امریکا نمی خورد، پس دعا کنیم که خداوند چنین رئیس الروسانی رادر خاک ایران برانگیزاند.

گرفتاری ما این است که در اعتقادات خود (چه باورهای دینی و چه نظریات سیاسی) بسیار دگماتیک و مکتبی و جزمی هستیم و همانطور که در مقدمه این نوشته عرض کردم پاسا پرین بنده فکر ما هستند یا تمام مبانی فکری آنان مردود است. اینهمه سال در این سرزمین آزادیهای بی اندازه (و چه بسا زیاده از حد) زیسته ایم، دموکراسی را ثابته به ثابته تجربه کرده ایم، ولی نیاموخته ایم که صادقانه به افکار دیگران احترام بگذاریم. اگر کسی بگوید شاه در بازسازی ایران خدمات بسیار کرد، از دید شاهدوستان انسانی است قاضل و از دید مخالفان شاه باید برود! حالا اگر همین آقا بلافاصله برگردد و چند تا از اشتباهات شاه را بر شمارد قضیه برعکس می شود. اگر کسی بر خیزد و بگوید هر چه چریک فدائی یا مجاهد است باید قتل عام کرد، این نظر مطبوع طبع مخالفان این گروههاست ولی اگر همین آقا بگوید که اینها جوان هائی هستند که در چارچوبه اعتقادات خود (حالا غلط یا درست) صادقانه خلق خود را دوست دارند، می شود کمونیست خونخوار. همین مثال هائی که من در بالا زدم اگر باعث سدجور تعبیر و تفسیر در مورد گرایش های سیاسی من نشد، شما هر چه می خواهید بگویند!

در اینجا بد نیست اشاره کنم که یهودیان ایرانی مقیم این دیار در بدو ورود، پس از مشاهده این نابسامانی، مستقیماً وارد عمل شده و با تشکیل فدراسیون یهودیان ایرانی به حفظ منافع مردم خود و پاسداری

از فرهنگ ایران زمین همت گماشتند. درمداریسی که یهودیان ایرانی تشکیل داده اند، علاوه بر دروس جاری و مذهبی، زبان فارسی نیز تدریس می شود. بزرگترین تعداد شرکت کننده در کلاسهای فارسی رایگان (که به همت گروهی از یهودیان هموطن تشکیل یافته) کودکان یهودی ایرانی هستند. بیش از پنج سال است که مجله شوفاژ با پشتکار بدون چشم داشت گروهی داوطلب منتشر می شود و به تصدیق بسیاری از هموطنان، یکی از ارزنده ترین نشریات فارسی برونمرزی است. در کلیه محافل هنری ایرانی اقلیت یهودی ایرانی غالباً اکثریت دارند و هر جا نام و نشانی از ایران است، مردم مایه گونه ای حضور دارند. علاوه بر این، فدراسیون مادر سطح جامعه ایرانی موفق به انجام خدمات بسیاری شده که اینجا جای برشمردن آنها نیست.

پیش بینی آقای حسین زاهدی درباره مستحیل شدن نسل های بعد از ما در فرهنگ و شیوه زندگی امریکائی کاملاً درست است

و هر قدر هم گروهی اندک مقاومت کنند، چون یک پارچگی در کار ایرانیان بطور اعم و ایرانیان مقیم این دیار بطور اخص نیست، راه تجارتی بنظر نمی رسد. گیرم من و شما هم قدری مقاومت کردیم و فرزندان خود را وادار نمودیم که در این شرایط دشوار زبان و فرهنگ مادری خود را به چسبند، وقتی پسر خاله ها و دختر عمه های شان را دیدند که زیر این فشار نیستند به من و شما چه خواهند گفت و آیا این بچه ها از فرهنگی که ما داریم به آنان زورکی تحمیل می کنیم دلزده نخواهند شد؟

تنها راه همبستگی است و دور ریختن حس خود برترینی که با کمال تأسف نزد یکایک ما ایرانیان چون یک بیماری واگیردار و همه گیر وجود دارد. تنها راه دوست داشتن است، صرف نظر از باورهای دینی و قومی. تنها راه دست بدست هم دادن است و زنجیری ستبر از یگانگی ساختن؛ تا آنروز که باردیگر، زیر آسمان میهن مان، بدو راز تعصبات و تبعیضات گند آلود، گردهم آیم.

لطیفه ها و ضرب المثل های یهودی

دکتر، پس از معاینه کاملی که از آقای کوهن، بیمارش بعمل آورد گفت:
«همه چیز عالی است. ماشاله سالم و سر حالید. تنها یک ایراد کوچک هست آنهم اینکه یکی از کلیه های شما از جای خودش کنده شده، که اینهم به هیچوجه برای من مایه نگرانی نیست.»
آقای کوهن جواب داد: «البته که برای شما مایه نگرانی نیست. اگر کلیه شما هم از جا کنده شده بود، برای من هیچ مایه نگرانی نبود!»

کاسبکاری از او پرسید: «چرا مرد خدائی چون شما همیشه از کار کسب حرف می زند. در حالیکه من که کاسب هستم، از لحظه ای که محل کار خود را ترک می کنم، همیشه درباره مسائل الهی و مقدس گفتگومی کنم؟»
راو پاسخ داد: «این امر بر اساس یک

اصل مسلم است.»

کاسب پرسید: «چه اصلی؟»
راو پاسخ داد: «این اصل که مردم همیشه دوست دارند درباره چیز هائی که نمی دانند حرف بزنند!»

زن زیبا رو و در دستکار نایاب است، مانند ترجمه شعر که وقتی بدرستی انجام گیرد زشت است و اگر بدرستی ترجمه نشود، زیباست.

(از: موریتس جی. سافیر)
چه کارها که انسان بخاطر عشق نمی کند - البته عشق به خودش!

انسان عاشق، عقل خود را با عشق از دست می دهد و پس از ازدواج دوباره بدست می آورد.

(از: موریتس جی. سافیر)

INNOVATIVE FINANCIAL GROUP

خدمات مالی اسحقیان

متخصص در وام های مسکونی، ساختمانی و تجارتي
با کمترین بهره و کوتاهترین مدت

حتی اگر شغل و یا اعتبار بانکی هم نداشته باشید ما قادریم
برای شما وام تهیه نمائیم

وام های اول و دوم دولتی FNMA, GNMA و بانکی

همکاری با بانک های مختلف
و منابع قابل اطمینان

خدمات مالی اسحقیان

(۸۱۸) ۹۹۳-۶۳۹۲

**INNOVATIVE
FINANCIAL
GROUP**

16055 Ventura Blvd., Suite 1118
Encino, CA 91436

(818) 993-6392

فدراسیون یهودیان ایرانی

شاووعوت - موعد گل را جشن می گیرد.

بدین مناسبت فدراسیون یهودیان ایرانی جشن مجللی

در روز یکشنبه ۷ ژوئن ۱۹۸۷

از ساعت ۸ بعد از ظهر تا بامداد در هتل «بوناونچر»

برگزار می نماید.

پذیرائی: کوکتل

باشرکت هنرمندان:

ستار - شهرام - خانم فتانه - مرتضی

وتعدادی دیگر از هنرمندان

اجراء کننده: هنرمند وشومن محبوب

آقای حسن خیاط باشی

خدمات بیمه بیژن نهائی

تلفن ۲۰۰۵-۲۷۶-۲۱۳



BIJAN NAHAI INSURANCE SERVICES

9665 Wilshire Blvd., Suite 300
Beverly Hills, CA 90212
(213) 276-5200

بزرگی دومین شماره

اقتصادی سال

مؤثر ترین منبع اطلاعاتی ایرانیان مقیم کالیفرنیا

منتشر می شود

جهت کسب اطلاعات بیشتر و درج پیامهای بازرگانی
با تلفن ۱۱۷۶-۶۵۹-۲۱۳ و یا آدرس زیر تماس حاصل فرمائید.

POST OFFICE BOX 2849
BEVERLY HILLS, CA 90213
(213) 659-1176



تهیه از: گیتی بروخیم (سیمانطوب)

نام خانم دکتر «استر آقائی» نامی است شناخته شده، نه فقط در جامعه پزشکیان ایرانی بلکه در جامعه پزشکیان سراسر عالم بخصوص پزشکیانی که در زمینه های بیماریهای خونی بطور اعم و سرطان خون به طور اخص به فعالیت مشغولند. دکتر آقائی نه فقط یک طبیب بسیار مشهور است بلکه محقق است نام آور و سرشناس.

دکتر استر آقائی پس از اینکه شاگرد اول ششم طبیعی دبیرستان های ایران می شود به کمک بورسی ازدولت ایران به فرانسه می رود و در رشته طب اطفال و خون تخصص می گیرد. در فرانسه دو نوع تحصیل در رشته طب وجود دارد یکی طریق معمولی و طریق دیگر اینکه در سال سوم تحصیل در رشته طب باید کنکور مخصوصی بدهند که فقط عده معدودی قبول می شوند. فقط کسانی می توانند در قسمت های عالی طب مثلاً رشته پرفسوری وارد شوند که موفق به گذراندن این کنکور شده باشند. در آن سالی که

گفتگویی با یکی از پرآوازه ترین خانم های پزشک ایرانی

نام دکتر استر آقائی، نامی است شناخته شده برای اطباء متخصص در بیماریهای خون.

دکتر آقائی در این کنکور شرکت می کند، سه هزار دانشجوی شرکت دارند و فقط هفت نفر در کنکور مزبور قبول می شوند، استر آقائی یکی از این هفت مغز است. او که عاشق تحصیل علم است چهار جایزه شاگرداولی بیمارستان مون پلیر را از آن خود می سازد. در سال ۱۹۶۱ تزخود را درباره درمان سرطان خون اطفال به رشته تحریر در می آورد. او در مورد چند فرضیه برای روشن کردن نقش ویروس در تشکیل سرطان از یک طرف و قاعده ژنتیک انسان از طرف دیگر به تحقیق های اساسی و مهم می پردازد و به همین خاطر آکادمی طب فرانسه جایزه خون خود را بنام جایزه جرج حبیب به او اهداء می کند. پس ازدوازه سال تحصیل و در عین حال تدریس به ایران باز می گردد تا دین خود را به وطنش ادا کند. سه سال در بیمارستان پهلوی به کار مشغول می شود، در طول این مدت روزهای جمعه یعنی تنها روز تعطیل خود را نیز داوطلبانه و بعنوان کارخبر در کانون خیرخواه به طبابت می پردازد. در سال ۱۹۶۷ با بورس تجسسی که «چیلدرنز هاسپیتال فیلا دلفیا» در اختیارش قرار می دهد به آمریکا می رود و به مدت دو سال در مورد نحوه نگهداری گلبولهای سفید در بیماریهای سرطانی به تحقیق می پردازد.

«استر آقائی» در معالجه و تشخیص بیماری هوجکین که نوعی سرطان غدد لنفاوی است، دارای درجه مافوق تخصص است.

سالها بود که از شهرت دکتر آقائی و اهمیت تحقیقاتش در جامعه پزشکی مطلع بودم، اما موقعیتی دست نداده بود که از نزدیک با وی آشنا شوم. من بعنوان یک زن خبرنگار ایرانی تشنه مصاحبه با خانم های ایرانی هستم که سدها را از پیش پای خود برداشته و در زمینه های علمی، هنری، ورزشی... به مقامی رسیده اند. بالاخره پس از مدتها پیگیری موقعیتی پیش آمد تا در یکی از سفرهای این پزشک عالیقدر به لوس آنجلس گفتگویی با او داشته باشم. در برخورد اولیه با این خانم آنچه که مصاحبت را بیش از حد تحت تأثیر قرار می دهد سادگی، آرامش و مهربانی خاصی است که از چهره اش

تراوش دارد و وقتی که پای سخنش می نشینی پی می بری که مظهر تواضع و افتادگی است. تواضع استثنائیش مرا بیاد این ضرب المثل می اندازد که درخت هر چه پر بار تراست سر بزرگتر است. با آشنائی مختصری با بیوگرافی این خانم دانشمند اولین سؤال را مطرح می کنم: «چه عاملی شمارا بر آن داشت که در معالجه و تشخیص بیماری هوجکین (نوعی سرطان غدد لنفاوی) فوق تخصص بگیری؟» نگاهش را بگوشه ای می دوزد و انگار گذشته های دور را از نظر می گذراند. می گوید:

«سالها پیش، زمانی که در فرانسه به تحصیل اشتغال داشتم روی تخت بیمارستان زن زیبا، بظاهر سرحال و سالم ۲۹ ساله ای را دیدم، بمن گفتند که او مبتلی به بیماری هوجکین است و بزودی جان خود را بر سر این بیماری از دست خواهد داد. چهره این زن برای همیشه در نظر من نقش بست و باعث شد بعدها به تحقیق و تحصیل در این رشته که در آن زمان غیر قابل علاج بود و خوشبختانه امروز بیماری قابل علاجی است، پردازم. ۳۴ بیمار من که مبتلی به همین بیماری بوده اند معالجه شده اند.»

دکتر آقائی پس از گذراندن بورس تجسسی دوساله خود در سال ۱۹۶۹ به اسرائیل می رود و بعنوان «سینیر فیزیشن» در بیمارستان تل هشومر مشغول بکار می شود. علت مهاجرت دکتر آقائی به اسرائیل امکانات بیشماری است که در زمینه تجسبات طبی در اختیارش قرار می گیرد. از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۷ قسمت های بیماریهای خون اطفال، قسمت درمان بیماریهای غدد لنفاوی و بخصوص بیماری هوجکین در بیمارستان تل هشومر بطور کامل تحت نظارت و سرپرستی دکتر آقائی اداره می شود.

مهمترین و شناخته شده ترین تحقیق دکتر آقائی که در زمان خود انعکاس شدید و بسیار مثبتی در عالم پزشکی پیدا کرد تحقیقی بود که تحت عنوان «مغز استخوان سالم منبعی برای گلبولهای سفید بالغ خون» می باشد شهرت یافت. از دکتر آقائی خواهش کردم باز بانی ساده توضیحات مختصری در مورد این تحقیق خود در اختیار ما قرار دهد. باز بالحن متواضع خود می گوید: فکری که به مغز من

رسیده بود خیلی ساده بود و تعجب می کنم چگونه کسی قبل او من به این فکر نیفتاده بود. مغز استخوان شخص مرکز خونسازی است، گلبولهای سفید ۶۰ تا ۹۰ مرتبه بیشتر در مغز استخوان وجود دارند تا در تمام خون. با پیشرفته ترین دستگاهها امکان دارد ۲ گرم از ۱۰ گرم گلبول سفید خون را گرفت در حالیکه در مغز استخوان حدود ۹۰۰ گرم گلبول سفید وجود دارد. پس فکر کردم اگر بتوانیم فقط ۱۰۰ سانتیمتر مکعب از مغز استخوان شخص را بگیریم مطابق با چهار تا پنج لیتر خون او خواهد بود که وارد دستگاه می شود تا گلبول سفیدش را بگیرند. بعلاوه برای این کار دستگاهی هم لازم نیست. قبلاً ساعتها شخص سالم زیر دستگاه می ماند و مقداری دارو هم که گاه عواقب ناخوش آیند داشت به او خورانده می شد تازه همه گلبولها سالم بیرون نمی آمدند. برای گرفتن مغز استخوان نیم ساعت بیشتر وقت لازم نیست و از هر شخص سالمی می توان مغز استخوان گرفت.

این روش بخصوص برای اطفال روشی است عالی. نیاز شدید به گلبول سفید زمانی احساس می شود که بیمار مبتلی به سرطان کیمیوتراپی یا رادیوتراپی می شود و گلبولهای خونش کاهش می یابد، زیرا مغز استخوان صدمه می بیند. اینجا است که می توان گلبولهای سفید طبیعی را از شخص سالم گرفت و به شخص بیمار منتقل ساخت بدون اینکه ضرری متوجه شخص اهداء کننده این گلبولها باشد. البته این تحقیق من برای زمان خود عالی بود اما در حال حاضر آنتی بیوتیک های بسیار قوی هستند که به جز مواقع نادر احتیاج مازایه این کار هم از بین برده اند.»

چندی پیش در اخبار پزشکی رادیوتلو یزیون های آمریکا شنیدیم که پزشکان اسرائیلی قدم کوچکی در راه درمان بیماری «ایدز» برداشته اند. از دکتر آقائی خواهش کردم در مورد این بیماری و این روش پزشکان اسرائیلی توضیح مختصری برای خوانندگان مجله ما بدهد. او با اظهار تأسف زیاد می گوید: «متأسفانه راه دقیقی برای درمان بیماری «ایدز» وجود ندارد. بطوریکه اطلاع دارید این بیماری باعث می شود سیستم دفاعی بدن قدرت دفاع خود را از دست بدهد. پزشکان وایزمن انستیتوی اسرائیل معتقدند که هورمون غده تیموس اثری دارد



باید تا چهار ماهگی صبر کند تا این آزمایش امکان پذیر شود. دیگر این که این آزمایش احتمال داشت موجب سقط جنین شود. خوشبختانه در زمینه تشخیص بیماری های ژنتیک جنین پیشرفت های فراوانی ایجاد شده که مهمترین آن بیو پسی کوچکی از نسج جنین است. این آزمایش را می توان در ده هفتگی زندگی جنین انجام داد. البته قسمت هایی از این کار هنوز در مرحله آزمایش است اما بسیاری از مسائل مانند بیماری هموفیلی یا تشخیص بچه هائی که دارای هموگلوبین های غیر طبیعی هستند از طریق همین امتحان نسج جنین کاملاً امکان پذیر است. آزمایش های آینده علم طب در تشخیص بیماری های جنینی، یکی امتحان خون مادر و دیگری علم تازه ای است بنام مولکولار بایولوژی. این علم پایه اولیه مهندسی ژنتیک است و تشخیص بیماریها در مرحله جنینی نیز از طریق همین علم امکان پذیر است.»

دکتر استر آقائی از سال ۱۹۷۷ تاکنون بابیمارستان «کارمل» همکاری دارد. این بیمارستان در سال ۱۹۴۶ تأسیس شده، اما ساختمان نو بنیاد و مدرن آن از سال ۱۹۷۷

«زمانی که در کانون خیرخواه مشغول بکار بودم سازمان بهداشت جهانی سعی بر آن داشت که وضع بیماریهای ناشی از ازدواج های دوهم خون را مورد بررسی قرار دهد. اداره این فعالیت گروهی به من محول شد. حدود چهارده هزار نفر را بخاطر این مسأله بخصوص تحت بررسی قرار دادیم. متوجه شدیم شدت بیماریهای ازدواج های هم خون بین یهودیان ایران حدود ده برابر بیش از نقاط دیگر جهان است. از آنجا که در ازدواج های بسین دوهم خون خصوصیات ژنتیکی در فرزندانشان چند برابر می شود، نقص های ژنتیک و بیماری های بظاهر جزئی هم ممکن است بطور شدید در فرزندانشان ظاهر شود. در نتیجه ریسک ازدواج فامیلی بسیار زیاد است. اگر چنین ازدواج هائی بکلی صورت نگیرد که چه بهتر در غیر این صورت زن و شوهر حتماً باید برای مشاوره ژنتیک به طبیب متخصص در این رشته رجوع کنند. تا چند سال پیش برای تشخیص بیماریهای ژنتیک در مرحله جنینی، مایع آب رحم زن باردار را مورد آزمایش قرار می دادند. این کار دواشکال داشت یکی این که زن حامله

برای تشکیل دوباره سلولهای مصنوعی که توسط ویروس «ایدز» از بین می روند. این هورمون را از حیوانات می گیرند و به بیماران مبتلی می زنند. برای رهائی از شر این ویروس موذی دوامید وجود دارد. یکی کشف واکسن که اهمیت بسزا دارد و دیگر یافتن روشهای درمانی. در حال حاضر بهترین راه برای مصون ماندن از شر این ویروس همان روش پیشگیری است. این ویروس ازدو طریق می تواند بدن را مورد حمله قرار دهد. یکی از راه اسپرم و دیگر از طریق ورود گلبولهای سفید خونی که دارای این ویروس می باشد، به بدن شخص سالم. ترشحات دیگر مثل شیر مادر و آب دهان در بوسه های بسیار عمیق هم ممکن است باعث ابتلای شخص به بیماری «ایدز» شود.»

شنیده ام که «دکتر استر آقائی» تحقیقات بسیاری در زمینه مسائل مربوط به ازدواج های میان دوهم خون دارد. نظر ایشان را در مورد ازدواج فامیلی بطور کلی و تشخیص بیماریهای ژنتیکی مرحله جنینی و پیشرفت هائی که در این زمینه حاصل شده جو یا می شوم. می گوید:

آماده بهره برداری گشته است. این بیمارستان چهارصد تختخوابی با آرشیو کتور بسیار جالب خود روی کوه کارمل بنا شده و بقدری معظم و زیبا است که اهالی حیفا آنرا هتل شش ستاره می نامند. بیمارستان مزبور یکی از مجهزترین و بهترین بیمارستان های خاورمیانه برای عمل قلب باز محسوب می شود و از لحاظ علمی پیشرفت های شایان توجهی کرده است. نحوه همکاری دکتر آقائی را با بیمارستان کارمل جو یا می شوم، بخاطر عشق فراوانی که به پیشرفت و گسترش هر چه بیشتر این بیمارستان دارد با هیجان چنین پاسخ می دهد:

«من از ابتدای بنیاد بیمارستان جدید کارمل همکاری خود را با این بیمارستان آغاز کردم. چند اطاق خالی در اختیار من گذاشتند و از من خواستند که بخش خون بیمارستان را شامل آزمایشگاه های خون، بانک خون، قسمت بالینی خون و قسمت بیماران سر پائی که دچار بیماریهای خونی هستند را تشکیل بدهم. می خواستم این بخش را طوری تنظیم کنم که در آینده از امکانات لازم برای تحقیقات و تجسسات علمی نیز برخوردار باشد و خوشبختانه با این پیشنهاد من موافقت کامل شد. در حال حاضر در سمت رئیس بخش خون این بیمارستان مشغول بکارم و پیشرفت این بیمارستان در زمینه های مختلف، هدف اصلی ام را تشکیل می دهد.»

گرفتن اطلاعات در مورد معلومات و تحقیقات وسیع دکتر آقائی از خودش کار دشواری است. تواضع بیش از حد او این کار را دچار اشکال می کند. او زنی است عالم که به گفته خودش بیش از هر چیز از خودنمایی بیزار است، اما وقتی در مورد بیمارستانی که پیشگام تأسیس بخش خون آن

بوده سؤال شود شدیداً به هیجان می آید و حاضر است اطلاعات هر چه بیشتر در اختیارتان قرار دهد. علت را جو یا می شوم، چنین پاسخ می دهد:

«این مرکز پزشکی بدنال تحقیقات خود موفق به هر اکتشافی بشود برای همه مردم عالم مفید خواهد بود و مابه کمک همه بشردوستان عالم اعم از یهودی و غیر یهودی نیازمندیم. ما مغز جوانهای با استعداد را در اختیار داریم، امابه کمک اقتصادی بشردوستان نیازمندیم تا دستگاهها و امکانات لازم را در اختیار این دانشمندان و اطباء جوان قرار دهیم. اگر کمک مالی در اختیار بیمارستان قرار نگیرد، بیمارستان قادر نخواهد بود امکانات مذکور را در اختیار آنها قرار دهد و در نتیجه برای برخورداری از وسائل مجهزتر و امکانات بیشتر به امریکا یا اروپا خواهند رفت. کمک اقتصادی مردم مانع فرار مغزها خواهد شد. سالیان قبل بودجه تحقیقاتی این بیمارستان توسط ایرانیان خیر پی ریزی شد، متأسفانه ایرانی ها بعد از انقلاب بقدری دچار گرفتاری های متعدد شدند که مرکز ما را بدست فراموشی سپردند. در حالیکه در گذشته قرار بر این بود که هر سال مقدار قابل توجهی به این «ریسرچ فاند» کمک بشود. یکبار دیگر تأکید می کنم که بیمارستان مابه کمک اقتصادی افراد خیر نیازمند است و بدنال تحقیقات خود قادر به هر اکتشافی بشود برای همه مردم عالم مفید خواهد بود.»

سؤال آخرم این است که آیا تحقیقات علمی مانعی بر سر راه زندگی زناشویی یک زن محسوب نمی شود؟ و توصیه دکتر آقائی به دخترهای ایرانی که علاقه مند به تحقیق و تجسس و داشتن تحصیلات عالی و مشاغل علمی هستند و در عین حال تشکیل خانواده

را هم ضروری می دانند چیست؟ دکتر آقائی در این مورد چنین اظهار نظر می کند:

«این روزها با فراهم بودن وسائل ماشینی مختلف در محیط خانه، مانند ماشین ظرفشویی، رختشویی، جاروی برقی و غیره... خانه داری یک کار ثانوی محسوب می شود. از طرفی زنی که شعور کافی برای اداره کار خارج از منزل خود دارد، قطعاً می تواند محیط خانه و زندگی همسر و بچه های خود را نیز به نحو احسن اداره کند. فعالیت علمی، شغلی، هنری و غیره هیچ منافاتی با ازدواج و تشکیل خانواده ندارد، به شرطی که مردها از زن باسواد وحشت نداشته باشند و از اعتماد بنفس کافی برخوردار باشند که به وجود همسر فهم خود افتخار کنند. نکته ای که مردهای ایرانی غالباً از یاد می برند این است که برخلاف تصور آنها زن هر چه باسواد تر باشد متواضع تر است. الزامی در کار نیست که یک زن طیب حتماً با یک مرد طیب ازدواج کند. زن می تواند عالم باشد و مرد هنرمندی با استعداد، یا زن طبیعی ماهر و مرد مهندسی با ذوق. کافی است که مرد زندگی چنین زنی هم باهوش و با استعداد باشد. البته من خودم را وقف علم کردم زیرا در آن دوران مردها کمتر امکان داشت فعالیت های شغلی و علمی همسر خود را روی باز استقبال کنند و نگران بودم که مبادا همسر آینده ام نتواند موقعیت شغلی مرا بپذیرد و بعدها دچار دردسر شوم. اما این روزها برای دخترهای جوان ایرانی، تشکیل زندگی خانوادگی در کنار فعالیت های علمی و شغلی کاملاً امکان پذیر است و هیچکدام مانع دیگری نخواهد بود.»

بطور قطع خانم دکتر آقائی زنی است که نه فقط جامعه زنان ایرانی بلکه کلیه زنان عالم به وجود پرثمرش افتخار می کنند.

اطلاعیه

نام و نشانی:

کار تقاضا می شود پرسش نامه زیرین را پرنموده و به دفتر فدراسیون ارسال دارند.

شماره تلفن:

بدیهی است توجه خواهند فرمود که اطلاعات واصله محرمانه تلقی شده و سازمان بررسی کننده و فدراسیون هیچ گونه تعهدی را برعهده نخواهند داشت.

آشنائی به زبان انگلیسی
تحصیلات

عهده انجام چه کاری را دارند؟

نبض وام در دست ماست

- وام مسکن
- وام آپارتمان بیلدینگ
- وام شاپینگ سنتر
- وام آفیس بیلدینگ
- وام پروژه های ساختمانی

سیاوش میرسپاسی
شهیار ربان
(۸۱۸) ۹۰۵-۸۳۹۳

PAVILION
MORTGAGE INC.

16661 Ventura Blvd. Suite 201. Encino, Ca. 91436.

(818) 905-8393

شرکت سوفر

بزرگترین مرکز پخش

مایحتاج جامعه ایرانی در خارج از امریکا
و نماینده انحصاری محصولات غذائی

صدف

بایش از یکصد فرآورده

فرارسیدن سال نورا به کلیه هموطنان عزیز
صمیمانه تبریک و تهنیت می گوید.

Soofer Co., Inc.

5719 W. Adams Blvd.
Los Angeles, CA 90016

(213) 931-1090



گوشه ای از کلاس رقص بزرگسالان



یکی از دواستخر سر پوشیده مجموعه

آغاز دومین سال فعالیت باشگاه بزرگسالان وجوانان وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی

عکس ها از سایه فیلم

فدراسیون یهودیان ایرانی که از تنهایی و دلزدگی هم کیشان میان سال و بزرگسال ما - بویژه پدران و مادرائی که فرزندانشان درطول مدت روز به کار مشغولند آگاهی داشت بخشی از این مرکز را مخصوص ایرانیان در اختیار گرفت و درطول سال گذشته اقدام به ایجاد کلاسهای درس و برنامه های گوناگون جهت بزرگسالان نمود.

فعالان فدراسیون که این مهم را بعهده گرفتند و کوششهای شبانه روزی آنان درخور ستایش است، علاوه بر برنامه هائی که برای بزرگسالان ترتیب دادند، نسبت به ایجاد برنامه هائی برای جوانان نیز اقدام نمودند. در حال حاضر مجموعه فعالیتهای باشگاه ایرانیان مجموعه وست سایه جوئیش سنتر بقرار زیر است:

۱- کلاسهای انگلیسی زیر نظر آقای ایوب گیدانیان. در این کلاسها هر هفته که هفته ای چهار روز تشکیل می شود انگلیسی ابتدائی به بزرگسالان تدریس میشود. این کلاس مورد استقبال بسی نظیر هم کیشان بزرگسالا قرار گرفته و تعداد شرکت کنندگان آن از شصت نفر تجاوز می نماید.



آقای ایوب گیدانیان
آموزگار کلاس انگلیسی باشگاه

باشگاه بزرگسالان به همت گروهی از فعالان و همکاری کمیته امور اجتماعی فدراسیون یهودیان ایرانی بیش از یکسال قبل در محل وست سایه جوئیش کامیونیتی سنتر به نشانی شماره ۵۸۷۰ خیابان المپیک تشکیل گردید.

وست سایه جوئیش کامیونیتی سنتر، مجموعه ای است که توسط سازمان های یهودی مقیم این دیار جهت استفاده هم کیشان یهودی تأسیس گردیده و مشتمل است بر سالن های متعدد جهت ورزش، گردهمایی های مذهبی و اجتماعی، دواستخر سر پوشیده شنا و انواع و اقسام تسهیلات جالب توجه دیگر. مدیریت این مجموعه که از متخصصان کارآزموده تشکیل یافته برنامه های مرتب و گوناگونی جهت بزرگسالان و جوانان دارند که مورد استقبال گروه های کثیری از هم کیشان مآقرار گرفته و می گیرد.

هر بامداد گروه گروه خانم ها و آقایان به این مجموعه آمده و به ورزش و تفریح و آموزش پرداخته و از معاشرت یکدیگر لذت می برند. هنگام ظهر نهار گرم به قیمت فقط یک دلار برای هر نفر داده می شود.



گوشه ای از کلاس زبان انگلیسی باشگاه

نفر از هم کیشان ما در این مجموعه تشکیل شد. در این کارناوال بیش از صد نفر از هم کیشان ایرانی نیز شرکت نمودند و خانم فولادی با نواختن پیانو اقدام به معرفی موسیقی ایرانی به هم کیشان امریکائی نمودند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

که در این خصوص فعالیت های زیادی نموده اند سپاسگزاری نماید. یکی از فعالیتهای اخیر این مجموعه عبارت از کارناوال بسیار جالبی بود که از ساعت ۱۱ صبح تا ۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۸ مارچ ۱۹۸۷ با شرکت صدها

۲- جشن های ماهانه برای جوانان. در این جشن ها که شنبه شب آخر هر ماه برگزار می شود به آشنائی بین جوانان هم کیش اختصاص داده شده و شامل رقص و برنامه های موسیقی می باشد. در این جشن ها هر ماهه صدها نفر از جوانان شرکت می جویند.

۳- برنامه کلاس شیرینی پزی. در این کلاس که در شرف تأسیس است به افراد علاقه مند شیرینی پزی آموخته می شود.

۴- سخنرانی های دینی و اجتماعی. این برنامه ها هر چند وقت یکبار از سوی صاحب نظران امور دینی و اجتماعی برگزار می شود که بسیار مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفته است.

در اینجا لازم است از سوی فدراسیون بهبودیان ایرانی از همکاریهای بدون چشم داشت کلیه فعالان این باشگاه به ویژه آقایان دکتر باروخ بروخیم، نجات اله دردشتی، الیاس اسحقیان و مهندس آریانا

پوست - مو - ناخن جراحی زیبایی

درمان

- جوش صورت
- چین و چورک صورت
- ریزش مو
- درمان موهای زائد
- برطرف کردن غبغب
- تناسب اندام
- مویرگهای واریسی پا
- جراحی لیزر
- کولازن

دکتر آرمان نیومن

دارای برد تخصصی پوست و مو از امریکا
فارغ التحصیل از کالج سلطنتی انگلستان
بورلی هیلز

435 N. Bedford Dr., # 312

(213) 273-4454

۲ ساعت پارکینگ آزاد

قبول اکثر بیمه ها

دکتر ساموئل نیومن

پزشکی داخلی

دارای برد تخصصی

از امریکا

باسابقه ۲۵ سال طبابت در ایران

وامریکا

عضو گروه پزشکی سیدر ساینای

بورلی هیلز

- چک آپ کامل
- بیماریهای مقاربتی
- دستگاه تنفس
- کم کردن وزن

435 N. Bedford Dr., # 312

(213) 273-4454

دوساعت پارکینگ آزاد

قبول اکثر بیمه ها

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و با تجربه بسیارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و آمریکا

عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان **FCA**

دارای ۱۸ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return) و مالیات برارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی و ارزبایی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی، صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت از شرکت های بیمه

ELIAS AZIZ-LAVI

CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301
BEVERLY HILLS, CA 90211

(213) 657-8378

(213) 657-8921

درانتخاب مبلمان سموئلز

آخرین میعاد گاه شماست



Samuels

Italian Furniture

نمایشگاه مبل سموئلز

فرارسیدن سال نو و موعد پسخ را
صمیمانه تبریک می گوید



مزایای خرید از نمایشگاه سموئلز:

• سموئلز تازه ترین و جدیدترین مدل های مبل استیل و مدرن را برای شما گرد آورده است.

• سموئلز مبلمان صد درصد تکمیل شده در ایتالیا را عرضه می کند و هیچگونه کار مونتاژ یا تکمیلی روی مبلمان وارداتی انجام نمی دهد.

• سموئلز از کارخانه های سازنده تضمین معتبر دارد و این تضمین را عیناً به مشتریان خود می دهد.

• سموئلز در مورد سفارشات از نظر مدل، رنگ و طرح، این امکان را دارد که به هر خانواده مبلمانی متفاوت از دیگران عرضه کند.

• سموئلز متناسب با دکوراسیون خانه شما، طرحها و مدل های مختلف مبلمان را در اندازه و قطعات مختلف با رنگهای متنوع تقدیم می کند.

• برای آنکه مبلمان و دکوراسیون خانه شما هماهنگ و متناسب باشد، سموئلز تحت شرایطی با دعوت از طراحان ایتالیایی طرح کاملی برای دکوراسیون خانه شما تهیه می کند.

• در سموئلز علاوه بر مبلمان، انواع لوازم تزئینی منزل و لوازم کادوئی را نیز می توانید تهیه فرمائید.

• و بالاخره سموئلز بمنتاسبت افتتاح، برای مدتی بهترین ها را با قیمت عمده فروشی بشما تقدیم می کند.

تلفن ۷۷۲۶-۷۴۷ (۲۱۳)

۸۳۸ المپیک غربی

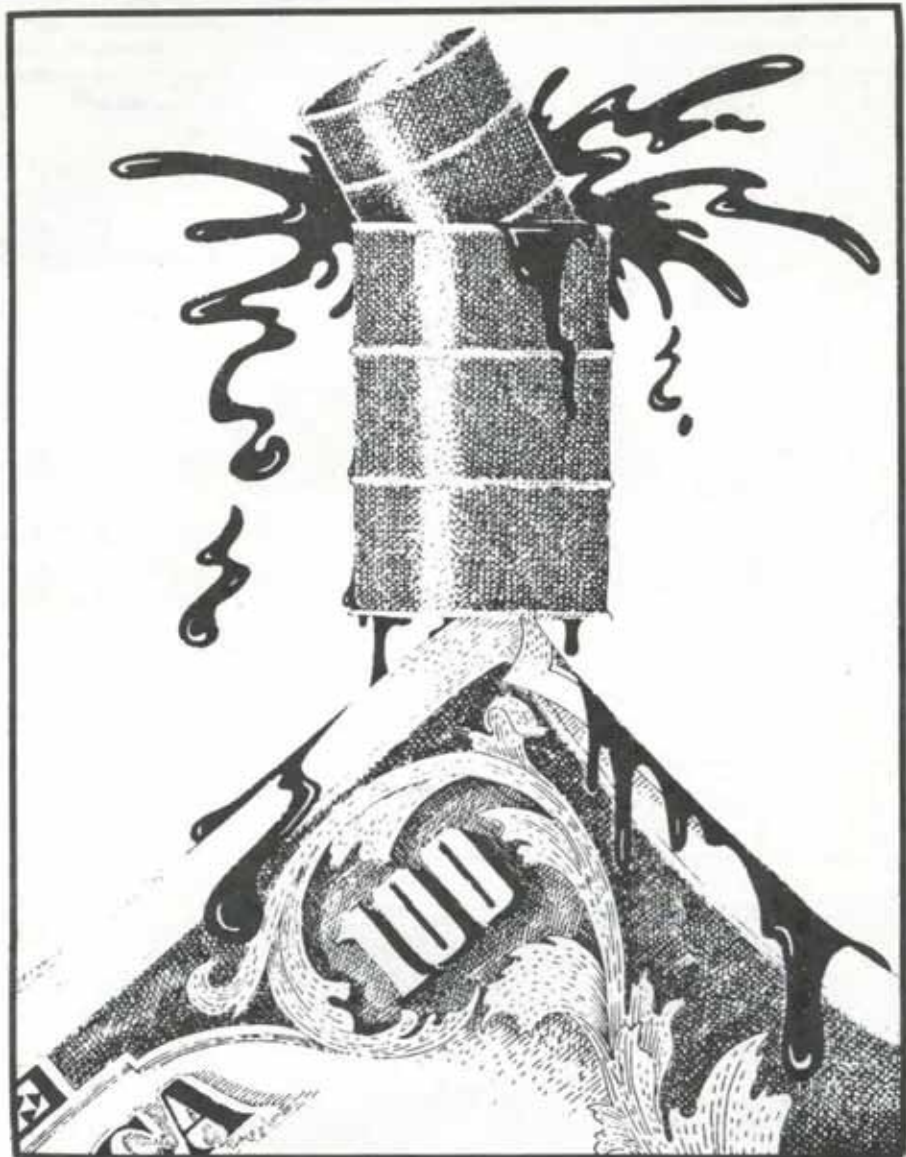
838 W. Olympic
Los Angeles, CA
(213) 747-7726

درواقع بطوریکه آژانس مطبوعاتی عرب اعلام کرده بود هدف اصلی آقای «اخضر» و همکارانش بیشتر جنبه سیاسی داشت. در اطلاعیه آژانس مطبوعاتی عرب چنین آمده بود: «شش تن از مقامات عالیرتبه دولت سعودی که در حال حاضر مشغول بازدید از امریکا هستند ضمن یادداشتی که کلمات آن بادقت انتخاب شده ولی درعین حال لحن آن برای مقامات و افکار عمومی امریکائیان بقدر کافی هشداردهنده بود اعلام نمودند که وضع فعلی نه جنگ نه صلح غیرقابل قبول بوده و بیش ازاین تحمل نخواهد شد.»

پیام این هیئت در واقع به همه چیز شباهت داشت جز آنکه کلمات آن بادقت انتخاب شده باشد. در سانفرانسیسکو که آقای «اخضر» مهمان شورای جهانی امور امریکا بود ونیز در سن خوزه که نطقی برای کلوب بازرگانی بین المللی ایراد می کرد، اعلام نمود که نهضت صیونیست ها مسئول آسیب پذیری چهره امریکا در نظر اعراب است که البته مراد ایشان از نهضت صیونیست ها همان طرفداران امریکائی اسرائیل بود.

چند روز بعد در نیواورلئان در ملاقات با اعضای اطاق بازرگانی این شهر آقای اخضر اعلام داشت که عربستان سعودی سرمایه گذاری خود را در امریکا کاهش خواهد داد زیرا صیونیست ها به کنگره امریکا فشار آورده اند که سرمایه گذاری بیشتر سعودی در امریکا متوقف شود. کنگره امریکا در همان ایام طرح لایحه ای را مورد توجه قرار داده بود که به موجب آن در صورتی که سرمایه گذاری اعراب به منظور برانگیختن شرکت های امریکائی به اعمال تحریم علیه یهودیان امریکا و یاد دیگر شرکت های امریکائی باشد از آن جلوگیری شود. معذک هیچ طرح قانونی که مانع سرمایه گذاری اعراب شود هرگز به تصویب نرسید.

آقای اخضر در دوم ماه می سفر خود را در مراسمی که در هتل بلازای شهر نیویورک بر پا شده بود بی پایان رسانید. در این مراسم ایشان مجدداً اعلام خطر هائی را که معتقد بود نظر شخصی او است به حاضران تحویل داد و اضافه کرد که برای سعودی بسیار مشکل است که پول خود را در کشوری سرمایه گذاری کند که این همه احساسات خصمانه علیه اعراب و علیه سعودی وجود داشته باشد. مانند آقای «الزامل»، اخضر وعده داد که تحریم



بقلم: استیون امرسون

ترجمه: پیروز

قسمت هشتم

خانواده امریکائی سعود

داستانی از قدرت مالی اعراب
در امریکا

اسرائیل کماکان ادامه خواهد یافت. اوتحریم اعراب علیه اسرائیل رایه تحریم کوبا توسط امریکا تشبیه نمود که بعدها دردیگر سخنرانی های اعراب در امریکا معمول شد. درحقیقت، جامعه بازرگانی امریکا به تدریج بخوبی دریافت که تاچه حد بین تحریم اسرائیل توسط اعراب با تحریم کوبا بوسیله امریکا تفاوت وجود دارد. طبق شرایط تحریم همچنان که امریکا از میداده کالا به کوبا خودداری می کرد اعراب نیز از دادوستد کالا با اسرائیل جلوگیری می نمودند. برای اطمینان از آنکه کالاهای اسرائیلی از طریق بندر سومی وارد کشورهای عربی نشود، کلیه این کشورها از صادرکنندگان کالاها گواهی نامه ای مطالبه می کردند که به موجب آن تصدیق شود که در آن کالاها هیچ گونه اجزاء ساخته شده توسط اسرائیل بکار برده نشده. امریکا نیز از پهلو گرفتن کشتی هائی که به بنادر کوبا آمد و رفت می کردند در بنادر خود جلوگیری می نمود. ولی شباهت این تحریم های امریکا و اعراب به همین جا خاتمه می یافت. اعراب معامله با شرکت هائی را که رابطه اقتصادی با اسرائیل داشتند منع نموده بودند. هم چنین معامله با شرکت هائی که کارمندان یهودی یا به اصطلاح آنها صیونیست در مقامات بالای شرکت داشتند ممنوع بود. ونیز نام شرکت هائی که به درخواست های اعراب در باره افشای روابط تجاری خود با اسرائیل پاسخ نمی دادند به لیست سیاه اضافه می شد. علاوه بر این تعدادی از شرکت های امریکائی در لیست سیاه قرار داشتند بخاطر آنکه با شرکت های امریکائی دیگر که روابط تجاری با اسرائیل داشتند معاملات انجام می دادند. در تاریخ جهان هیچ تحریمی به ابعاد تحریم اعراب علیه اسرائیل سابقه نداشته است. دفتر مرکزی تحریم اعراب در دمشق پایتخت سوریه، امور تحریم را از طریق جمع آوری اطلاعات ضمن پرسشنامه هائی که پاسخ بدان اجباری بود و برای همه شرکت های جهان فرستاده می شد، اداره می کرد. بر اساس همین اطلاعات لیست سیاه اصلی تهیه می شد و علاوه بر این هر کشور عرب دیگر لیست سیاه مخصوص خود را تهیه و اجرا می نمود. شرکت های «آر. سی. ای.»، «زینط، کوکاکولا، شرکت کتاب های بانتام، سیرز روبک و رولون از جمله صدها شرکتی بودند که نام آنها در لیست سیاه چاپ شده بود.

همچنین نام بسیاری از هنر پیشگان و خوانندگان امریکائی و فیلم هائی که این هنر پیشگان در آن بازی کرده بودند در لیست سیاه قرار داشت و از آن جمله بودند هری بلافونت، هلن هیس، کرک داگلاس، جری لوشیز، پال نیومن، سوفیالون، الیزابت تیلور، فرانک سیناترا و فیلیپ سیلور. ونیز فیلم والت دیسنی بنام سفیدی برف و هفت کوتوله در لیست سیاه قرار گرفت چرا که اسب شاهزاده در این فیلم سامون نامیده شده بود.

اگر چه سفر این دو هیئت عربی محور بسیاری از اقدامات سیاسی در محافل بازرگانی امریکا قرار گرفت، معذک این سفرها همچنان ادامه یافت. در واقع کوشش برای آمیخته نمودن سیاست و تجارت از سال قبل شروع شده بود. یکی از اولین برنامه های جلب حمایت نسبت به اعراب تاحدی هم غیرعادی بنظر می رسید زیرا دولت امریکا نیز در آن شرکت نموده بود. در اواسط نوامبر سال ۱۹۷۴ درست یک سال پس از تحریم خرد کننده اعراب، وزارت بازرگانی امریکا دعوتنامه ای برای تعدادی از شرکت های امریکائی که مقیم ایالات شمال شرقی بودند فرستاده بود که از طریق شرکت در سمینار هائی که چگونگی تجارت با دنیای عرب را بررسی می نمود خود را برای معاملات بازرگانی بی سابقه ای آماده نمایند. از اینگونه سمینارها ۹ مورد در شش ماه آخر سال ۱۹۷۴ بوسیله وزارت بازرگانی تشکیل شده بود.

در دسامبر ۱۹۷۴ تعداد ۳۰۰ نفر از مدیران شرکت های امریکائی در هتل پلازای نیویورک جمع شده بودند که در سمینار «دورنمای تجارت» شرکت نمایند. در این سمینار پیش بینی های فروش کالا و طرحهای عمرانی در دنیای عرب مورد بررسی قرار می گرفت. لیکن هنگامی که لوسیوز باتل سفیر سابق امریکا در مصر در فاصله سالهای ۶۷-۱۹۶۴، که بعدها به سمت معاون وزارت خارجه در امور خاورمیانه برگزیده شده بود، نطق افتتاحیه سمینار را ایراد نمود، چند نکته سیاسی را در نطق خود گنجانده بود که همیشه مورد استفاده هیئت های عرب که به امریکا اعزام می شدند قرار می گرفت. او مطبوعات امریکا را که از تحریم نفتی اعراب علیه امریکا انتقاد می کردند فاسد شده خطاب کرد و اضافه نمود این

تحریم شبیه تحریم امریکا علیه کوبا است. آقای باتل که در آن ایام رئیس انستیتوی خاورمیانه بود و این مؤسسه ۴۰ درصد بودجه سالانه خود را از شرکتهای نفتی دریافت می نمود اضافه کرد که تأثیر افزایش قیمت نفت بر امریکا بیش از تأثیر افزایش قیمت مواد غذایی برای سایر کشورها که به دشواری کود شیمیائی مورد نیاز خود را بدست می آورند نخواهد بود.

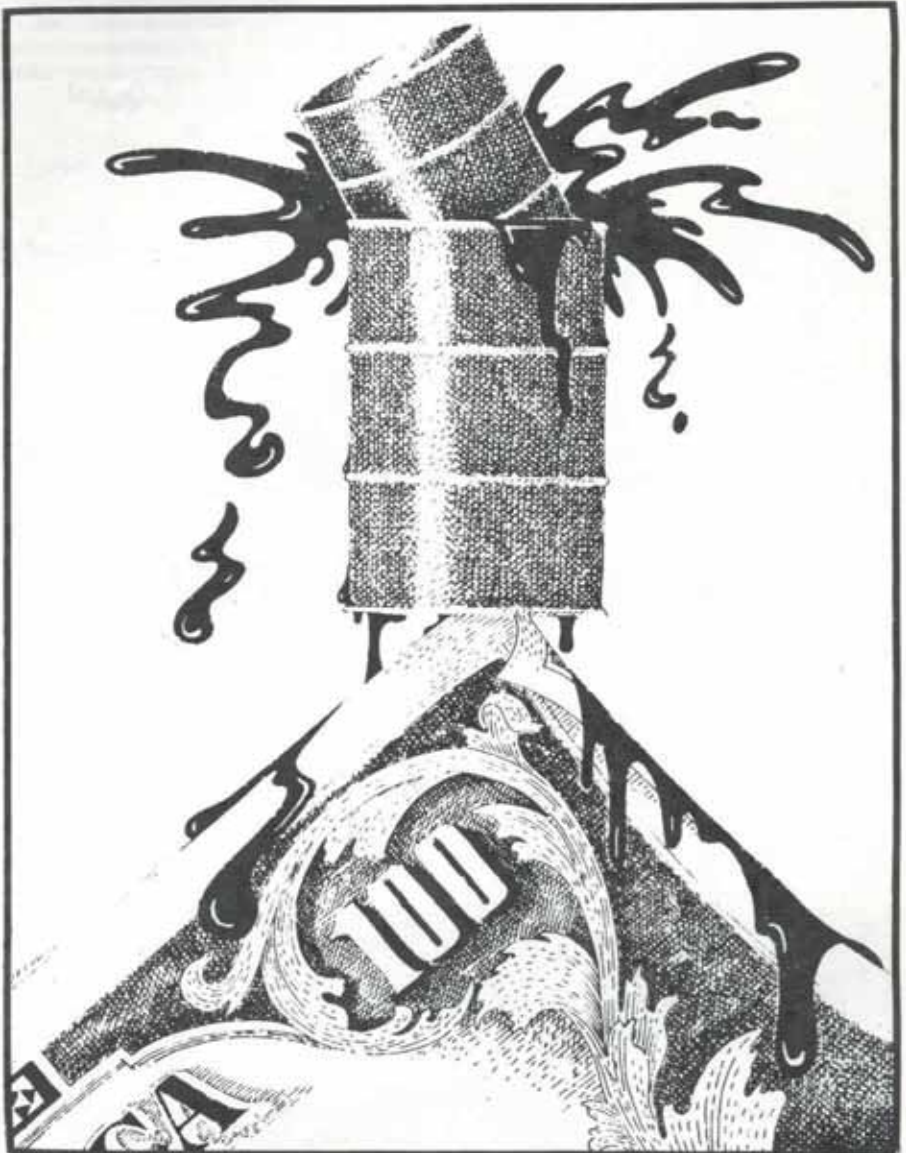
از چنین سمینار هائی که بنوبت در امریکا و عربستان تشکیل می شد ونیز از طریق مقامات عربی که در امریکا اقامت داشتند شرکت های امریکائی به تدریج رابطه بین سیاست و تجارت را شناختند. در اصل، مسأله مهمی که در مقابل شرکت های امریکائی قرار می گرفت همان تحریم اسرائیل بود. برای بسیاری از شرکت ها دو انتخاب بیشتر وجود نداشت. یا اصول رارعايت کنند و فرصت معاملات تجاری را از دست بدهند و یا تحریم را بپذیرند و به تجارت پردازند و روشن بود در حالی که میلیاردها دلار معاملات تجاری با اعراب مطرح بود آنها شق دوم را که شناسائی تحریم بود انتخاب کردند. طبق اطلاعاتی که در وزارت بازرگانی وجود دارد شرکت های مهمی که تحریم را پذیرفتند عبارت بودند از جنرال الکتریک، جان دیر (ماشین های کشاورزی) وایت وستینگ هاوس (لوازم خانه) جیم بیم، سازنده کارخانه های شیرین کردن آب دریا، شرکت معدنی و فنی مینه سوتا، راکول اینترنشنال سازنده هواپیماهای جنگی و سلاح های دیگر. طبق گفته مقامات وزارت بازرگانی تحریم اسرائیل چنان ترسی در میان شرکت های امریکائی بوجود آورده بود که در بعضی از موارد در حالیکه از آنها خواسته نمی شد که شرایط تحریم را رعایت نمایند آنها خود داوطلبانه چنین تمهدی را به گردن می گرفتند. نتیجه وحشتناک بود، معذک هیچ راه قانونی برای جلوگیری از ترس و وحشت شرکت های امریکائی وجود نداشت. بعضی از شرکت ها از دولت راهنمایی می خواستند ولی هیچ اقدام وجوابی از ناحیه دولت متصور نبود و اگر هم اقدامی از جانب دولت بعمل آمد در زمان ریاست جمهوری فورد بود که تلویحاً شرکتها را به قبول شرایط تحریم تشویق نمودند.

در واقع بطوریکه آژانس مطبوعاتی عرب اعلام کرده بود هدف اصلی آقای «اخضر» و همکارانش بیشتر جنبه سیاسی داشت. در اطلاعیه آژانس مطبوعاتی عرب چنین آمده بود: «شش تن از مقامات عالی‌رتبه دولت سعودی که در حال حاضر مشغول بازدید از امریکا هستند ضمن یادداشتی که کلمات آن بادقت انتخاب شده ولی درعین حال لحن آن برای مقامات و افکار عمومی امریکائیان بقدر کافی هشداردهنده بود اعلام نمودند که وضع فعلی نه جنگ نه صلح غیرقابل قبول بوده و بیش از این تحمل نخواهد شد.»

پیام این هیئت در واقع به همه چیز شباهت داشت جز آنکه کلمات آن بادقت انتخاب شده باشد. در سانفرانسیسکو که آقای «اخضر» مهمان شورای جهانی امور امریکا بود و نیز در سن خوزه که نطقی برای کلوب بازرگانی بین‌المللی ایراد می‌کرد، اعلام نمود که نهضت صیونیست‌ها مسئول آسیب‌پذیری چهره امریکا در نظر اعراب است که البته مراد ایشان از نهضت صیونیست‌ها همان طرفداران امریکائی اسرائیل بود.

چند روز بعد در نیواورلئان در ملاقات با اعضای اطاق بازرگانی این شهر آقای اخضر اعلام داشت که عربستان سعودی سرمایه‌گذاری خود را در امریکا کاهش خواهد داد زیرا صیونیست‌ها به کنگره امریکا فشار آورده‌اند که سرمایه‌گذاری بیشتر سعودی در امریکا متوقف شود. کنگره امریکا در همان ایام طرح لایحه‌ای را مورد توجه قرار داده بود که به موجب آن در صورتی که سرمایه‌گذاری اعراب به منظور برانگیختن شرکت‌های امریکائی به اعمال تحریم علیه یهودیان امریکا و پادیگر شرکت‌های امریکائی باشد از آن جلوگیری شود. معذک هیچ طرح قانونی که مانع سرمایه‌گذاری اعراب شود هرگز به تصویب نرسید.

آقای اخضر در دوم ماه می سفر خود را در مراسمی که در هتل پلازای شهر نیویورک برپا شده بود به پایان رسانید. در این مراسم ایشان مجدداً اعلام خطر هائی را که معتقد بود نظر شخصی او است به حاضران تحویل داد و اضافه کرد که برای سعودی بسیار مشکل است که پول خود را در کشوری سرمایه‌گذاری کند که این همه احساسات خصمانه علیه اعراب و علیه سعودی وجود داشته باشد. مانند آقای «الزامل»، اخضر وعده داد که تحریم



بقلم: استیون امرسون

ترجمه: پیروز

قسمت هشتم

خانواده امریکائی سعود

داستانی از قدرت مالی اعراب
در امریکا

اسرائیل کماکان ادامه خواهد یافت. اوتحریم اعراب علیه اسرائیل رابه تحریم کوبا توسط امریکا تشبیه نمود که بعدها دردیگر سخنرانی های اعراب در امریکا معمول شد. درحقیقت، جامعه بازرگانی امریکا به تدریج بخوبی دریافت که تاچه حد بین تحریم اسرائیل توسط اعراب با تحریم کوبا بوسیله امریکا تفاوت وجود دارد. طبق شرایط تحریم همچنان که امریکا از مبادله کالا به کوبا خودداری می کرد اعراب نیز از دادوستد کالا با اسرائیل جلوگیری می نمودند. برای اطمینان از آنکه کالاهای اسرائیلی از طریق بندر سومی وارد کشورهای عربی نشود، کلیه این کشورها از صادرکنندگان کالاها گواهی نامه ای مطالبه می کردند که به موجب آن تصدیق شود که در آن کالاها هیچ گونه اجزاء ساخته شده توسط اسرائیل بکار برده نشده. امریکا نیز از پهلو گرفتن کشتی هائی که به بنادر کوبا آمد و رفت می کردند در بنادر خود جلوگیری می نمود. ولی شایهت این تحریم های امریکا و اعراب به همین جا خاتمه می یافت. اعراب معامله با شرکت هائی را که رابطه اقتصادی با اسرائیل داشتند منع نموده بودند. هم چنین معامله با شرکت هائی که کارمندان یهودی یا به اصطلاح آنها صیونیست در مقامات بالای شرکت داشتند ممنوع بود. ونیز نام شرکت هائی که به درخواست های اعراب در باره افشای روابط تجاری خود با اسرائیل پاسخ نمی دادند به لیست سیاه اضافه می شد. علاوه بر این تعدادی از شرکت های امریکائی در لیست سیاه قرار داشتند بخاطر آنکه با شرکت های امریکائی دیگر که روابط تجاری با اسرائیل داشتند معاملات انجام می دادند. در تاریخ جهان هیچ تحریمی به ابعاد تحریم اعراب علیه اسرائیل سابقه نداشته است. دفتر مرکزی تحریم اعراب در دمشق پایتخت سوریه، امور تحریم را از طریق جمع آوری اطلاعات ضمن پرسشنامه هائی که پاسخ بدان اجباری بود و برای همه شرکت های جهان فرستاده می شد، اداره می کرد. براساس همین اطلاعات لیست سیاه اصلی تهیه می شد و علاوه بر این هر کشور عرب دیگر لیست سیاه مخصوص خود را تهیه و اجرا می نمود. شرکت های «آر. سی. ای.»، «زنیط، کوکاکولا، شرکت کتاب های بانام، سیرز رویک و رولون از جمله صدها شرکتی بودند که نام آنها در لیست سیاه چاپ شده بود.

همچنین نام بسیاری از هنر پیشگان و خوانندگان امریکائی و فیلم هائی که این هنر پیشگان در آن بازی کرده بودند در لیست سیاه قرار داشت و از آن جمله بودند هری بلافونت، هلن هیس، کرک داگلاس، جری لوئیز، پال نیومن، سوفالورن، الیزابت تیلور، فرانک سیناترا و فیلیپ سیلور. ونیز فیلم والت دیسنی بنام سفیدی برف و هفت کوتوله در لیست سیاه قرار گرفت چرا که اسب شاهزاده در این فیلم سامسون نامیده شده بود.

اگرچه سفر این دو هیئت عربی محور بسیاری از اقدامات سیاسی در محافل بازرگانی امریکا قرار گرفت، معذک این سفرها همچنان ادامه یافت. در واقع کوشش برای آمیخته نمودن سیاست و تجارت از سال قبل شروع شده بود. یکی از اولین برنامه های جلب حمایت نسبت به اعراب تاحدی هم غیرعادی بنظر می رسید زیرا دولت امریکا نیز در آن شرکت نموده بود. در اواسط نوامبر سال ۱۹۷۴ درست یک سال پس از تحریم خردکننده اعراب، وزارت بازرگانی امریکا دعوتنامه ای برای تعدادی از شرکت های امریکائی که مقیم ایالات شمال شرقی بودند فرستاده بود که از طریق شرکت در سمینار هائی که چگونگی تجارت با دنیای عرب را بررسی می نمود خود را برای معاملات بازرگانی بی سابقه ای آماده نمایند. از اینگونه سمینارها ۹ مورد در شش ماه آخر سال ۱۹۷۴ بوسیله وزارت بازرگانی تشکیل شده بود.

در دسامبر ۱۹۷۴ تعداد ۳۰۰ نفر از مدیران شرکت های امریکائی در هتل پلازای نیویورک جمع شده بودند که در سمینار «دورنمای تجارت» شرکت نمایند. در این سمینار پیش بینی های فروش کالا و طرحهای عمرانی در دنیای عرب مورد بررسی قرار می گرفت. لیکن هنگامی که لوسیسوز باتل سفیر سابق امریکا در مصر در فاصله سالهای ۶۷-۱۹۶۴، که بعدها به سمت معاون وزارت خارجه در امور خاورمیانه برگزیده شده بود، نطق افتتاحیه سمینار را ایراد نمود، چند نکته سیاسی را در نطق خود گنجانده بود که همیشه مورد استفاده هیئت های عرب که به امریکا اعزام می شدند قرار می گرفت. او مطبوعات امریکا را که از تحریم نفتی اعراب علیه امریکا انتقاد می کردند فاسد شده خطاب کرد و اضافه نمود این

تحریم شبیه تحریم امریکا علیه کوبا است. آقای باتل که در آن ایام رئیس انستیتیوی خاورمیانه بود و این مؤسسه ۴۰ درصد بودجه سالانه خود را از شرکتهای نفتی دریافت می نمود اضافه کرد که تأثیر افزایش قیمت نفت بر امریکا بیش از تأثیر افزایش قیمت مواد غذایی برای سایر کشورها که به دشواری کود شیمیائی مورد نیاز خود را بدست می آورند نخواهد بود.

از چنین سمینار هائی که بنوبت در امریکا و عربستان تشکیل می شد ونیز از طریق مقامات عربی که در امریکا اقامت داشتند شرکت های امریکائی به تدریج رابطه بین سیاست و تجارت را شناختند. در اصل، مسأله مهمی که در مقابل شرکت های امریکائی قرار می گرفت همان تحریم اسرائیل بود. برای بسیاری از شرکت ها دو انتخاب بیشتر وجود نداشت. یا اصول رازعایت کنند و فرصت معاملات تجاری را از دست بدهند و یا تحریم را بپذیرند و به تجارت بپردازند و روشن بود در حالی که میلیاردها دلار معاملات تجاری با اعراب مطرح بود آنها شق دوم را که شناسائی تحریم بود انتخاب کردند. طبق اطلاعاتی که در وزارت بازرگانی وجود دارد شرکت های مهمی که تحریم را پذیرفتند عبارت بودند از جنرال الکتریک، جان دیر (ماشین های کشاورزی) وایت وستینگ هاوس (لوازم خانه) جیم بیم، سازنده کارخانه های شیرین کردن آب دریا، شرکت معدنی و فنی مینه سوتا، راکول اینترنشنال سازنده هواپیماهای جنگی و سلاح های دیگر. طبق گفته مقامات وزارت بازرگانی تحریم اسرائیل چنان ترسی در میان شرکت های امریکائی بوجود آورده بود که در بعضی از موارد در حالیکه از آنها خواسته نمی شد که شرایط تحریم را رعایت نمایند آنها خود داوطلبانه چنین تعهدی را به گردن می گرفتند. نتیجه وحشتناک بود، معذک هیچ راه قانونی برای جلوگیری از ترس و وحشت شرکت های امریکائی وجود نداشت. بعضی از شرکت ها از دولت راهنمایی می خواستند ولی هیچ اقدام و جوابی از ناحیه دولت متصور نبود و اگر هم اقدامی از جانب دولت بعمل آمد در زمان ریاست جمهوری فورد بود که تلویحاً شرکتها رابه قبول شرایط تحریم تشویق نمودند.



وزارت خزانه داری امریکا در سال ۱۹۷۶ دستورالعملی برای اجتناب از جرائم مالیاتی شرکت هائی که تحریم را رعایت می کردند و مقررات این جرائم در همان سال به تصویب کنگره رسیده بود در اختیار آنها قرار داد. سناتور ابراهام ربیکوف از ایالت کانکتی کت، طی نامه ای به وزیر خزانه داری وقت ویلیام سایمون او را متهم کرد که شرکتها را به نادیده گرفتن جرائم مالیاتی مشارکت در تحریم تشویق می کنند.

بزودی صدها شرکت امریکائی خود را با تحریم علیه اسرائیل و نیز علیه هدفهای سه گانه تحریم که شامل دیگر شرکتهای امریکائی می شد تطبیق دادند. در یک دوره شش ماهه بین ماه مارچ تا سپتامبر ۱۹۷۶، بیش از ۹۴ درصد از یازده هزار مورد معاملات گزارش شده به وزارت بازرگانی، بکار بستن درجه ای از تحریم را اعلام نموده بودند.

به نظر می رسد بعضی از کمپانی های امریکائی روح تحریم و مفهوم لغوی آن را با حرارت و شور بسیار درک کرده بودند.

اقدامات شرکت بکتل آن چنان سروصدا ایجاد کرده بود که وزارت دادگستری در سال ۱۹۷۶ شرکت را به اتهام توطئه با چهار شرکت تابعه خود در رد معاملات با شرکت های لیست سیاه مورد تعقیب قرار داد. بکتل که در کارهای قرارداد جیبیل با پانصد شرکت دیگر قرارداد دست دوم منعقد کرده بود چند قدم از دیگر شرکتهای امریکائی در تبعیت از خواستههای اعراب فراتر رفت. وزارت دادگستری بکتل را به اتهام اجرای تحریم علیه شرکتهای امریکائی که با اسرائیل روابط تجاری داشتند و نیز به اتهام وارد کردن مقاطعه کاران دست دوم به اجرای برنامه تحریم مورد تعقیب قرار داد. در ژانویه ۱۹۷۷ بکتل به قبول حکم دادگاه تن در داد، گرچه اتهام وارده راز اصل تکذیب می نمود. در این حکم مقرر شده بود که بکتل از تحریم شرکتهای امریکائی خودداری نماید. در مراحل بعدی شرکت کوشش بسیاری بعمل آورد که حکم مربوط را لغو کند ولی در این کار موفق نشد.

گفته می شد بانک های درجه یک امریکائی از جمله چیس مانهاتان، مورگان گارانتی، فرست ناشنال بانک او شیکاگو و بانک سافرانسیکو تنها اعتبارات اسنادی صادرات کنندگانی را که شامل برگ

و بانک وار برگ جلوگیری نمایند.

در سال ۱۹۷۵، ورلد ایرویز، که بزرگترین شرکت چارتر هوائی دنیا است قرارداد پروازهای چارتر دو میلیون نفر حجج مکه را دریافت نموده بود. پس از امضای این قرارداد شرکت متهم شده بود که اقدام به تبعیض مذهبی نموده بدین ترتیب که از کارکنان پروازهای خاورمیانه خواسته بود نامه ای مبنی بر عضویت در یک کلیسیا یا گواهی غسل تعمید به شرکت ارائه دهند. در واقع، شرکت بعضی از کارکنان امریکائی خطوط عازم عربستان را زیر فشار قرار داده بود که به آئین اسلام بگروند تا بتوانند شرایط لازم برای کارهای سعودی را بدست آورند. یک شرکت تکراسی بنام «دائالکترون» که مرکز آن در ویرجینیا بود، عده ای خلبان را از طریق یک شرکت ژاپنی استخدام نموده و آموزش داده بود تا هلیکوپترهای عازم مکه را هدایت نمایند. در حقیقت دولت سعودی به هیچ فرد غیر مسلمان اجازه ورود به مکه را نمسی دهد. این شرکت در دوره آموزش خلبانان امریکائی در ژاپن تربیتی داده بود که افراد مذکور به اسلام تغییر مذهب دهند و برای این منظور یک مشاور مسلمان را به منظور تسهیل در اجرای برنامه تغییر مذهب به

گواهی مبنی بر اینکه شرکت هیچگونه رابطه بازرگانی با اسرائیل و شرکت های دیگر امریکائی که نام آنها در لیست سیاه ضبط شده نداشته مورد اقدام قرار می دادند. علی رغم آنکه چیس مانهاتان، دست اندرکار فروش اوراق قرضه اسرائیل در امریکا بود و در سال ۱۹۷۵ شعبه خود را در مسکو گشوده بود در آن سال از گشایش یک شعبه در اسرائیل خودداری نمود. داوید راک فلر رئیس این بانک از اظهار این مطلب که اگر شعبه ای در تل آو یو افتتاح شود موجب از دست رفتن تمام کارهای اعراب خواهد شد خودداری نمی کرد.

از مؤسسات سرمایه گذاری امریکا وارو پا خواسته شده بود بانکهای یهودی را - مراد بانکهای یهودی بود که مؤسین آن یهودی بودند - از فهرست بانکهای خود حذف نمایند. مثلاً در فوریه ۱۹۷۵ شرکت سرمایه گذاری کویت از مریل لینچ خواسته بود که بانک لازار فرر را از شرکت در تقسیم یک وام معاف نماید که مریل لینچ از قبول این پیشنهاد خودداری نمود و بدین ترتیب کویت از سندیکای این وام خارج شد. با وجود این دولتهای عرب موفق شده بودند از سندیکا کردن وامهای زیادی بوسیله بانک روتچیلد

استخدام خود درآورده بود. حتی به آن عده از خلبانان که لازم نبود وارد شهر مکه شوند تکلیف شده بود اسلام بیاورند و سرانجام از ۴۵ نفر خلبانان آموزش یافته ۳۰ نفر آنها به اسلام گرویده بودند.

بدنبال فشار مقامات عرب، تعدادی از شرکتها و دانشگاه های امریکا یهودیان را از طرحها و برنامه های قراردادی خود در کشورهای عربی برکنار کردند. شرکت وینل، یک شرکت کالیفرنایی که مسئول آموزش گارد ملی عربستان بود چنین مقرر داشته بود که هیچ یک از کارکنان آن که دارای قرارداد یا منافع در کشوری باشند که از طرف عربستان به رسمیت شناخته نشده اجازه ورود به آن کشور را ندارد. شرکت وایت تیکر که در لوس آنجلس بکار تهیه خدمات و وسائل بیمارستانی اشتغال داشت، بوسیله یک کارمند خود به دادگاه کشانده شد، زیرا شرکت او را به خاطر بکار بردن عبارت «سرزمین مقدس» در اشاره به اسرائیل در بولتن خبری که در بوظیفی برای شرکت تهیه می کرده است اخراج کرده بود. این خانم کارمند مدت نوزده سال برای ویت تیکر کار کرده بود. دانشکده پزشکی پیلور در تکراس که قرارداد نان و آب داری برای تأسیس بخش قلب بیمارستان ملک فیصل دریافت کرده بود از اعزام کارکنان یهودی به عربستان امتناع نموده بود. سایر دانشگاه ها مانند ام. آی. تی.، دانشگاه کلرادو، دانشگاه واشنگتن خواستار شدند که در قراردادهاشان با سعودی ماده عدم تبعیض مذهبی گنجانده شود و بدین ترتیب بر اعتبار و شهرت خود افزودند. رئیس دانشگاه ام. آی. تی. طی نامه ای اعلام نمود که اعمال هرگونه تبعیض مذهبی موجب فسخ قرارداد می شود و بدین ترتیب قراردادی را که امضا کرده بود از دست داد زیرا به نظر یکی از شاهدگان عرب به نام محمد بن فیصل لحن نامه رئیس دانشگاه ام. آی. تی. تهدید کننده بود. یکی از موارد افشاگرهای تکان دهنده ای که بعدها ضمن رسیدگی های کنگره معلوم شد، آن بود که سپاه مهندسی ارتش امریکا بنا به تقاضای سعودی موافقت کرده بود که کلیه پرسنل نظامی مأمور خدمت در عربستان و نیز کارکنان طرحهای مورد قرارداد سپاه مهندسی باید گواهینامه تبعیت مذهبی و سایر اطلاعات

مربوط به امور شخصی خود را در اختیار قرار دهند و بدین ترتیب یهودیان را عملاً از شرکت در قراردادهای عربستان ممنوع نموده بود. حتی عربستان تقاضا کرده بود که از اعزام پرسنل نظامی سیاه پوست امریکائی جهت کار در طرحهای عربستان خودداری شود و باین درخواست نیز موافقت شده بود.

در کنگره امریکا فشار برای تصویب قوانینی جهت مبارزه با تبعیض علیه یهودیان و نیز تحریم شرکتهای امریکائی که با اسرائیل روابط بازرگانی داشتند روز بروز بالا می گرفت. تحریم اعراب علیه اسرائیل از نقطه کنگره امریکا و ریاست جمهوری از حقوق و اختیارات دولتهای عربی شناخته شده بود و هیچ یک از جناحهای حکومت در پی لغو یا محدود کردن آن نبودند. سرانجام در نوامبر ۱۹۷۵ دولت پرزیدنت فورد اعلام نمود که در جهت جلوگیری از تبعیض علیه یهودیان چه در سازمانهای دولتی و چه در شرکت های امریکاسای اقداماتی را انجام خواهد داد. اما هیچ کوششی برای مبارزه با تحریم اعراب علیه شرکت های امریکائی بعمل نمی آمد. در واقع از لحاظ هدف های دوم و سوم تحریم اعراب که به خاطر آن بکتل به دادگاه احضار شده بود موضوع مسکوت ماند. در اوائل سال ۱۹۷۶ دیگر معلوم بود که پرزیدنت فورد مایل است از اقدامات حاد کنگره جلوگیری نماید. از دادن اطلاعات درباره تحریم به کمیته های کنگره خودداری می شد و در قبال آن مقامات دولتی پاره ای از مسکن های حقوقی راپیشنهاد میکردند بدون آنکه اثر مهمی بر هر کدام از آنها مترتب باشد.

اقداماتی را که دولت انجام می داد از نقطه نظر خود قابل توجیه می دانست. مقامات دولت سعودی و سایر کشورهای تولید کننده نفت در ملاقات های خود با سران حکومت فورد یادآور می شدند که هر اقدامی از جانب کنگره و مقامات دولتی امریکا برای جلوگیری از تحریم رابعتوان نقض حاکمیت خود تلقی خواهند کرد که مفید بحال روابط بازرگانی آنها با امریکا نخواهد بود. معذک بعدها ثابت شد که این تهدید کاملاً توخالی بوده است. در محافل بازرگانی امریکا تهدید اعراب تاثیر خود را گذارده بود و آنها اقداماتی را شروع کردند که کنگره را از تصویب

قوانینی ضد تحریم منصرف نمایند و چنین وانمود می شد که این حق شرکت های امریکائی است که بتوانند بهر نحو که مایل باشند در بازار خاورمیانه به فعالیت بپردازند زیرا در غیر این صورت کشورهای دیگر آماده هستند که با قبول شرایط بازار، جایگزین آنان شوند. هاشم نزار وزیر برنامه ریزی سعودی این مطلب را به صراحت اعلام نمود و اتحادیه مقاطعه کاران امریکا و نیز اطاق بازرگانی فشار لابی خود را در کنگره افزایش دادند تا از تصویب قانون ضد تحریم جلوگیری شود. شرکت نفت موبیل ر پرتاژهای درجیاید امریکا به چاپ می رساند که اگر قوانینی ضد تحریم به تصویب برسد امریکا به یک نیروی درجه دوم در بازرگانی جهانی تبدیل خواهد شد و این امر شیوه زندگی امریکائیان را تغییر خواهد داد.

عصر روز ۲۳ سپتامبر در گفت و شنود بین کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری یعنی آقایان جیمی کارتر و جرالده فورد، شرکت نفت موبیل چند سؤال را بصورت آگهی در روزنامه نیویورک تایمز از کاندیداها بعمل آورد. این سؤال ها عبارت بودند از: «آیا کاندیداها مایل هستند با حمایت از قوانینی که گفته می شود برای حمایت از شرکت های امریکائی علیه تحریم اعراب به تصویب می رسد پشتیبانی نمایند و بدین ترتیب دسترسی امریکا را به منابع حیاتی نفت خاورمیانه به خطراندازند و هم چنین این منابع و بازار خاورمیانه را که در حال رشد سریع است از دست بدهند؟»

یک شرکت تکراسی بنام در سر این داستریز، در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۷ دو صفحه مقابل هم از روزنامه وال استریت جورنال را خریداری نمود تا به اطلاع همگان برساند که تصویب قوانینی ضد تحریم باعث از بین رفتن پانصد هزار شغل خواهد شد. شرکت های بکتل، فلور، و پولمن کیلاگ که همه از غولهای مهندسی و ساختمان هستند مشترکاً یکی از شرکت های روابط عمومی واشنگتن را به استخدام درآوردند تا اقدامات سایر شرکت های امریکائی را در مورد مبارزه، قانون ضد تحریم هماهنگ نماید. شرکت های کاتر پیلار، اِکسان و تعداد دیگری از شرکت های بزرگ اقدامات مشابهی را آغاز کردند. مدیر شرکت ساختمانی پارسون در مصاحبه ای



به مجله بیزنس و یک گفته بود که قوانین ضد تحریم اقتصاد امریکا را بخاطر معدودی انگشت شمار بخطر خواهد انداخت.

دراواخر سپتامبر ۱۹۷۶ صدای جدیدی برخاست و آن از وزیر خارجه عربستان بود که در هوستون برای ۱۴۰۰ نفر از مدیران و بازرگانان امریکائی نطقی ایراد می کرد و طی آن اعلام نمود که عربستان به هیچوجه مایل نیست باقانون ضد تحریم مواجه شود و اگر چنین شود آثار نامطلوبی بر بازرگانی، اقتصاد و انرژی امریکا خواهد گذارد. دفتر آرامکو در هوستون به اقدام بی سابقه ای دست زد و آن عبارت بود از ارسال نامه های پستی برای چهارهزار مؤسسات و افرادی که در تهیه مواد مورد نیاز شرکت دخالت داشتند و به آنها اعلام خطر شده بود که تصویب قانون ضد تحریم اگر ادامه کار با عربستان را غیرممکن نسازد لاقلاً خطرات شدیدی برای بازرگانی خارجی امریکا و از جمله برای آرامکو که باید سی میلیارد دلار برای کالاهای مورد نیازش به ۲۰۰۰ تولیدکننده امریکائی پردازد بوجود خواهد آورد.

علاوه براین اخطار شده بود که تصویب قوانین ضد تحریم جریان صلح خاورمیانه را به تعویق خواهد انداخت و امنیت تهیه نفت از آن ناحیه ربه خطر می افکند.

دلارهای نفتی علاوه برآنکه بر قوانین ضد تحریم اثر می گذارد، به تدریج در همه جای امریکا درنقاطی که یک جریان سیاسی بوجود می آید مؤثر می شد. یکی از موارد بارز این تأثیر در یک نقطه روستائی در آرکانزاس دیده شد.

در دسامبر ۱۹۷۵، شرکت وارد که سازنده اتوبوس های مدارس بود، قراردادی به مبلغ ۲۰ میلیون دلار دریافت نمود که ۷۰۰ دستگاه اتوبوس مخصوص حمل حجاج رابرای سعودی بسازد. این قرارداد درمقایسه باقراردادهای چند صد میلیون دلاری که عربستان امضا کرده بود رقم مهمی را تشکیل نمی داد ولی باتوجه به منطقه و جامعه ای که شرکت وارد در آن کار می کرد قابل توجه بود. بزودی قرارداد دیگری به مبلغ ۶۰ میلیون دلار جهت ساخت اتوبوس برای مصر به شرکت داده شد و در نتیجه ۳۰۰ کارگر جدید به تعداد کارکنان شرکت افزوده گردید. سفارش مصر به تنهایی ۲۵ درصد تولیدات سالانه شرکت را تشکیل می داد و احتیاج به کارگر روز

افزون بود. در اواسط سال ۱۹۷۷ برنامه هائی در اختیار وارد قرار گرفت که به موجب آن می بایستی یک واحد مونتاژ اتوبوس درجده با مشارکت غیث فرعون بازرگان عرب تأسیس شود. در جریان اجرای این قرارداد عده زیادی از کارگران وارد به عربستان مسافرت کردند و عده ای نیز از آن کشور برای کارآموزی به محل شرکت آمده بودند. در شهرک محل کارخانه مصاحبه با مجله ارگان آرامکو، مدیر شرکت گفته بود که با جرأت می توانم بگویم که در شهر ما بیش از هر جای دیگر شناسائی و قدردانی از عربستان در جریان است. مدیران شرکت که برای دیدار به عربستان رفته بودند در بازگشت نقش سفیر حسن نیت آن کشور را عهده دار شده بودند و طی نطق هائی در کلوب لاین و کلوب سیویک و کلوب بازرگانان زن، نقطه نظرهای خود را مطرح کردند و یکی از مدیران شرکت در مصاحبه ای با واشنگتن پست گفت «الان وقت آن نیست که اعراب را از خود برنجانیم...» در جاهای دیگر، مقامات عرب توجه خود را معطوف به گروههای اجتماعی و نژادی کرده بودند. نوعی رابطه دوستانه

خاص بین مقامات دولتی و سرمایه گذاران عرب و پاره ای از سیاه پوستان امریکا برقرار شده بود. در سال ۱۹۷۷ ملک خالد وعده داد که یکصد بورس تحصیلی به دانشجویان سیاه پوست که در عربستان مشغول تحصیل شوند بدهد. سال بعد سه نفر از اقوام ملک یک طرح سرمایه گذاری ۵۰ میلیون دلاری در محلات سیاه پوست نشین چند شهر امریکا از مجله نیو یورک، واشنگتن، کلیولند، سان فرانسیسکو، لوس آنجلس و آتلانتا را تصدی کردند. برای این منظور یک شرکت افریقائی - عربی تأسیس شده بود که سه تن از شاهزادگان سعودی به سمت مدیران آن برگزیده شده بودند. علاوه بر شاهزادگان سعودی یکی از کارکنان سیاه پوست کاخ سفید در زمان حکومت کارتر که مقام برجسته ای را احراز کرده بود به عضویت هیئت مدیره این شرکت انتخاب شده بود. گرچه برنامه سرمایه گذاری مورد بحث بنام مناسطق مسکونی نمونه نامیده شده بود و هدف آن توسعه اقتصادی و ایجاد شغل در میان جوامع سیاه پوست بود، معذک تأسیس یک مرکز و مدرسه اسلامی در این محلات پیش بینی

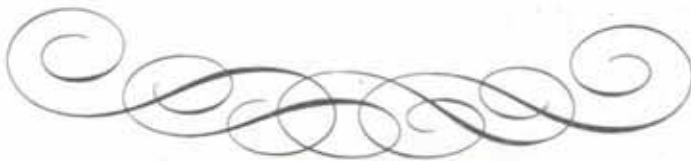


جشن های ازدواج

پیوندهای ازدواج راتبریک می گوئیم



دوشیزه فرانہ باروخیان با دکتر بهرام صافانی (در شماره قبل اشتباهاً فرزانه چاپ شده بود ولی صحیح آن فرانہ است).
 دوشیزه دالیا نظریان با آقای دیوید سومخ
 دوشیزه فرناز ربان با آقای موسی نامور
 دوشیزه فرحناز کاشانی رخ با آقای خسرو تهرانی زاده
 دوشیزه الیزابت فروزانفر با آقای کورش پورمرادی
 دوشیزه ماندانا یزدی تبار با آقای پرویز خاکشوری
 دوشیزه شهین کیانفر با آقای حمید فانی
 دوشیزه ادنا قالچی با آقای شهرام تیموری
 دوشیزه قریبا سفر با آقای دانیل بنایان
 دوشیزه گلیدا مقبوله با آقای ژرژ یودعیم
 دوشیزه مینولعلی با آقای مونیخ خلیلی
 دوشیزه ایما عزیزلی با آقای هانری مشیان



برمیتصوا

بابک زولیاخانیان

ژوزف برال

تعدادی داوطلب بطورنیمه وقت (فقط چندساعت در هفته) جهت ترجمه و رسیدگی به امور بیماران ایرانی در یکی از بیمارستان های لوس آنجلس مورد احتیاج فدراسیون یهودیان ایرانی می باشد.

۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳)

دعوت به همکاری



به خانواده هائی که عزیزان خود را بشرح زیر از دست داده اند تسلیت می گوئیم:

سوگواریها

جوان ناکام سهیل کهن صدق

زنده یاد ابروان گلپاردی

زنده یاد جوان ناکام شهروز نهورای

بانوی نیکوکار محبوبه شکیب

زنده یاد ایمانوئل سامیح

بانوی نیکوکار ملک برجیس (نظر)

زنده یاد یعقوب ماخانی

بانوی نیکوکار ایران آقائی (برخورداری)

زنده یاد فرج الله نعیم

بانوی نیکوکار ملک شی

زنده یاد نصرت الله منتخب



شده بود، که می بایستی در آنها زبان عربی تدریس شود.

در همین ایام که طرح ایجاد محلات نمونه سیاه نشین مورد بحث بود، اعلام شد که عربستان قصد کرده است مبلغ ۴۰ میلیون دلار در هارلم مهمترین محله سیاهان نیویورک سرمایه گذاری نماید، لیکن درانتها معلوم شد که نه آن طرح و این دیگری از مرحله حرف به عمل در نیامد و معلوم نشد چرا؟

یک اقدام دیگر برای جلب توجه و همکاری سیاسی سیاه پوستان امریکا در سال ۱۹۷۹ عملی گردید. در بیستم ژانویه ۱۹۷۹، ششصد نفر از بزرگانان و مدیران سیاه پوستان امریکائی در محل هتل سنچری پلازا در لوس آنجلس اجتماع کردند تا در اولین کنفرانس سالانه روابط بزرگان اعراب و سیاه پوستان شرکت نمایند. در میان معدودی از سخنرانان کنفرانس نام جرالده گری مدیر شرکت فولاد پان امریکن دیده می شد. این شخص بعنوان کلید دریافت مقداری از دلارهای نفتی پیشنهاد تشکیل این کنفرانس را مطرح کرده بود به این امید که نوعی روابط غیر اقتصادی بوجود آید که منجر بوجود آمدن موقعیت بهتری برای اعراب بشود. زیرا از تاریخ افزایش قیمت نفت و بوجود آمدن تورم این اولین فرصتی بود که بتوان با سیاه پوستان امریکا تماس حاصل نمود.

اما عربستان سعودی در کنار این اقدامات برای یافتن کسی که صدای اعراب را بگوشها برساند به اقدامات دیگری متوسل شده بود که موفقیت آمیز بود و از این طریق خدمات یکی از مشهورترین چهره های پایتخت امریکا را بدست آورده بودند که در فصول بعد به آن اشاره خواهد شد.

پارس مدیکال کلینیک

به سرپرستی

دکتر پرویز نظر

پزشک خانواده

با همکاری پزشکان متخصص

مجهز به آزمایشگاه - فیزیوتراپی - نوار قلب - رادیولوژی

- قبول کلیه بیمه ها و تصادفات رانندگی
- گواهی آزمایشهای قبل از ازدواج
- چک آپ کامل با قیمت مناسب

نیش رسیدا و ون اون

18445 Vanowen St.
Reseda, CA 91335
(818) 708-8484

DISCOUNT

عرضه کننده زیباترین وبهترین لوازم اطاق خواب و حمام

انواع ملحفه - لحاف - روتختی - حوله های تزئینی
رومیزی - لحاف پرفرو - مجموعه ای زیبا از ساتن
لوازم تزئینی حمام و...



The
Linen Room

860 S. Los Angeles St.
Los Angeles, CA 90014
(213) 622-3320

طبقه چهارم کوپر بیلدینگ
دردان تاون لوس آنجلس

ما همیشه گفته ایم که مبنای دین یهود برآزادی، آزادمنشی و عدم تعبد استوار است. شاید هم بهمین دلیل داستانهای تورات بحث انگیز است.

درباره این رساله

راستش من از کودکی مجذوب ماجرای ابراهام و (تقریباً قربانی شدن) اسحق بوده ام و سال ها بعد هم هر وقت خواسته ام عقده دلم را خالی کنم و افکار و نظریات و سرگردانی های خودم را روی کاغذ بیاوریم جرأت نکرده ام و جگر آنرا نداشته ام و با اصطلاح ماست هارا کبسه کرده ام چون قضیه خیلی بغرنج و چندپهلوی و لغزاننده و مملو از دام و تله و حتی برنگاه است و به آسانی می تواند سوء تعبیر شود و حتی بصورت نف سربالا در بیاید و حسارتی به مقام باری تعالی و توهینی به انگیزه و روحانیت ابراهام جلوه کند.

در جوان رفتن با این قبیل ماجراهای مذهبی انسان گناه خودش را مثل بندبازی مست در سیرک بر بالای بندی لرزان و پرنوسان (و بدون تور محافظ) می یابد، و خطر کله با شدن و سقوط و شکستن دست و پا و گردن زیاد است!

روی این اصل باید خیلی مواظب بود و با از سرحد ادب و حیا بیرون نگذاشت و سرعیلانی نداشت ولی در عین حال نباید همه چیز را هم تعبدی پذیرفت و دم نزد چون من خیال می کنم باری تعالی هم گاه از گردوخاک کردن و با زدن ها و حرکات مذبحخانه و داد و فغان های ماجندان بدش نمی آید و پنهانی لذت می برد!

از قدیم گفته اند (وجه خوب هم گفته اند): روحانیت (مذهب) بما نهیب می زند که «ایمان بیاور تا شاید بفهمی» ولی فیلسوف سرکش و متفکر فریاد می زند که «من اول باید بفهمم و بعد ایمان بیاورم». حال بین خودمان باشد گویا هر دو فرقه هم بلا تکلیف و سرگردان هستند.

مردان خدازاد می بینند و فلاسفه و متفکرین زیاد می فهمند و هر دو گروه مزاحم و موی دماغ خدا هستند و خودشان هم می دانند!

با همه اینها من خاطر خواه آنهایی هستم که بادل فکرمی کنند و نه با مغز!

آنهایی که به مکرر بدنیا آمدن عقیده دارند می دانند در این سرزمین خاکی یک یک ما بلا استثناء «سوء سابقه» داریم.

هرچنیننده ای پرونده متحرک و اسرار آمیز و «مهرولاک» شده ای است که عصاره و چکیده و تاریخچه همه زندگی های گذشته و آینده او وقتی حکم غیر قابل فرجام دادگاه نهائی (آسمانی) را در بردارد ولی فقط باری تعالی از محتوای این پرونده متحرک آگاه است.

ما «متهمین مادرزاد» حتی اجازه مطالعه و مرور این پرونده را هم نداریم که بتوانیم آدم و آراز خودمان دفاع کنیم. حال اگر این دل خونین و این گستاخی سؤال کردن را هم نداشته باشیم چه داشتیم!

در حفره های برخون و بریج و خم این عضله قرمز رنگ، خدا و اهریمن درهمسایگی یکدیگر دور و دور

داستان ابراهیم و اسحق بر فراز کوه موری از چنان پیچیدگی فلسفی و بنیادی برخوردار است که علماء یهود تا کنون رساله «موریا» را در این باره نوشته اند. یکی از این نوشته ها مقاله ایست که اخیراً در این باب بقلم یکی از صاحب نظران امور دینی پرفسور پلی استاد افکار و ادبیات یهود دانشگاه بن گوریون در روزنامه جرزالم پست انتشار یافته و شوفار نسبت به ترجمه و درج آن در این شماره اقدام نموده است. همکار ما، نوری که از طرز نو یسان بنام معاصر ایرانی است، باین داستان از زاویه دید خود باشوخ طبعی نگریسته که حاصل آنرا ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

این نکته نیز لازم به تذکر است که بموجب روایات مذهبی سن حضرت اسحق هنگام به قربانگاه رفتن سی و هفت سال بوده است ولی در تصور بسیاری از مفسرین و نویسندگان، اسحق بصورت کودکی کم سن و سال نشان داده شده است. شوفار



«...قدر مسلم این است که این آشی را که باری تعالی و ابراهام می خواسته اند بر فراز کوه موری برای اسحق ده دوازده ساله بیزندنه نهایت کج و جیب روی آن بوده بلکه این دو پدر آسمانی و زمینی توقع داشته اند گوشت این آشی را اسحق برایشان فراهم کند...»

از سه نفر باز یگر اصلی این صحنه، باری تعالی و ابراهام کم و بیش از این توطئه آسمانی و این جاقو کشی مقدس باخبر بوده اند ولی نفر سوم - اسحق نونهال روحش هم از این جریان خبر نداشته است معهداً این کودک نحیف ده دوازده ساله از باقی بازیکنان این تآثر آسمانی رومیقید تر و سربلند تر درآمده و همه را به حیرت و عبرت افکنده است...

قهرمان حقیقی ماجرای کوه موری اسحق است و نه ابراهام و جایزه اسکار آسمانی حقاً با او تعلق دارد....»

«فریب بزرگ»

نوشته: نوراله خرازی (نوری)



وعظوفت پدری از چهره اش رخت بر می بندد
ومثل ماسکی از صورتش میفتد.

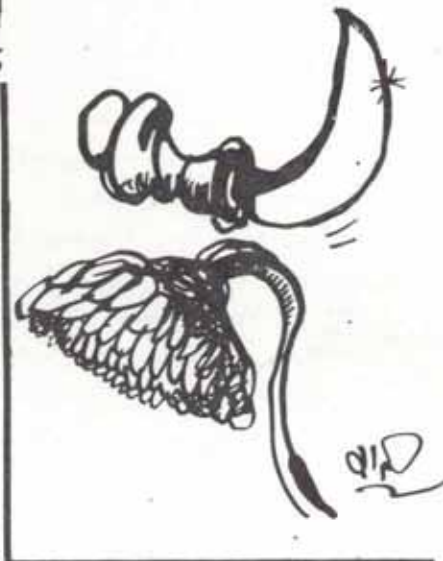
ماهه ما از باریتعالی گرفته تا راوی
وکاتب این ماجرا وهمه نسل های سه چهار
هزارسال بعدش دست جمعی همه اش سنگ
ابراهام رابه سینه می زنیم وهورا می کشیم
وتنقل وشیرینی پخش می کنیم ومرحبا و
آفرین می گوئیم وباریتعالی هم به او
دستخوش می دهد وسراومی نازد ولی اسحق
مظلوم و بینوا (و بنظر من تنها قهرمان حقیقی
این فاجعه درشرف وقوع) عمداً یا سهواً از قلم
افتاده وهیچکس هم صدایش در نیامده یا
جرأت نکرده است از او دفاع کند!

چرا در این فصل از تورا اصولاً همه حتی
خدا هم اسحق را فراموش کرده اند؟

می فرمائید ابراهام این آزاد مرد شجاع
وخداپرست عذر موجه داشته ودرحالی که
دلش خون بوده اطاعت از حق وعشق دیوانه
وار او بحق همه عشق ها وعلاق دنیوی رانا بود
کرده واورا به قربانی کردن جگر گوشه اش
برانگیخته؟ من حرفی ندارم ودرمقابل
شهامت او سرتعظیم فرو می آورم ولی گناه
اسحق، گناه این بچه هاج وواج مانده ده
دوازده ساله چیست وبه چه نحوی می توان
این «چاقو کشی مقدس» واین «خاطرخواهی
مذهبی» را به او حالی کرد؟

شانه های نحیف اسحق نابالغ، این بچه
«دردانه» وعزیز کرده، این هدیه ای که
خداوند بعد از ۹۰ سال به سارا عطا کرده
تحمل چنین باری را نداشته وموضوع فیل
وفنجان است ولی مثل اینکه باریتعالی
وابراهام هیچکدام متوجه این عدم تناسب
نشده اند و(زبانم لال) دست گل به آب داده
اند. باور نکردنی اینجا است که باریتعالی
(یا همه حکمت بی پایان خودش) و ابراهام
(باوجود تجربه یک عمر صدساله) طوری
مسحور وسرگرم انجام رل خودشان در این توطئه
آسمانی بوده اند که به هیچوجه توانائی
وظرفیت روحی وجسمی این کودک ده
دوازده ساله را در نظر نگرفته اند.

درنمایشنامه برفراز کوه موریالی که
این دو پدر آسمانی برای اسحق تعیین کرده
اند آنقدر مردافکن وشیرافکن وکمرشکن بوده
است که به وصف نمی گنجد وکمتر فردی



که او روسفید از آب درآمده وحتى خدا را هم
به ابوالله گفتن انداخته!

ولی چرا هیچکس در این عرصه ودر این
معرکه آسمانی بفکر اسحق مادر مرده نیست؟
چرا هیچکس نپرسیده (یائمی پرسد) این
کودک زهره ترک شده ده دوازده ساله (در آن
لحظات مخوفی که پدرش دست و پای او را
بسته وبروی هیزم های شاید نیمه مشعل
قربانگاه قرار داده وکارد را باخونسردی بطرف
گلوی او آورده) چه وضعی داشته، چه
جهنمی را طی می کرده وروحیه وعکس
العمل او چه بوده...؟

آیا در آن لحظات پر شکنجه در آن لحظاتی
که دندان های او از ترس ودهشت بهم می
خورده به چه فکر می کرده؟

می فرمائید چه دهشتی؟ دهشت این که
پدری را که او می پرستیده وکور کورانه اطاعت
می کرده او را فریب داده وبقر بانگاه کشانده
وکمر به قتل او بر بسته.

دهشت اینکه کارد تیز تاپیک وجبی
گلوی او آمده. دهشت اینکه اودیگر هرگز
مادر پیرش را نخواهد دید...

این کودک نیمه عریان ودست و پا بسته
در روی هیزم های مذبح برفراز کوه موریالی برق
کارد را در کف پدرش می بیند وروزگارش
سیاه می شود. پدری که نان بده او بوده،
پدری که مرتب باخدا رودر رو صحبت می
کرده واسحق پسراومی نازیده، پدری که
خیسه معروفش در نداشته وشب وروز بروی
دوست ودشمن وکافر وخدا ترس باز بوده
ناگهان مسخ می شود ودریک آن چهره غریبه
ای بی رحم را بخود می گیرد وعشق ومحبت

دهلیز مجاور بر می برند وخیر ندارند واغلب در دالان
های پر بیخ وخسب وتاریک آن بهم می خورند
وسرودست یکدیگر را می شکنند وهمدیگر را زخمی
وتاقص می کنند. در نفس دل غوغائی است وخدا
واهریمن برای تصرف آن سرودست می شکنند وگاه
خدا فاتح است وگاه ابلیس ولی مادام که ما این
دونروی متضاد واین دو خواستگار ذبیف را داریم
هنوز جای امیدواری است ومناع ما خریدار دارد.

من شاید ده دوازده ساله بودم که
پدر بزرگم برای اولین بار داستان ابراهام
واسحق را در کنیسیای ملامیخائل کاشان
برایم تعریف کرد. آن روز حسابی بغض
گلوی مرا گرفت وآخرش هم رفتم توی پستوی
نیمه تاریک منزل خودمان (در محله چاله
حوض خانه) وبقدر یک ساعت گریه کردم
واز اسحق هم سن خود محیلائی (پوزش)
طلبیدم وبهل خواستم. بعدش هم حسابی
نب کردم وشبها در خواب «دندان قروچه»
می رفتم. اهل منزل هم بیخیال اینکه من
رودل کرده ام مرابستند به جوشانده
چهار شیرینی وعناب وسپستان وسنبل تیب
وبیشتر عقیده مرا نسبت به بزرگترها عوض
کردند.

الان با این که بیش از نیم قرن از این
موضوع می گذرد هنوز هر وقت از بالای
میشکان این فصل از تورا را می خوانند من
منتقلب می شوم واز روی اسحق ده دوازده
ساله خجالت می کشم وبیشتر دلم برای او
می سوزد وهاج وواج می مانم وهیچ کاری
هم از دستم بر نمی آید.

شاید وقتی من برای اولین بار داستان
اسحق هم سن وسال خودم را شنیده ام خودم
را دراو دیده ام وباصطلاح خودم را بجای او
گذاشته ام، دلم سوخته وبه پشتیبانی از او
برخاسته ام.

داستان ابراهام و (تقریباً قربانی شدن)
اسحق یکی از زیباترین، اسرار آمیزترین،
مخوف ترین و پرمعنی ترین فصل های تورا
است وکمتر ماجرائی در بفرنج بودن وده
دوازده جور تعبیر داشتن پبای آن می رسد.

ابراهام طی این ماجرا بخصوص در آن
لحظاتی که کارد را برای قربانی کردن اسحق
بدمت می گیرد در مقابل دونروی عظیم
ومهیب ودوانگیزه متفاوت وبیچاره کننده قرار
دارد: یکی اطاعت کور کورانه از خدای خود
ودیگری عشق بی پایان به جگر گوشه و یکی
بکدانه خود وهمه ما باتفاق آراء عقیده داریم

می تواند از چنین معرکه ای جان سالم بدر برد و ناقص نشود. ولی اسحق باتسلیم و رضا و علو طبع و معصومیت بچگانه خودش همه بازیگران (و تماشاچیان بعدی) این درام غم انگیز را سرافراز و شاید هم شرمسار کرده است.

از سه نفر بازیگر اصلی این صحنه باریشعالی و ابراهام کم و بیش از این توطئه آسمانی و این چاقوکشی مقدس باخبر بوده اند ولی نفر سوم اسحق نونهال، روحش هم از این جریان خبیرنداشته است معهذاً این کودک نحیف ده دوازده ساله از باقی بازیکنان این درام آسمانی روسفید تر و سر بلند تر در آمده است و همه را به حیرت و عبرت افکنده.

قهرمان حقیقی ماجرای کوه موریا اسحق است و نه ابراهام و جایزه اوسکار آسمانی حقاً به اومی رسد.

من مخصوصاً مرتب سن اسحق را برخ خودم و شما می کشم چون رساله و بحث ما خیلی باین امر بستگی دارد و خیلی از این صحنه های هراس انگیز و دهشتناک را باید از دریچه چشم این کودک دید. کودکی که نه از مسائل بغرنج ماوراء الطبیعه چیزی سرش می شده و نه به کنه عشق سوزان اطاعت کور کورانه پدرش بحق سر در می آورده.

باز هم عرض می کنم: کسی در شهامت و فداکاری «ما فوق بشری» ابراهام در این واقعه تردیدی ندارد ولی مادر اینجا این ماجرا را از دریچه چشم یک کودک ده دوازده ساله و نابالغ می بینیم.

چطور در فرآز کوه موریا این بچه هیچ اعتراض و التماس نکرده است؟ هیچ ضجه ای سر نداد و حتی یک جمله التماس آمیز و «بایانه... باباجون نه...» هم از حلقومش خارج نشده و بغضش نترکیده؟

یعنی می فرمائید بعد از این که فرشته خدایه ابراهام شروع می شود و مثلاً می گوید: «ابی جان... آمو ابراهام... دست مریزاد... به مار سیدول کن زلفشو... قوچ لای شاخه های بیشه منتظره... آیا این درام مخوف و ترسناک بهمین سادگی پایان یافته و پرده نمایش افتاده و فرشتگان هم در عرش کف مرتب زده اند...؟

بعدش هم ابراهام دست و پای اسحق نیمه جان و «برز زده» و تقریباً قربانی شده را باز کرده و بعد از ذبح کردن قوچ بز بیار با هم از کوه سرازیر شده و همه رفته اند بی کار خودشان و آب هم از آب تسکین



دردناک

اعشنائی باقی بازیگران این درام دردناک بر فرآز کوه موریا به او مثل نمک روی زخم پاشیدن است.

ظاهراً از هیچ ناحیه ای (نه از جانب کارگردان این برنامه نه از جانب ابراهام و نه از جانب فرشته خجول و کم حرف) یک جمله ساده، یک معذرت خواهی بی قابلیت و یک مرمسی و دست مریزاد هم بگوش نمی خورد و هیچکس از این بچه استمالت و دلجوئی نمی کند. اینجا است که انسان قدری مبهوت می ماند و فکر و خیال برش می دارد چون عنصر مهمی در این صحنه مفقود است و باید فهمید چرا.

شاید این حرف تف سر بالا باشد ولی (باپوزش از روح ابراهام آوینو) مثل اینکه اولین سانحه «بدرفتاری با کودک» چایلد اسیوز که امریکائی ها این روزها اینقدر سنگش را به سینه می زنند بر فرآز کوه موریا روی داده است.

ما گویا در زبان فارسی واژه ای برای «ترامما» نداریم. البته می توان آنرا «دردناک» ترجمه کرد ولی «ترامما» تجربه

نخورده...؟

شمارا بخدا بی انصافی نکنید و قدری بمن دل بدهید: وقتی من هفت هشت ساله بودم از یکی از بزرگسالان فامیل سیلی خفیفی خوردم و سیلی بجائی بود چون شیطنت کرده و مستحق تنبیه بودم. الان بیش از نیم قرن از این حادثه می گذرد و سیلی زن خدا بیامرز هم برحمت ایزدی پیوسته ولی هنوز صدای آن سیلی در گوش من طنین انداز است و (خاک برایش خیربرد) نمی توانم او را ببخشم و از کم گذشتگی خود شرمنده ام! آن وقت ما انتظار داریم اسحق مظلوم، با این منظره خرد کننده و دهشتناک (قربانی شدن بدست پدرش) رو برو شده باشد و پنج دقیقه بعدش هم همه را بهل کرده و بی سروصدا مثل پرنده ای مطیع بدنبال ابراهام راه افتاده و بی کار خودش رفته باشد؟

درد بی درمان یکی دوتا نیست و بی انصافی هم حدی دارد. اسحق حتی هیزم قربانی شدن خودش را هم خودش بدوش کشیده و نفس زنان به بالای کوه برده و شکوه ای هم نکرده ولی کم محلی کردن و بی

ای خیلی دردناک و ترسناک و خرد کننده است و از آن لغت هائی است که بقول خودمان عزایش خیلی سنگین است و اثر آن خیلی عمیق تر و منحوس تر و جان سخت تر است و تا مغز استخوان انسان نفوذ می کند و خاطره شوم و دردناک آن مثل مهر و نقشی که روی سنگ بکنند تا سرازیری قبر هم دست بردار نیست و رنج می دهد.

اسحق صدیق و نحیف و نابالغ مسلماً این «تراما» را تجربه کرده و خاطره آن مثل تب لازم تا آخر عمر با او بوده. او طی عمر طولانی خودش هرگز ماجرای بالای کوه موری را زیاد نبرده و جزء لاینفک زندگی او درآمده.

لا بد حدس زده اید که این داد و فریاد های من و این چاچول بازی ها و «ننه من غریب» در آوردن ها فقط برای این ماجرای کوتاه و مخوف و چند ساعته بالای کوه موری نیست. دلواپسی و نگرانی من خیلی عمیق تر و ریشه دارتر و دامنه دارتر است. من می خواهم بدانم این حادثه و این «تراما» در باقی زندگی ۱۸۰ ساله اسحق چه اثرات سوئی گذاشته. آیا او موفق شده است یک زندگی تقریباً نورمال و بدون دغدغه و عقده و هراس و بقول روانشناسان بدون عقده و وحشت داشته باشد یا نه؟

هیچ بعید نیست بعد از این سانحه وقتی اسحق بابر و بچه های هم سن و سال خودش مثلاً جفتک چارکش بازی می کرده قلاب سنگ می انداخته یا با بچه چوپان های پدرش با گله به صحرا می رفته جرأت نمی کرده حتی بانزدیک ترین همسالان خودش هم درددل کنند و این ماجرای هولناک و باورنکردنی را در میان نهد، و با اصطلاح - قدری دل خودش را ساکت کند. آخر چطور یک کودک ده دوازده ساله می تواند به برو بچه های هم سن و سال خودش یا به چوپان ها و خدعه بگو یابد: «بابام متورده بود بالای کوه قربونی کنه...»

شاید هم طی عمر طولانی خودش و حتی بعد از زن و بچه دار شدن هم مرتب دچار کابوس های نیمه شب بوده و بختک روی او می افتاده و همه اش در خواب برق خنجر پدرش را می دیده (و به جبران سکوت باورنکردنی و اسرارآمیز خودش روی هیزم های بالای کوه موری) نعره می زده است که: «بابانه... باباجون نه...» و بعد خیس عرق سرد از خواب می پریده و همسرش ریبقا را

دیوانه وار در آغوش می کشیده و هم او را بد خواب می کرده و هم خودش مثل کودکی بی مادر اشک می ریخته.

البته صحت و سقم این موضوع را فقط ریبقا می داند و او هم متأسفانه مدرکی بجای نگذاشته و به کسی ابرازی نکرده است!

شق ثالث هم این است که او هیچوقت کابوس و خواب های ترسناک نداشته و بختک روی او نمی افتاده ولی خیلی از نیمه شب ها وقتی همه بخواب می رفته اند او مغموم و بی صدا پاورچین پاورچین از خیمه بیرون می آمده و در زیر نور رنگ پریده ماه، در صحرای ساکت و خنک و اسرارآمیز و مملو از شن و رُویا و خار و نجوا ماجرای کوه موری را برای هزارمین بار بیاد می آورده و بی صدا اشک می ریخته و وقتی هم اشکهای گرمش ریش سپید و انبوه او را سیراب می کرده برای هزارمین بار زیر لب التماس می کرده: «بابانه... باباجون نه...» و بعد غش می کرده و تا صبح روی زمین می افتاده و یکی دو بزغاله راه گم کرده هم صورت او را می لیسیده اند و زنگوله کردن آنها سکوت صحرا را درهم می شکسته.

بعید نیست اگر زیگموند فروید خودمان در آن ایام به دنیا آمده و در «برشبا» مطب روانشناسی تحلیلی خودش را باز کرده بود اسحق از مشتریان دائمی و پرو پاقرص او می بود و یک عمر «آنالیز» می شد!

البته این لاطانات من همه اش حدس و فرضیه و استنتاج است و هیچ مدرکی برای رد یا ثبوت آنها در دستم نیست ولی فراموش نفرمائید در مقابل این «توطئه سکوت» (سکوت حق، سکوت ابراهام و اسحق و رو بهمرفته سکوت کرکننده بالای کوه موری) چاره ای نیست و باید بهر دری زد و هر فرضیه و تئوری را هر قدر هم بعید و عجیب و غریب و ظاهراً بی ادبانه و «نیمه کفر» هم جلوه کند یا قدری گستاخی و پرروئی و جسارت دنبال کرد و حلاجی و تجزیه و تحلیل کرد و مثل یک واقعه پلیسی دنبال برهه و مدرک گشت که شاید روزنه ای باز شود و یک راه حل یا نیمچه راه حل پیدا شود.

o o o

با این بلائی که بر اسحق آمده است اوحق داشته است یک عمر بدبین و عصبی و مملو از سوء ظن بار بیاید و بهمه چیز و همه کس مظنون باشد و محبت پدری را هم یک

«جوک» بداند ولی اودرس مناعت و کف نفس و بخشودن رابهمه ماداده است و روحش شاد باد و نور به دنده هایش بیارد.

اسحق از مظلوم ترین و صدیق ترین پدران ما است و از سلیم ترین و باگذشت ترین انبیاء و سرجنبنانان صدریهود و بدویکتا پرستی است. شاید این نظریه قدری تند باشد ولی او بطور قطع «نسی فریب خورده» ما است و هیچکس هم بفریاد او نرسیده و از او عذرخواهی نکرده. اسحق طی عمر ۱۸۰ ساله خودش اقل ۳ بار فریب خورده است و مدرک دارم: اودر کودکی از پدرش فریب خورده و سرپیری هم از همسرش ریبقا و فرزندش یعقوب ولی این آزاد مرد حتی یکبار هم لب به شکوه نگشوده و همه راهم بخشیده است.

وقتی ابراهام در پاسخ به سؤال معصومانه فرزندش (که هیزم های قربانی خودش را هم در سر بالائی کوه موری بدوش کشیده و نفس نفس میزده) میگوید: «باریتعالی خودش قربانی را فراهم خواهد کرد...» ماهمه مان برای پدر هورا می کشیم و مفسیرین هم قرن ها این جمله دو پهلوئی او را تفسیر می کنند و از هخما و حاضر جوابی و شفقت و ایمان و عقل و کیاست پدری که دلش خون بوده مات و مبهوت می مانند و از اینکه اسحق را نترسانده و متوحش نکرده باو درود و صلوات می فرستند و شاید هم تا حدی ذیحق هستند ولی مادردل می دانیم که حقیقت امر را نگفته و (پوست کهنه عرض کنم) فرزندش را فریب داده. البته هدف عالی بوده ولی روش چندان چنگی بدل نمی زند.

وقتی هم صد و خورده ای سال بعدش ریبقا پوست بزغاله ای را بدوردست های پرسوگلی خود یعقوب می پیچد و او را روانه خیمه شوهر پسر و تقریباً نابینای خودش می کند دارد اسحق را فریب می دهد (باز هم شاید هدف در اینجا بدنبوده ولی وسیله رسیدن به هدف خیلی کاشرنیست). و وقتی هم یعقوب (هیچکس نمی داند با اجبار یا طیب خاطر) دستور مادرش را اجرا می کند و خودش را عوض عیسو (برادر پرمو و پر پشم خودش) جا میزند دارد پدرش را فریب می دهد و نمی توان اغماض کرد و گفت «پشمش بدان!»

نعره و ضجه ای هم که عیسو (بعد از فهمیدن این ماجرا و محرومیت خودش از دعا و برکت پدری برای فرزند اول) از ته دل می

کشد از مخوف ترین و دلخراش ترین نعره های تاریخ پرشروشور چهار پنج هزار ساله یهود است و یعقوب و مابازماندگان یعقوب را خیلی سربلند نکرده است و در «ناخودآگاه امتی» مایعنی در «کلکتیو آن کاننشس» یک یک ما تا ابد الابد مثل غرش رعد و برقی مخوف صدایش منعکس خواهد بود و هیچ راه فراری هم نیست چون هیچ راه توضیحی نیست.

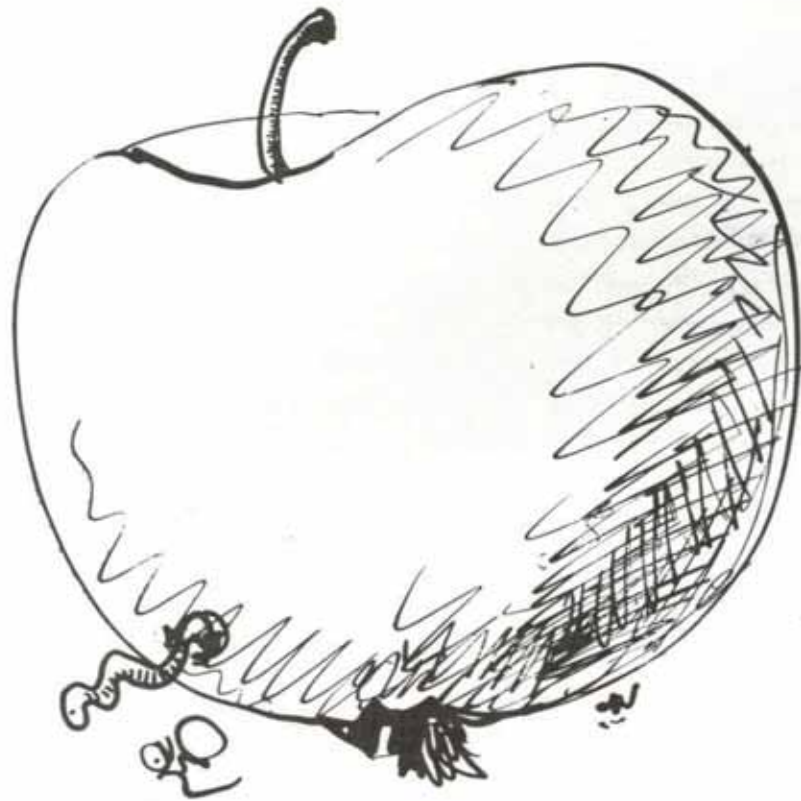
جالب اینجاست که استادان و پژوهشگران و مفسرین و رواه های ماهم که در این چند هزار سال کوشیده اند همه سؤال ها را پاسخ بدهند و همه معماهای تورا را حل کنند یک نکته اساسی از نظرشان دور مانده است و سوراخ دعا را ظاهراً گم کرده اند و آن این که در پاسخ به مسائل مذهبی و توراتی و ماوراء الطبیعه بعضی مواقع نداشتن جواب خودش بهترین و عاقلانه ترین جواب ها است. آخر در کجا نوشته است که ما باید پاسخ به همه سؤال ها و چراهای زندگی را داشته باشیم؟ اظهار عجز و نادانی که تنگ و عار نیست.

من خیال می کنم دو گروه غیر قابل تحمل هستند و انسان را عاصی می کنند: یکی آنهاست که (به خیال خودشان) پاسخ همه سؤال ها و مسائل زندگی را دارند و یکی هم آنهاست که جواب هیچ یک از سؤال ها و چراهای عمر را ندارند.

آیا خیال نمی کنید باری تعالی (بخصوص در مسائل مذهبی) بعضی سؤالات را عمداً غیر قابل جواب تعبیه و طلسم کرده که مابه عجز و ناتوانی خودمان اعتراف کنیم و یا غمی نشویم؟

سؤال ها و چراهایی مثل «تعبید آدم و حوا از بهشت» (برای یک سبب بی قابلیت و شاید هم کرمو)، «محروریت عیسو»، «فریب خوردن اسحق»، «پشت درماندن» موشه ربتو و تهدید حق به انتقام گرفتن از ۳ پشت (یا بقول بعضی ها، هفت پشت)، از این تپ سؤال های طلسم شده و غیر قابل درک و غیر قابل حل هستند. این سؤال ها «خدا ساخته اند» و نه «بند ساخته» و آنچه خدا ساخته شد فقط خدا پاسخ آنرا و علت آنرا می داند و او هم معمولاً با ما قهر است و از دستمان کوچک شده و کمتر جواب سؤالاتمان را می دهد.

گویا فقط در بهشت است که جواب از سؤال زیادتر است (یا اصولاً سؤالی نیست). درجهت هم که مسلماً جوابی نیست و در زمین



خاکی ماهم سؤال خیلی بیش از جواب است.

در ماجرای پرفراز کوه مور یا عناصر ضد و نقیض و عوامل و شخصیت ها و عواطف و انگیزه ها و هدف ها و انتظارات مختلف بوضع سکرآوری درهم رفته اند و موزیک و موزائیک مهیبی بوجود آورده اند که نه قابل وصف است و نه قابل درک و همه خدایپرستان و عاشقان ابراهام را گیج و شیدا کرده است.

اصرار و سماجت اسرارآمیز باری تعالی در ادامه این آزمایش دردناک، طوفان و یران کننده احساسات و عواطف متضاد در قلب خونین یک پدر چاقو بدست و «مست از عشق حق»، چشم انتظاری و دلهره یک مادر پیر درخیمه ای فرسنگ ها دورتر از قر بانگاه، یک قوچ ز بان بسته، یک فرشته کم حرف و یک کودک نیمه عریان که از ترس دندان هایش بهم می خورده و دست و پا بسته بروی هیزم های مذبح ز بانش بند آمده بوده سراپای این درام آسمانی را تشکیل می دهند و هر کدام به تنهایی شوری در دل می افکنند ولی این صحنه «خدا ساخته» یک «کاتالیزت» آسمانی لازم دارد که درجه ذوب این عناصر

و این عوامل ضد و نقیض را بطور معجزه آسانی پائین بیاورد و قابل درک من و شما کند و این کاتالیزت، «معصومیت و تسلیم و رضا و سکوت» اسحق ده دوازده ساله است که مثل گوهر شب چراغ نور پاشیده و چشم را خیره کرده و پرفراز کوه مور یا یک چاقو کشی معمولی را تبدیل به یک چاقو کشی آسمانی کرده است و این کودک هم تا ابد الابد همه کودکان ده دوازده ساله را سربلند و روسفید کرده است.

اسرائیل طی تاریخ درختان و درعین حال دردناک چند هزار ساله خودش حوادث و وقایع سهمگین و عظیم و تکان دهنده فراوان داشته است ولی من عاشق و مفتون و کشته این صحنه ظاهراً محقر بالای کوه مور یا هستم چون عنصری اثیری و آن دنیائی و دهشتناک در آن موج می زند و روی دست همه زده است. کسی چه می داند شاید هر کدام از ما در زندگی خود (چه در دل پدر و چه در دل فرزند) ماجرای کوه مور یا به نحوی سرمان آمده است ولی بیاد نمی آوریم - شاید هم کوه مور یا سمبل زندگی همه ما است و خودمان نمی دانیم.

من مرتب از سکوت عمیق و مرگبار فرار
 کوه موریبا (در آن لحظاتی که اسحق برای
 قربانی شدن آماده می شده) صحبت می
 کنیم ولی می دانم خواهند گفت من یا عمداً
 یا از روی بی سوادی دارم غلومی کنم چون
 سکوت آنقدر هاهم عمیق و مطلق نبوده
 و فرشته باریتعالی یکی دو بار این سکوت را
 درهم شکسته است و بخصوص در دفعه دوم
 که دعا و برکت معروف باریتعالی را درباره
 ابراهام و اعقاب او تحویل می دهد (دعائی
 که قول می دهد جمعیت اسرائیل را از
 ستارگان آسمان و شن های کنار دریا زیادتر
 کند و آنان را بر دشمن فایق سازد... الخ).



حدس شما صحیح است و من عمداً این
 فصل دردناک و این دعا و برکت «بحقیقت
 نپیوسته» را مسکوت گذاشته ام چون خیال
 می کنم این وعده ها یک نوع تعارف و وعده
 شاعرانه بوده است و فرشته باریتعالی سرکیف
 و سردماغ بوده و از طرف اربابش این «دل
 خوش کنک ها» رابه ابراهام داده و گرنه همه
 مان می دانیم جمعیت اسرائیل هرگز از یک
 صدم جمعیت دنیا تجاوز نکرده و وعده «فایق
 شدن بردشمنان» خودمان هم قدری مولای
 درژش می رود و با «گالوت مادرزاد» چند
 هزار ساله ما و قتل و عام های بیشمار و از همه
 دردناک تر فاجعه هیتلر و شش ملیون قربانی
 انسان شک می برد که آیا حقیقه این وعده
 و وعیدهای فرشته خدا بر فرار کوه موریبا برای
 ما بوده است یا مثلاً برای چینی ها (که امروز
 از یک بلیون نفر هم گذشته اند).

با این حساب و با معذرت خواهی از
 کارگران و بازیگران کوه موریبا این دعا
 و برکت را نادیده می گیریم چون اگر من
 بخواهم این جنبه دردناک و این «برکت
 بحقیقت نپیوسته» را جلو بکشم و حلاجی کنم
 باز کلاهمان توی هم خواهد رفت و از ادامه
 بحث اصلی خودمان باز خواهیم ماند.

از یک بابت، اسحق ده دوازده ساله بر فرار
 کوه موریبا، بروی هیزم های قربانگاه وزیر
 برق کارد ابراهام در حالی که کائنات گوش
 به زنگ ایستاده بوده توسط حق «بر میتصوا»
 شده، مس وجودش تبدیل به طلای ناب
 و لبانش رامهر کرده اند، ولی تازه بدبختی
 او شروع شده است و طی عمر ۱۸۰ ساله
 خودش ظاهراً شب و روز با این زخم دروغی و
 سرطانی ملکوتی سروکله زده است.
 نمی دانم گوشه دستتان است یا نه:

بعضی ها عقیده دارند اگر اسحق حقیقتاً
 قربانی شده بود کمتر شکنجه می کشید:
 مرگ یکبار بود و شیون یکبار! ولی خیر. او
 روزی صد بار در عالم خیال قربانی شده
 و خونابه نامرئی او همه خانه زندگی و خیمه
 و مزرعه پدرش را در بر گرفته و مقدس کرده
 است.

او هر بار که پدرمادر یا یکی از
 خدمتکاران و چوپان های قبیله را چاقو بدست
 دیده است دلش توریخته و هر بار که ناغافل
 برق شیشی فلزی به چشمش خورده به لرزه
 افتاده و رنگ میت بخود گرفته است.

وقتی زخم و جراحات مرئی و جسمی بود
 و خون فواره زد انسان آنرا می بیند و مرهم روی
 آن می گذارد و دیر یا زود هم زخم التیام می
 پذیرد ولی زخم نامرئی این طور نیست. زخم
 و جراحات نامرئی و درونی خیلی دردناک تر
 و خطرناک تر و بیچاره کننده تر است و دائم
 خونابه نامرئی از آن می چکد و جوش خوردن
 آن هم هیفات است.

اسحق نونهال بلاشک این زخم منکر
 و نامرئی را در دل (و شاید هم گردن) داشته
 است و فقط او و باریتعالی خونابه نامرئی آنرا
 می دیده اند ولی هیچکدام صدای آنرا
 در نیآورده اند.

مسلماً اگر اسحق دوام نیاورده بود و بعد از
 ماجرای کوه موریبا قالب تهی کرده و یا مشاعر
 خودش را از دست داده بود و یا به مشروب
 و مواد مخدر پناه برده بود و حتی کارش به اینجا
 کشیده بود این داستان زیبا و «هزار معنی»
 بصورت یک جنایت یا حتی فرزند کشی در
 می آمد ولی باریتعالی و ابراهام هر دو در این
 واقعه شانس آورده اند. نطفه پاک و کف
 نفس اسحق هم خدا را از این تنگنا و مشخصه
 نجات داده، هم آبروی ابراهام و قبیله او را
 حفظ کرده و هم نسل اسرائیل را از انقراض
 نجات داده است. او بایک کرشمه سه کار
 کرده است و این بزرگترین شاهکار این نبی
 «سه بار فریب خورده» و کناره جو و با گذشت
 است.

شطرنج چند طرفه بین باریتعالی و بنده
 هایش تا ابدالابد ادامه خواهد داشت و بنده
 فلک زده هم تا ابدالابد «مات» خواهد شد
 ولی گویا نتیجه این شطرنج (۳ طرفه) بین
 خدا و ابراهام و اسحق بر فرار کوه موریبا یا
 مساوی بوده است یا اگر فردی هم در این میانه
 «مات» شده آن فرد اسحق نبوده!

اسحق سبک روح و معصوم، اسحق زودباور
 و پدردوست و بی خیال و بیشاش وقتی از
 قربانگاه برگشته دیگر آن اسحق قبلی نیست.
 درست است ظاهراً یک موئی هم از سر او کم
 نشده و حتی یک قطره خون هم از دماغش راه
 نیفتاده ولی من و شما می دانیم که باریتعالی
 با همدستی با ابراهام (البته بی آنکه بخواهد)
 در حقیقت خون این بچه را ریخته اند و اقل
 یکی از آنها باید مسئولیت آنرا بعهده بگیرد!

درست است کارد نیز ابراهام باشا هرگ
 اسحق آشنا نشده و کوچکترین خراشی هم به
 بدن جگر گوشه سارا وارد نشده و این بره نیمه
 جان، این بغچه خیس عرق و این کودک زهره
 ترک شده را پدرش بعد از یک هفته به خانه
 آورده و ظاهراً صحیح و سالم به سارا (که دلش
 هزارشور می زده) تحویل داده و اشک شادی
 هم در چشم همه شان حلقه زده است
 و پراخای گومل گفته اند و جشن گرفته اند
 و نقل و شیرینی پخش کرده اند ولی اسحق
 دیگر آن کودک «یک پارچه» و دست نخورده
 و خوشبین و مملو از عشق و امید نبوده و زخمی
 درونی و منکر بدل داشته.

البته زخم او و خون ریزی او درونی
 و نامرئی بوده است و کسی متوجه آن نشده
 و اگر هم شده سر پوش روی آن گذاشته.
 شکی نیست اسحق (اقل طی هفته ها
 و ماه ها و سال های اولیه) شب و روزی صد بار
 مرده و زنده شده و شب و روزی صد بار
 در خواب و بیداری ماجرای مخوف تپه موریبا
 مثل فیلم ترسناکی جلو چشم او آمده و او را به
 سرحد جنون کشانده.
 شاید این حرف بوی بی رحمی بدهد ولی

دکتر هوشنگ طبیبیان

HOOSHANG TABIBIAN, M.D.

عضو جامعه پزشکان ایران
امریکا و اسرائیل

- پزشک خانواده
- طب عمومی و بیماریهای داخلی
- بیماریهای پیران
- بیماریهای پوست
- چک آپ کامل

- با ارائه کارت بیمه، شما وجهی نمی پردازید
- برای کسانی که بیمه ندارند تسهیلات کامل در نظر گرفته می شود

- درمان و راهنمایی قانونی
- صدمات و تصادفات اتومبیل
- صدمات شخصی و کار

کلینیک مجهز به فیزیوتراپی، آزمایشگاه، الکتروکاردیوگرافی و رادیولوژی

2428 Santa Monica Blvd.
Suite 304
Santa Monica, CA 90404

شماره ۲۴۲۸ خیابان سانتا مونیکا
نیش بیست و چهارم - شهر سانتا مونیکا

تلفن ۲۴ ساعته (213) 829-3136

پارکینگ مجانی

دکتر فرشید رهبر

متخصص در بیماریهای داخلی

فوق تخصص در بیماریهای

گوارش، کبد و مجاری صفراوی، تغذیه
و مبارزه با چاقی

منطقه بورلی هیلز

465 N. Roxbury Dr., Suite 711
Beverly Hills, CA 90210

۲۴ ساعته (213) 271-5650
1-(800) 282-2531

پذیرائی ایام هفته صبح و عصر، با تعیین وقت قبلی

قبول
تصادفات رانندگی
صدور گواهی
قبل از ازدواج
فیزیوتراپی
چکاپ
با قیمت
بسیار مناسب

کلینیک پزشکی دکتر صیون فطوره چی

استاد سابق رشته بیماری های تنفسی و بیماری های داخلی

دردانشکده پزشکی تهران

با ۲۸ سال تجربه طبابت و تدریس

بیمه های مختلف پذیرفته می شوند و برای آنهایی که بیمه ندارند تسهیلاتی در نظر
گرفته شده است

پذیرائی ۷ روز هفته با تعیین وقت قبلی

نشانی: واقع در تقاطع و بلوار بلوار باجایان فدرال - مقابل ساختمان «ورلد سوئیگر»
بابارکینگ مجانی

West Wilshire Medical Center
11600 Wilshire Blvd., Suite 18
Los Angeles, CA 90025

تلفن ۲۴ ساعته

(213) 477-2129

متخصص
بیماری های داخلی
بیماری های تنفسی:
آسم، برنشیت،
تنگی نفس
بیماری های عمومی
• نوار قلب
• آزمایشگاه

دکتر ایرج کهن

پزشک و جراح بیماریهای گوش و حلق و بینی

با ۲۵ سال سابقه طبابت در ایران و آمریکا

436 N. Roxbury Dr., Suite 215
Beverly Hills, CA 90210

تلفن ۲۴ ساعته (213) 859-8550

16661 Ventura Blvd., Suite 415
Encino, CA 91436

(818) 784-6961

ایمان بزرگ



(Engraving by Gustav Dore)

واقعیت آنست که تفسیرهای گوناگونی که دانشمندان مذهبی از داستان عقدا نموده اند نشانه آنست که آنها نتوانسته اند پاسخ متفق القولی برای این عمل داشته باشند. زیرا بنظر تعدادی از این دانشمندان مگر خداوند به ایمان و وفاداری ابراهیم آگاه نبود؟ در این صورت چرا او را در معرض آزمایش قرار داد؟ آیا خداوندی که به همه امور دانا و بیناست از ابتداء نمی توانست نتیجه این آزمایش را بداند؟

اینجا است که برخی دیگر به موشکافی بیشتری پرداخته اند. تعدادی از اینان معتقدند جمله «خداوند ابراهیم را در معرض آزمایش قرار داد» را باید خداوند ابراهیم را مورد سرزنش قرار داد (تفسیر نمود) و به موجب این تفسیر عقدا یک آزمایش ایمان و وفاداری نبوده بلکه یک تنبیه الهی بوده است.

اما چرا ابراهیم مستحق تنبیه و سرزنش بوده است؟ این است که مجدداً به کلمه این امور که قبل از داستان عقدا واقع شده اشاره می شود و آن مربوط به پیمانی می شود که بین ابراهیم و ابی ملخ منعقد گردید و طی آن ابراهیم طی قرارداد صلحی قسمت هائی از سرزمین فرزندان خود را به ابی ملخ واگذار نمود. مفسران میدراش می گویند اگر چه

کردند و بطوریکه در میدراش می خوانیم که شیطان به خداوند شکایت برد که «پروردگارا به ابراهیم این مرد کهنسال و دوست صمیمی ات نگاه کن که بنا به مشیت تو در صدمالگی صاحب پسری گردیده به این مناسبت چنین میهمانی عظیمی ترتیب داده اما اهداء قربانی در آستان تورا رابه فراموشی سپرده است». در اینجا خداوند به پشتیبانی از بنده خود ابراهیم به شیطان پاسخ می دهد: «اگر چه ابراهیم این میهمانی را برای اسحق فرزند خود که او را از جان و دل دوست دارد ترتیب داده است معهذا اگر من از او بخواهم که او اسحق را برای من قربانی کند هرگز از اجرای این دستور سرباز نخواهد زد» و به همین جهت نیز «خداوند ابراهیم را در معرض آزمایش قرار داد».

تعدادی دیگر این امر را به مجادله اسحق و اسمعیل نسبت می دهند و اینکه چون اسحق به اسمعیل تخاصر کرد و ابراهیم در این مورد سکوت نمود لذا خداوند او را به این آزمایش فراخواند و به موجب این اظهار نظر جمله مندرج از تورا «آخر هیدواریم هاله» بمعنی بعد از این امور نیست بلکه بمعنی «بعد از این سخنان» است و منظور از این سخنان فخر اسحق بعنوان فرزند اصلی به اسمعیل است.

داستان عقدا یا بردن اسحق به قربانگاه برای قربانی شدن، از بدو تدوین آن تا کنون در بین مفسران و دانشمندان یهودی مورد بحث و اظهار نظرهای فراوان بوده است. بسیاری از آن بعنوان ایمان مطلق و بلا شرط انسان به خداوند یاد نموده آنرا نمونه غائی اطاعت از دستورات باریتعالی دانسته و الهام بخش بسیاری از فرزندان ملت ما، شمرده اند که در راه وفاداری به ایمان و عقیده و مرام یهودیت جان خود را فدا کرده و به درجه شهادت رسیده اند. اهمیت این واقعه چنان است که تعداد زیادی از مفسران معتقدند که بیت همیقداش یا خانه مقدس نه برفراز کوه سینا که تورا در آنجا به ملت اسرائیل اعطا شده بلکه بر تارک کوه موریا مکانی که ابراهیم آماده گردید فرزند خود را بعنوان ایمان مطلق خود به خداوند قربانی نماید و اسحق به این قربانی شدن گردن نهاد، بنا شده است.

داستان عقدا که ما آنرا در نمازهای روزانه خود نیز می خوانیم اگر چه مارابه قلیل رفیع و بی انتهای ایمان و اطاعت از دستورات خداوند رهبری می کند و به ما می آموزد که در زندگی چیزهایی وجود دارد که از خود زندگی گرانیهاتر است، معهذا مورد بسیاری از سؤالها و شک و تردیدها قرار گرفته است. نویسندگان میدراش خصوصاً کوشش کرده اند که هاله های ابهام آمیزی که سراسر این داستان را، گرفته است بشکافند و آنرا به نحوی منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. همان گونه که روش دانشمندان یهودی است آنها نخواسته اند بسیاری از سؤالها را بی جواب گذاشته و بر شک و تردیدهای احتمالی سر پوش بگذارند بلکه خواسته اند برای این سؤالها پاسخ درست و مورد قبول بیابند.

برخی از این نویسندگان و مفسرین داستان عقدا رابه فصل ماقبل آن مربوط می دانند که گفته شده است «واقع شد بعد از این امور که خداوند ابراهیم را در معرض آزمایش قرار داد». از این مقدمه چنین نتیجه گرفته اند بین اموری که قبل از عقدا واقع شده با آزمایش ابراهیم ارتباط کاملی وجود دارد اما این امور یا چیزها چه بوده اند؟

بموجب یکی از اظهار نظرها منظور از دستور خداوند اخطار به افکار شیطان بوده است و این امور اشاره است به میهمانی مجللی که ابراهیم و سارا برای اسحق برگزار

دکتر امید نسیم

پزشک خانوادگی شما دارای ۲۵ سال
تجربه پزشکی

محقق آنزیم Lysozyme در تشخیص بیماریهای مختلف و مننژیت های باکتریائی

پزشک بیماریهای عفونی
کنترل وزن و آلرژی بامشاورین ماهر در تغذیه
تشخیص بیماریها با اولترا ساند
فیزیکیال تریابی و درمان صدمات حاصله از تصادفات

همکاری مستقیم بامشاورین متخصص بیماریهای قلب
وعروق وریه

16661 Ventura Blvd., Suite 415
Encino, CA 91436

تلفن ۲۴ ساعته (818) 784-1278



DOCTOR OF PODIATRIC MEDICINE
AND SURGEON

دکتر روبرت خرمیان

جراح و متخصص پا

منخصص وفارغ التحصیل امریکا

اولین جراح و دکتر پودیتریک، در جامعه دکتران ایرانی لوس آنجلس

- | | |
|------------------------------|-------------------------------------------------------|
| Ulcers and Wounds | نقص عضو مادرزادی پا - عفونت و زخم های عمیق پا |
| Birth Defect of the Feet | بیخچه - درد شدید کف پا - بیماریهای مفاصل و استخوان پا |
| Heel Spur and Arch Pain | جراحات ورزشی - بیماریهای پوستی و فارج وزگیل پا |
| Joint Disease - Edema | جراحات و بیماریهای عضلات پا |
| Bunion and Hammer Toes | درد و بیرون آمدن رگهای پا |
| Tendonitis | بیماری و کجی ناخن پا - خمیدگی و کجی انگشتان پا |
| Dermatitis and Warts - Corns | گذشتن کف طبی برای کسانی که پا |
| Variocose Veins | درد دارند، در اثر ایستادن و راه رفتن زیاد - صافی پا |
| Flat Feet and Pronation | و کج گذشتن پا مخصوصاً در کودکان - ورم پا |
| Sports Medicine | جدیدترین تکنیک در عمل جراحی پا |
| Ingrown and Diseased Nails | جراحی پلاستیک پا |

2222 Santa Monica Blvd.,
Suite 301
Santa Monica, CA 90404

(213) 829-1866

دکتر مورتسی مهربان

متخصص در بیماریهای داخلی از انباشگاه کورنل

فوق تخصص در بیماریهای قلب و عروق و بیمارستان مونت سینای

عضو آکادمی پزشکی داخلی و قلب امریکا

دارای نورد تخصصی در امراض داخلی از امریکا


12304 Santa Monica Blvd., Suite 217
W. Los Angeles, CA 90025
(213) 820-9494
(213) 820-6170
1-800-MEHRBAN

دکتر پرویز پیرنظر

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان از امریکا

عضو بیمارستان های Saint John's, Cedars-Sinai (Sedars-Sinai) and Santa Monica

10921 Wilshire Blvd., Suite 1110
(Westwood Medical Plaza)
Los Angeles, CA 90024
Tel: (213) 824-0049



دکتر ا. بخاتان

دارای نورد تخصصی در بیماریهای پوست از امریکا

درمان بیماریهای پوست، جوش، صورت، ریزش مو و بیماریهای مفاربتی

Spider Veins یاها واریسی واریسها

بطرف کردن موهای زاید و جراحی صورت صورت لیزر و جراحی بینی بدن

بطرف کردن کندن لکهای صورت پوسته پوسته

Chemical Peel

بطرف کردن لکهای صورت پوسته پوسته

1674 Hillhurst Ave.
Los Angeles, CA 90027
(213) 664-2181

آورم، شما نترسید!»

ما می ترسیدیم، اما عزیزی نه! ما از ترس خود خجالت می کشیدیم و او واهمه ما را به ریشخند می گرفت. مامان و منال باخته ایم و به عزای آن نشسته ایم، چیزی که باز می توان بدست آورد و اگر هم بدست نیاید، بدون آن می توان زیست. اوداشت زندگی می باعث و شادمانه لحظه ها را گرمی می داشت. مای خاطر او در دل می گریستم و او به غم ما می خندید.

روزی بمن گفت: «وقتی من رفتم، شمایی من چه غلطی میکنید؟ خودتان را با کی مقایسه میکنید که بنشینید و بگویند: نه، الحمدالله من که چیزیم نیست، باید یک نان بخورم و صدتانان شکر کنم که مثل عزیزی نشدم؛ و بالاخره، پیش چه کسی می روید که گره کارهایتان را باز کند؟»

باو گفتم: «بهترین راه حل این مسأله این است که هر چه گفتنی داری رادر نواری ضبط کنی و بگذاری باشد تا وقتی رفتی، دستوراتت بجا باشد.»

باین گفته من آنقدر خندید که اشک از چشمانش جاری شد و از آن پس، هر بار که از او احوالپرسی میکردم، می گفت: «نوار موار خبری نیست. دلتنگی؟ بیایش خودم تا دلداریت بدهم.»

روزی که درگذشت، همسرش - شیرزنی که در طی تمام سالهای بیماری عزیز در کنارش ماند و با ایثار و عشق از همسر خود نگهداری کرد، بمن گفت:

«دیدی رفت و نواری بجان گذاشت!»

من آنروز پاسخی نداشتم که باین بانوی داغدار بدهم، ولی حالا که فکر می کنم متوجه می شوم که در گوشه های ذهن ما و در سینه هامان گفته های این دلاور ریز نقش، نقش بسته است و حماسه مردانه زیستش چون رهنمودی است فراراه زندگی پرسنگلاخ ما و بالاخره نوار زندگی دلبرانه او، روز و شب در مقابل دیدگان ماست.

عزیزی قافله سالار شادی بود و ریشه در نور داشت. نوری پایا و همیشه ماندگار. پس نگوئیم داشت و بگوئیم دارد. او ریشه در نور دارد. آن بالا، همسایه خورشید است. گوئی خورشید هم به گرمای وجود او نیاز دارد. عزیزی همیشه برای من یادآور این شعر زیبا است:



پاره های اندوه و شادی

نوشته: ص. ابراهیمی

همسایه خورشید

عزیزه، از کجکشان دور می آمد. به کره خاکی ماتعلق نداشت. شاید هم، آنقدر که خاکی بود، او مردی بود زمینی و ماهمه شهر وندان ناکجا آبادی ناشناخته. او را امروز به خاک سپردیم.

عزیزی صدایش می کردیم. اینطور دوست داشت. قدی متوسط، چشمانی ریز، سیاه و نافذ و صورتی کشیده بالبخندی معصوم، کودگانه و سرشار از صداقت. عزیزی نماد مسلم مردانگی بود و شیردلی. دلی که بدست جراحان دریده شده و دوخته شده بود و بعد از آن نیز چندین بار و هر بار به ابتلائی سخت تراز بار قبل، شکم و سینه او را دریده بودند. و هر بار که از بستر بر می خاست، هر چند تکیده و بی

رمق، ولی پرصلابت و مصمم، بالبخند همیشه خود می گفت: «این بار هم اجل را قال گذاشتم!»

مرثیه خوانی در حد من نیست، ولی اگر این توانائی را هم داشتم، برای عزیز نمی شود مرثیه خواند. بیشتر از بیست سال با اجل جنگید. او با جنگ افزار مردانگی و فرشته مرگ باجسته ای پراز تیرهای زهرآلود بیماریهای گوناگون، آخرین تیر ترکش این همآورد تیر و کمان بدست در این رزم نابرابر، بیماری بدخیم سرطان خون بود. باخته می گفت: «اجل از دست من به خدا شکایت برده. فکرش را بکن - به قلب و طحال و روده و هر جا رسیده تیراندازی کرده و غلطی نتوانسته بکنند. من بابای این سرطان را هم در می

تا آنچه که میهمانان بالذت خورده اند، گوشه ای تنها نشسته و میان آنهمه شلوغی و همهمه، بالیوان آبجوی خودم خلوت کرده ام.

صدائی مرایه خود می آورد. مردی است که کنار من نشسته. خود را معرفی می کند. اسمش عبدالله است و در یک بازارچه در پائین شهر، غرفه جواهر فروشی دارد. معمولی ترین پرسشی را که میان هردو ایرانی آواره ای رد و بدل می شود، مطرح می کند: «از ایران چه خیر؟ و معمولی ترین کاری را که هر پرسشگر این سؤال می کند، انجام می دهد - یعنی خودش جواب می دهد و پاسخ هم همان طرز فکر باسمه ای همه گیر است که کار، کار انگلیسی هاست!

شمارا نمی دانم، ولی من این روزها اینقدر از شنیدن این نوار تکراری خسته شده ام که وقتی کسی در این باب آغاز سخن می کند، در حالیکه برای آنکه بی ادبی نکرده باشم، سرم را برای او (بعلامت تصدیق) تکان می دهم، می گویم به چیز دیگری بیاندیشم، اما سرکار ایشان چنان بلند حرف می زدند که به فکر امان گریختن نمی دادند.

عبدالله خان از انگلیس ها شروع کرد، دلش برای امریکائی ها که انگلیس ها کلاه سرشان گذاشته بودند سوخت و نقش مردم را در همه این دگرگونی ها به صفرانگاشت - و من لیوان آبجویم را در دست می چرخاندم، طرح هائی را که رسوب کف آبجو بر دیواره لیوان بوجود آورده بود تماشا می کردم و آبجوهای وطنی را بیاد می آوردم: شمس، مجیدیه، آرگو - یکی دیگر هم که این اواخر آلمانها درست می کردند - خدایا اسمش چه بود؟

بحث عبدالله خان، بناگاه از مسائل سیاسی راه کج کرده سر از گرفتاریهای اجتماعی مادر غربت در می آورد. متوجه می شوم که برخلاف پایگاههای فکری سیاسی سنتی محجوروش، دیدگاههای او در مسائل اجتماعی شیدنی است. با هم به عبدالله خان گوش می دهیم:

«بسنده وقتی به کلاس دوازده رسیدیم، از نظر استطاعت عقلی به نفس نفس افتاده بودم. از شما چه پنهان، خیلی از درس خواندن بدم می آمد. نتیجه امتحانات ثلث اول افتضاح بود - خیلی بدتر از آنچه من توقع داشتم. نمی دانستم چه اتفاقی افتاده تا کارنامه ام



و پرسید: «این چه شامی است که اینهمه از آن سخن میگوئی؟» درویش گفت: «روزی به کلبه درویشی من درآ تا از آن شام بتو خورام.»

مرد تروتمند، فردای آنروز بخانه درویش رفت. برگلیمی نشست. درویش ساعتها از هردری با او سخن گفت. مرد برآشت و طعام طلب کرد. درویش ضربه ای به دیوار کوبید، همسرش کاسه ای آبگوشت و چند قرص نان جو جلوی آندو گذاشت. خوردند. ساعتی گذشت. مرد پرسید: «پس کوآن شامی که از آن سخن می گفتی؟» درویش به دیوار کوبید و به همسرش ندا در داد: «مهمان ما باز طلب طعام می کند.» زن به بازمانده آبگوشت، آبی اضافه کرد و جوشاند و جلو آنان گذاشت. درویش که شگفتی مهمان خود را دیده بود گفت: «اگر ده روز دیگر هم اینجا بنشینن همین آش است و همین کاسه!» مهمان گفت:

«پس اینهمه که می گفتی: شام، شام، خانه درویشان، مرادت چه بود؟» درویش گفت:

«در خانه تو شام از گفتگوی من و تو برتر بود، در این چار دیواری لذتی که من و تو از مصاحبت یکدیگر می بریم، غذای جان ماست و گواراتر از هر غذائی!»

ooo

روزگار تان خوش و عبیدتان مبارک!

را گرفتم و تازه متوجه پدیده آزار دهنده تازه ای شدم با اسم ضریب و آموختم که این ضریب لا کردار. (به مصداق مثل آنچه را آنچه تر می کند) نمره خوب را دو چندان خوب و نمره بد را صد چندان بد می کند!

مسائل زندگی ما هم در این غربت همه ضریب پیدا کرده. شباهه همین مهمانی نگاه کنید. ماکی در ایران در یک مهمانی اینهمه اصراف می کردیم. اصلاً ماکی اینهمه مهمانی می دادیم. تازه به صورت خانم صاحبخانه نگاه کنید، دارد می گوید: اگر جرأت داری برو روی دست من و از من بیشتر ریخت و پاش کن تا در مهمانی بعدی چنان پدری از تو در بیاورم که حفظ کنی! اینجا نمایشگاه مدولباس است و تقاضا و خودتمانی نه مهمانی که دودوست کنار هم بنشینند و با هم گپی بزنند و از با هم بودن لذت ببرند.»

عبدالله خان حرف میزند و من بیاد می آورم این داستان را که نمیدانم سالهای پیش کجا خوانده ام:

گفت: درویشی به خانه مردی مرفه درآمد. صاحبخانه انواع طعام لذیذ فراهم آورده بود اما هر کدام را که درویش می خورد، می گفت: «شام، شام، شام خانه درویشان!» صاحبخانه که سخت کنجکاو شده بود، هرطعامی که در خانه داشت باو خوراند و باز درویش تکرار کرد: «شام، شام، شام، شام، شام، شام، شام، شام». صاحبخانه به خشم آمد

FIRST CREDIT MORTGAGE

میتخص دروام ملکی

باکمترین بهره بانکی در

کویتهترین مدت

در صورتی که شغل واعینار بانکی هم
بداشته باشید ما می توانیم وام
در اختیارتان بگذاریم

بامدیریت: مورس نعماندوست

8797 Beverly Blvd, #319
Los Angeles, CA 90048

(213) 657-2900

راهنمای سال

منبع اطلاعاتی ایرانیان

منتشر می شود

جهت کسب اطلاعات بیشتر و درج پیامهای بازرگانی
با تلفن ۶۵۹-۱۱۷۶ (۲۱۳)
تماس حاصل فرمائید.

جهت دریافت «راهنمای سال» بطور رایگان

و یا ارسال آن جهت دوستان، آشنایان و یا اقوام خود، در کالیفرنیا

و یا دیگر ایالات امریکا نشانی خود و آتان را به آدرس زیر

ارسال فرمائید.

RAHNAMAYE SAAL ©

POST OFFICE BOX 2849

BEVERLY HILLS, CA 90213

(213) 659-1176

برای جهیزیه عروس

وسلیقه ایرانی

زیباترین مجسمه های برنز همه اندازه
انواع نقره های نو و آنتیک، قلم شیراز و اصفهان،
کاسه بشقاب - سینی، میوه خوری،
سرویس چای نقره،
بهترین اجناس چینی
مانند کاسه بشقاب - گلدان و گلکار،
مجموعه ای از زیباترین اجناس سه پوست
و کندن ایرانی،
جارهای بارفتن، شمعدان سه
پوست تنگ کندن و بارفتن،
قالی های
کاشان ۱۰ الی ۱۴ متری بسیار اعلاء
قالیچه های ابریشم اصفهان - نائین
و قم درجه یک،
انواع طلاهای ایرانی، زنجیر بزودی
وسکه ربع پهلوی، سکه های تاجگذاری
و گردنبند و النگوی طلا، کیسه سیسیت
و کلاه مخمل، ملبله دوزی باطلا و نقره،
لباس و روسری و سر بخار بخاری، تورنقده،
میناتور های ایرانی آنتیک و نوروی
عاج باقاب خاتم.

آدرس:

Farmers Market Art and Antique Gallery
140 N. South Fairfax Ave., Los Angeles, CA

تلفن: (213) 931-4804
(213) 937-2734

IRANIAN JEWISH YOUTH ORGANIZATION

سازمان جوانان یهودی

وانسته به قدر استون یهودیان ایرانی

برنامه کردهائی جوانان

سازمان جوانان وانسته به قدر استون یهودیان ایرانی خویشاکی است به اطلاع جوانان یهودی برسایند که برای سال ۱۹۸۷ اقدام به برگزاری جشنی در تهران مخصوص جوانان کردهائی می نماید. اطلاعیه را نگهداری نموده و جوانان را تشویق به برگزاری در این زمینه می نماید. اطلاعیه را نگهداری نموده و جوانان را تشویق به برگزاری در این زمینه می نماید. اطلاعیه را نگهداری نموده و جوانان را تشویق به برگزاری در این زمینه می نماید.

شنبه	۲۸ مارس	شنبه	۲۲ اگست
شنبه	۱۸ آوریل	شنبه	۱۹ سپتامبر
شنبه	۳۰ می	شنبه	۱۴ اکتبر
شنبه	۲۷ جون	شنبه	۲۸ نوامبر
شنبه	۱۱ جولای	شنبه	۲۵ دسامبر

محل برگزاری جشن ها در «وست ساید» خویشاکی استون یهودیان ایرانی می باشد. شروع از ساعت ۹ بعد از ظهر ۵۸۷۰۰ الممشک بولوار، دو بلاک شرقی فرفکس می باشد.

بندبرائی: کوکلی همراه ناموزنگ

هدیه ورودی ۵ دلار

لطفاً برای تهیه کارت ورودی با کیشه سالن در شب در این شماره تلفن زیر تماس حاصل فرمائید:

(۲۱۳) ۵۵۵-۷۷۳۰ قدر استون یهودیان ایرانی
(۲۱۳) ۹۳۹-۷۵۹۲ آقای مهندس آریانا

این برنامه فقط مخصوص جوانان یهودی است

West Side Jewish Community Center
5870 West Olympic Blvd., Near Fairfax Ave.

بود و نتوانسته بود به مدرسه برود مادرش او را به محل کار آورده بود. من یک نظر او را دیدم. روی صندلی خوابش برده بود و لیزا زاکنش را روی پاهای او انداخته بود. من فقط توانستم آرزو به هلموت یک «های» بگویم. دیگر او را ندیدم. دیگر او را مادرش به محل کار نیاورد.

وقتی «هلموت» متولد شده مادرش خیلی کوشیده که اسم او را بیاد پدر بزرگش «هاسکا» بگذارد. اما مأمورین ثبت این اسم را در «فرهنگ اسامی» پیدا نکرده اند و تقاضاتامه او را بهش پس داده اند. لیزا پرسیده است پس چه اسمی می تواند روی پسرش بگذارد. جواب روشن بوده است. لیزا لحظه ای بیاد مادر بزرگش «هایکا» افتاده و بعد تصمیم گرفته که لااقل نامی را انتخاب کند که با حرف «ه» شروع بشود. مأمورین حتی از قبول نام هلموت هم اکراه داشته اند چون این نام رانیز در فرهنگ نیافته اند. اما هلموت نام بازیگر معروف هاگر آرزو بوده و بالاخره آنرا پذیرفته اند.

لیزا همیشه از هلموت می گوید. پسر کوچک او بزرگترین عشق و امید زندگی اش است. از او تعریف می کند. از دست او عصبانی می شود. نگران اوست و قر می زند که «اخلاقش به پدرش رفته. مثل او کله شق و لجوج و یکدنده است. انگار خدا دو بار مرانتیبه کرد. دیشب که داشتم ظرفها را می شستم یک مرتبه یادش آمد که برای مدرسه خط کش یک فوتی می خواهد. گفتم فردا. گفت نه. گفتم تا برایت نخرم سرکار نمی روم. گفت همین الان. گفتم بخواب. گفت تا خط کش را برابم نخری نمی خوابم. گفتم مغازه ها بسته اند. گفت نه. گفتم هلموت! با من بحث نکن! گفت خط کش! خط کش یک فوتی!... اصلاً بفکر افتاده ام بفرستم برود پهلوی پدرش».

پدر هلموت دروین است. از مادر طلاق گرفته. چرایش را نمی دانم. ظاهراً از روسیه که آمده اند با هم بوده اند و بعد دروین از هم جدا شده اند. لیزا گاه خودش را سرزنش می کند که مادر خوبی نیست. هیچ مادر خوبی نیست. چرا که آنطور که باید هوای هلموت را ندارد و مواظب اون نیست. امروز که مدرسه هلموت تعطیل بوده لیزا او را پیش دختر خاله اش که در یک هتل کار می کند فرستاده. قرار است تمام روز هلموت در «لانج» هتل



خانمی از روس

از: دکتر هوشنگ ابراهمی

صدای آنها را می شنوم و من آنچه از او می دانم بیشتر از همین گفتگوهاست. اطلاعاتی بریده بریده و گاه نامربوط. گناه را بگردن من نیاندازید. در این مدت اغلب بفکر آن بودم که زندگی لیزا را درست و حسابی روی کاغذ بساوم اما دریغ که امروز دست من دیگر کوتاه مانده است و اینها را از ترس اینکه میادا از یادم برود روی کاغذ آوردم.

به تدریج متوجه ته لهجه او می شوم. «ریترن» به معنی برگشت را «ریتورن» تلفظ می کند. حتی بعد از مکالمه تلفنی خصوصی به زبان روسی، باز شک من نسبت به ملیت او از میان نرفته است. به همین خاطر از او می پرسم: واقعاً شما روسی هستید؟

می گوید: من یهودی ام!
و باچه غروری. تعجب می کنم من از مذهب شما نپرسیدم.

می گوید: می دانم. در روسیه ما خودمان را از روسها جدا می دانیم. بین «روس روس» و «یهودی روس» فرق است. لیزا یک پسر دارد که اسمش «هلموت» است. هشت نه سالش باید باشد. او هم در روسیه بدنیا آمده. یک روز که سرماخورده

از روزی که مدیر مؤسسه او را به من معرفی کرد تا به امروز بیشتر از چهار ماه و چند روز نگذشته است.

صحنه معرفی خیلی سریع و تشریفاتی است. آقای مدیر می گوید: «لیزا، خانمی از روس» لیزا نگاهی می کند و چیزی نمی گوید. فکر می کنم بین آندویک شوخی ساده ردوبدل شده. باورم نمی آید که لیزا اهل روسیه باشد. چشمانی درشت و سبزه، موهائی بلند و بلوند و اندامی ظریف دارد. هر چه درته مانده خاطره هایم می گردم تا شاید مشابه او را در یکی از آثار گوگول، داستایفسکی، پوشکین، تولستوی و یا چخوف و گورکی ببینم نمی شود. زنها یا خرس و خپله و گنده اند یا مریض و مسلول. یا مثل ناتاشا و آلیوشا نجوانند و یا مثل «مادر» پیرو لچک برس. با دید محدود و خسته ام دردشت وسیع ادبیات روس زنی میانه سال را با ظاهر لیزا پیدا نمی کنم. به همین خاطر نایکی دوروز روسی بودن لیزا را وصله ای می دانم که به مناسبتی به تنش چسبانده اند. بین من و او یک دیواره ساده و باریک فاصله است. لیزا با همکارش «جاننت» که حرف می زند

دستشان در کار بود و خبر از ورود کفش خارجی داشتند فروش رفته بود. لیزا باخشکی و خشونت آشنائی عمیق دارد. شاید از همین روی است که قدرت تحملش زیاد است. وقتی که فارغ التحصیل شده و مشغول بکار، خودش و همکارانش زیر دست سر پرست «اوکرائینی» جرأت کج جنبیدن و مجال نفس کشیدن نداشته اند. تعریف می کنند که چطور یک روز یکی از دوستانش که احساس گرسنگی بسیار می کرده دزدانه از محل کار خارج شده و دوان دوان از فروشگاه نزدیک چیز خوراکی خریده و نفس زنان بازگشته و ناگاه سر پرست او در برابرش سبزشده و دختر جوان از ترس رنگ باخته و مثل بید بلرزه افتاده.

من اگر از لیزا سؤالی بکنم مربوط به یهودیان روسیه می شود. لیزا می گوید: مذهب را کشته اند. واقعاً کشته اند. مادر بزرگ من مراسم مذهبی را تاحدی که می شد پنهانی مراعات می کرد. در نسل مادرم مذهب رو بمرگ رفت و در نسل من مرد. در مدرسه، در کارخانه، در سینما، از طریق تلویزیون و روزنامه ها و از هر راه دیگری که توانستند بنای دین را خراب کردند. وقتی یوری گاگارین از فضا برگشت پسر زنی از او پرسید «پسرم. خدایا در آسمانها دیدی؟» گاگارین جواب داد «در آسمانها خدائی نیست» و این جمله او را بزرگ کردند

و همه جاتوی خیابان ها، مکان های عمومی، مدارس و هر جا دستشان رسیده بود چسباندند. در تمام شوروی دوتا کنیسا نگه داشته اند. ساختمان هایش را البته. یکی در مسکو یکی در استالینگراد. آنهم برای این که به دنیا نشان بدهند آزادی مذهب هست و محدودیتی در کار نیست. چه مذهبی که خودشان آنرا به مسخره گرفته اند. در بالای دیوار کنیسای مسکو، جایی که بیشتر برای بازدید خارجیان بکار می رود این عبارت رانصب کرده اند: «خداوند! حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را جاودان نگهدار»، در جاهای دیگر، در شهرهای دیگر نشانی از کنیسا نیست. مگر اینکه چند نفری پیرو کهنسال در خانه یکی پنهانی جمع شوند.

لیزا تعریف می کند که: کلاس هفتم یاهشتم بودم. خانواده های ما بهم نزدیک بودند. مادریک شهر کوچک زندگی می کردیم. عید پسخ بود. مادر بزرگ با چند تا از همسن و سالهای خودش در خانه نان مخصوصی درست می کردند. نمی گوید مصایا متصا - می ترسیدند و هیچان زده بودند. نانها را پخته بودند و داشتند جمع می کردند که محکم در زدند. مادر بزرگ نانهای مخصوص راپوشاند. پلیس بود. خانه هائی را که شک می برد برای عید پسخ نان درست می کنند می گشت. آمدتو، باخشونت و عصبانیت پرده را از روی نانها کشید و همه را جمع کرد و در زباله دانی ریخت و بعد

باصدای بلند فریاد زد که: نمی دانید که اینکار غیرقانونی است! غیر بهداشتی است! این سومین خانه ایست که در این محل امروز برخلاف دستور حکومت عمل می کنند. اگر تکرار کنید جای همه تان توی زندان است. یهودیت در ذهن لیزا کشته شده است. فردای روز کیپور در می یابم که او روز قبل مشغول بکار بوده. حتی اول وقت توی زیرسیگاری اش دوتاته سیگار می بینم. از روش هاشانا و سمخاتورا و معدسوکا هیچ نمی داند. دست های او هیچگاه بعنوان یک مادر یهودی شمع شب شبات را روشن نکرده اند. بر میتصوای هلموت برای او چیزی نیست که حتی از فکرش خطور کند. آیا او در این رهگذر تشهاست؟ آیا میلیونها انسان دیگر چون او قربانی نشده اند؟ باینکه لیزا از مذهب اجدادی اش هیچ نمی داند برای من هنوز تعجب آوراست که چرا وقتی از او پرسیدم که آیا واقعاً او روسی است باغرور جواب داد که «نه من یهودی ام».

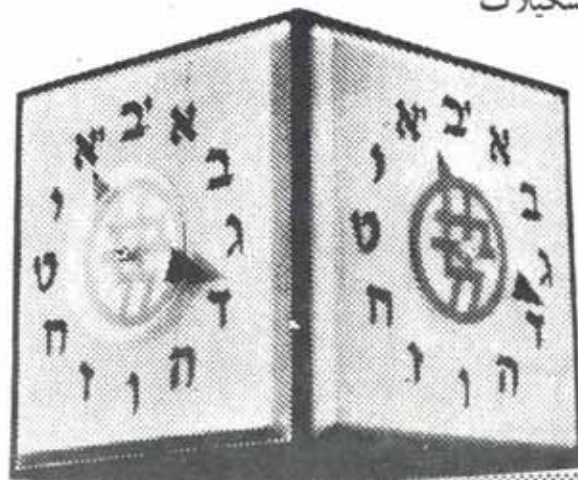
امروز لیزا را باخاطر نامرتب بودنش «فایر» کردند. مدیر مؤسسه دستور داد که چک نهائی اونوشته شود. ساعت نه ونیم صبح کارت حضور غیابش را که سرچاپش گذاشت آخرین چک حقوق او را دادند. وقتی بعنوان خداحافظی سرش را تککان داد چشم های اشک آلودش راپست. نمی دانم چرا امروز بهتر از روزهای دیگر خود را آراسته بود.

آتمسفر بانک لئومی دوستانه، راحت و با سابقه طولانی بانکی است، اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که بانک لئومی یک تشکیلات ۲۰ بلیون دلاری و یکی از صدها بانک بزرگ جهان است.

در بانک لئومی به سپرده های ثابت، حسابهای مانی مارکت و حسابهای جاری شما بهره بالا پرداخت می شود. ضمن اینکه هر صاحب حساب معادل ۱۰۰۰۰۰ دلار توسط سازمان F.D.I.C. بیمه می باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر در شعبه انسینوباتلفن ۱۸۳۶-۹۰۶ (۸۱۸) و در شعبه بوریلی هیلز باتلفن ۷۰۰۱-۲۷۸ (۲۱۳) تماس حاصل فرمائید.

בנק לאומי bank leumi le-israel



FDIC

9731 Wilshire Blvd., Beverly Hills, CA 90212 213/278-7001 16530 Ventura Blvd., Encino, CA 91436 818/906-1836 Validated Parking

(213) 470-6454

1418 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024

TOCHAL

(۴۱۳) ۴۷۰-۵۴۵۴

توخال واقع در ۱۴۱۸ وست وود بلوار جنوب ریستوران شهرزاد

کنود یک سوپر مارکت مخیر ایرانی خیران شد

تأسیس توخال

دیگر لازم نیست برای خرید شیرینی، آجیل، میوه، سبزی، گوشت، ماهی و سایر مواد غذایی از این فروشگاه به آن معانه بروید

گامی موثر جهت رفاه بیشتر هم متهان

توخال

• Rentals • Out of Tow Service • Same Day Service • Business Suit • Rental & Sales

• سفارشات شما همانروز تحویل می گردد



gingiss

formalwear

گتسی

(بامدیریت ایرانی)

عرضه کننده بهترین و زیباترین لباس های خیران با بالاترین قیمت

برای فروش و کرایه

گتسی

واقع در شهرمن اوکس کال با طبقه دوم جنوب رانینگتون

Sherman Oaks Galleria
(818) 783-0924

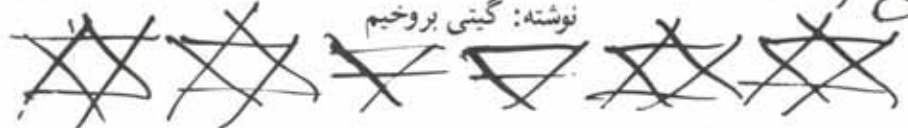
کهنه بنظر می آمد و گویا برنجی بود. اول مزوزا را برداشتم وزیر و رو کردم، از فرط ناراحتی احساس تنگی نفس می کردم. مغازه تاریک بود و بوی نا، قدمت و کهنگی به مشام می رسید. شوهرم عقب مغازه باعتباری فرود در حال صحبت بود. و من با مزوزای گل نقره ای خلوت کرده بودم. شاید برای شما هم تاحال پیش آمده باشد که با اشیاء به صحبت بنشینید، اعتقاد من بر این است که مانویسنده ها که ذاتاً موجودات حساس و نازک بینی هستیم زبان اشیاء را بهتر درک می کنیم اگرچه این زبان همانا زبان بی زبانی است. مزوزا به سخن آمده بود با من در باره صاحب اصلیش سخن می گفت. مرد مؤمنی که مثل همه یهودیان واقعی به محض بنا کردن یک خانه و قبل از این که هیچ اسباب و اثاثی به منزل نوبرده شود مزوزای گل نقره ای خود را با هزاران امید و آرزو به سر در ورودی خانه اش کوبیده است. یهودیان هنگام خروج از منزل دست بروی مزوزا می گذارند و دعا می خوانند. گاه مراد می طلبند و گاه از غم هایشان سخن می گویند و از خدای خود درخواست کمک می کنند.

مزوزای گل نقره ای که سالها بر چارچوب درخانه آن یهودی مؤمن اسپانیائی میخکوب شده بود بامن از غم ها، مسائل، آرزوها و شادیهای ساکنین آن خانه سخن می گفت. مرد مؤمنی که با همسر و فرزندانش دست خالی و به جبر و زور از آن خانه رانده شد و مزوزای گل نقره ای را تنها روی چارچوب و دیوار بجا گذاشت. مزوزا بامن از خون دل خوردن های آن خانواده هنگام ترک مسکن خود حرف می زد. و من اشک بر چشم آورده بودم و درد دلهايش را بگوش جان می شنیدم. مزوزا احساس می کرد که من غریب نیستم، من آشنای او هستم، آشنای صاحبان خانه ای که او به چارچوبش میخکوب بود. حس می کرد که سرنوشت خودش و ساکنان آن خانه برای من اهمیت دارد و مرا منقلب کرده است، مزوزا مرا افسون خود کرد و باز بان بی زبانی بمن گفت مرا از اینجا و از دست این مردی که مرا نمئی فهمد و نمئی داند دلیل وجودیم چیست نجات بده، مرا از این سرزمینی که این چنین به قوم تو ظلم و ستم کرد دور کن. مزوزا را محکم درمشت خود فشردم، انگار می خواستم احساس درونی



زبان اشیاء

نوشته: گیتی بروخیم



حداکثر رسید. کسانی را که حاضر به ترک مذهب نمی شدند یا به فجیع ترین روشها به قتل می رساندند و یا به دریا می ریختند. آنهایی هم که تغییر مذهب می دادند تامدتهای مدید تحت کنترل بودند تا واقعیت ایمانشان به ثبوت برسد. دوران انکیزیسیون تا اوائل سالهای ۱۸۰۰ ادامه داشت. اینجا را داشته باشید تا با از سفرم برایتان بگویم. شوهرم که علاقه عجیبی به اشیاء عتیقه دارد آدرس محله عتیقه فروشها را پیدا کرد و بهر طریقی بود به آن محله رفتیم. به هر سو نگاه می کردی فقط مغازه عتیقه فروشی می دیدی. در یکی از مغازه ها لایلهای خرده ریزهای متعدد عتیقه، ناگهان دوشی می دیدم. هیبتوتیزم کرد: یک مزوزا و یک قلم تورا. مزوزا که حدود ده سانت طول و سه سانت عرض داشت نقره بود و پوشیده از گلهای رز برجسته و بی نهایت زیبا. قلم تورا بی نهایت

حدود پانزده سال پیش به اتفاق همسر سفری به اسپانیا کردیم. چند روزی را در مادرید بسر بردیم. در طول این مدت دچار احساسات ضد و نقیضی بودم. از یک سو تمدن کهن و بناهای تاریخی اسپانیا مرا مجذوب ساخته بود از سوی دیگر غم و افسردگی خاصی به قلبم چنگ می انداخت. اندیشه هزاران هزار یهودی که در این سرزمین با ظلم و ستم مواجه بودند مرا غمگین کرده بود. بدون شک خوانندگان عزیز اطلاع دارند که در قرن پانزدهم یعنی سال ۱۴۷۸ دوران انکیزیسیون در اسپانیا آغاز شد. در این دوره به ابتکار پادشاه فردیناند، ملکه ایزابلا و سران مذهبی اسپانیا، یهودیان، مسلمان و بعدها حتی پرتستان هارا تحت فشار قرار می دادند تا ترک مذهب کرده کاتولیک شوند. بعدها یعنی در دورانی که «توماس دو تورکمدادا» بر سر کار آمد وحشیگری و فجایع به

دکتر لیدیا حکیم زاده

دندانپزشک

Great Care Medical Group Bldg.
5255 Sunset Blvd., # 202
Los Angeles, CA 90027

(213) 463-7262

دکتر ناصر برادران

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان و نازایی از امریکا

عضو گروه پزشکی بیمارستان سیدرساینا

CEDARS - SINAI MEDICAL
OFFICE TOWERS.

8631 W. 3rd. St., #825 E.
Los Angeles, CA 90048

(213) 659-9858

(213) 659-9858

دکتر سیما بوستانفر

دندانپزشک

روکش های چینی - روت کانال - درمان بیماریهای

لثه - باندینگ - دندانپزشکی ترمیمی - اطفال

9069 1/2 Woodman Ave.
(Woodman & Nordhof)

مطب در ولی

تخفیف مخصوص

تلفن ۲۴ ساعته (818) 893-8799

برای هموطنان عزیز

پیش در روز تولدم هدیه ای از خواهر کوچکترم دریافت کردم. او وقتی بسته کوچک هدیه را بدستم می داد بی نهایت خوشحال و در عین حال منقلب و هیجان زده بود. مرا محکم در آغوش خود می فشرد و گویا می خواست از ریزش اشک خود جلوگیری کند. احساس می کردم که هر چه هست مربوط به هدیه داخل جعبه است. هدیه های او همیشه سرصبر فراوان انتخاب می شود و دنیائی احساس را القاء می کند. جعبه را باز کردم و خشکم زد، یک گل سینه بسیار قدیمی و ظریف بود که سه حرف اول نام و نام خانوادگی قبل و بعد از ازدواج یعنی سه حرف لاتین جی. بی. اس. که حروف اول گیتی بروخیم سیمانطوب بود روی آن حک شده بود.

منهم هیجان زده و منقلب شدم. خواهر می گفت که لابلای صدها سنجاق سینه عتیقه چشمش به این یکی می افتد و از این که حروف اول ها تصادفاً عیناً شبیه حروف اول نام و نام خانوادگی من بوده مبهوت و متحیر می شود. در صحبتی که متعاقب آن داشتیم متوجه شدیم که این گل سینه حالت انسان مرموزی را دارد. زیاد سخن نمی گوید ولی شمارا باده ها سؤال و رمز و راز مواجه می کند. صاحب اصلی که این گل سینه بخاطرش ساخته شده چه نام داشته؟ گلا دیس؟ گرنا؟... آیا معشوقش این گل سینه را برای او سفارش داده؟ شوهرش؟ پدرش؟ کدام یکی؟ آیا زن خوشبختی بوده؟ چرا این گل سینه که مسلماً سمبول عشق و محبت است در خانواده از نسلی به نسل دیگر به ارث نرسیده؟ آیا حکمتی در کار بوده که سالها توسط عتیقه فروشها دست بدست شود تا بدست من برسد که حروف اول نام های مشابه حروف اول نام های او است؟ آیا من او اخلاقاً هم شباهت هائی داریم؟ و ده و صدها سؤال دیگر از این قبیل. این هدیه اگر چه یک گل سینه العاس نشان بدل است برای من ارزشی بسیار بیش از یک گل سینه برلیان دارد.

راستی آیا شما هم پای درد دل اشیاء سخنگو نشسته اید؟ یا این که من انسان عجیبی هستم؟ اگر شما هم ماجراهائی از این قبیل دارید برای ما بنویسید که مشتاق دریافت و انعکاس آن در مجله هستیم.

(213) 278-7811
(213) 859-0923

8879 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

KHOOBAN FOODS INC.

شرکت خوبان

سازنده انحصاری در امریکا

پلو پز ناستونال در سه اندازه مختلف و یکسال گارانتی
وسرویس پس از فروش بهترین هدیه است

«توموستات» پلو پز ناستونال با دانه‌های
پلو پز ناستونال برای تهیه می‌کند
توجه فرمایید به هنگام خرید «کته پز» ناستونال را به جای
پلو پز ناستونال با دانه‌های معتبر ایرانی
فروشی در فروشگاه‌های معتبر ایرانی

در خدمت شماست

پلو پز ناستونال

آب بریز - برنج بریز - نمک بریز - دو شاخه را بریز به پز پز

National Electronic Rice Cooker/Warmer



2901 Wilshire Blvd, Suite 103
Santa Monica, CA 90403
(213) 828-8637

در منطقه سانتا مونیکا

با همکاری متخصصین در زمینه
کاربر و پراکتور و طب سوزنی
معالجه صداع‌ها ناشی از تصادفات
انورسیتل و سایر حوادث
قبول تمام بیمه‌های سلامت مخصوص

چک آپ کامل، نورالفا، فیزیوتراپی، آرنایسکاه و رادبولرزی

انجام کلیه خدمات پزشکی

پزشکی عمومی

دکتر منوچهر رشتی

عارضه ایدز بوسیله و ویروسی افراد رامبتلا می سازد که ای.آی.دی.اس. چهار حرف اول Acquired Immune Deficiency Syndrome

می باشد. وقتی ویروس ایدز وارد بدن فرد می شود و پرا درمقابل یک سلسله مسائل سلامت بدن قرار می دهد. این ویروس می تواند بوسیله تماسهای جنسی یا از بکار بردن سوزن استعمال شده توسط یک فرد مریض هنگام تزریق مواد مخدر منتقل گردد. این ویروس به سلولهای سفید دفاعی بدن حمله می کند و T. Lymphocytes آنها را از کار می اندازد و قدرت دفاعی بدن را در مقابل ورود میکروب های سایر بیماریها ساقط می سازد. وقتی دستگاه دفاعی بدن قادر نیست وظایف خود را انجام دهد و با میکروب های سایر امراض وارد در بدن بیمارزه پردازد و آنها را نابود کند فرد رابه همه گونه امراض مستعد و آسیب پذیر می سازد و فرد رابه امراضی نظیر ذات الریه، سرطان، مننژیت مبتلا می سازد. هنوز راهی برای معالجه ایدز شناخته نشده است. در حال حاضر مرض ایدز قابل علاج نیست و حتی هنوز هیچگونه واکسنی هم برای جلوگیری از ابتلا به ایدز شناخته نشده است.

هنگامی که ویروس ایدز وارد جریان خون می شود به بعضی از سلولهای سفید دفاعی خون T. Lymphocytes حمله می کند. موادی بنام آنتی بادی در بدن بوجود می آید، وجود این آنتی بادی ها درخون با آزمایش بسیار ساده پس از دو هفته تا سه ماه پس از ورود ایدز درخون کاملاً مشخص می گردد. حتی قبل از آنکه آزمایش خون مریض مثبت باشد وجود این آنتی بادی ها قابل تشخیص است، و مریض قادر است ویروس ایدز رابه دیگران منتقل سازد. طرز انتقال این ویروس از یک فرد به فرد دیگر به طرق زیر صورت می گیرد:

وقتی یک فرد به عفونت ویروس ایدز مبتلا می گردد چندین احتمال ممکن است بوجود بیوندد. بعضی افراد ممکن است سالم بمانند معهذاً این افراد قادرند افراد دیگر را مبتلا سازند و ویروس رابه آنها منتقل سازند. بعضی افراد دیگر ممکن است به امراضی مبتلا گردند که خطر آنها کمتر از مرض ایدز می باشد و آنرا با اصطلاح ARC



AIDS

The war against AIDS is deadlier than ever.

ایدز

مرضی که تا کنون

نه واکسن آن شناخته شده و نه داروئی
برای درمان آن پیدا شده است

بیماری ایدز که مدت کوتاهی از اشاعه آن نمی گذرد نگرانی بسیاری از افراد و سازمانها را موجب شده است. آقای دکتر باروخ بروخیم با مطالعه و بررسیهای خود سعی نموده اند در این نوشته به زبانی ساده جنبه های مختلف مرض ایدز و چگونگی جلوگیری از آن رابه اطلاع عموم برسانند.

در برتر دارد که از فعالیت جنسی که منجر به مبتلا شدن به ایدز می شود بازگوشود. و چون هنگامی که یک جامعه یا استانی در نظر می گیرد که نام افرادی که حامل و ناقل و یروس ایدز می باشند و یابه این مرض مبتلا می باشند به مقامات بهداشتی گزارش داده شود تا بتوان تصمیمات لازم برای حفظ سلامت عامه هم چنانکه در مورد سایر امراض مقاربتی نیز متداول است اتخاذ شود، در این صورت افراد مبتلا به ایدز از فاش نمودن اسرار خود سر باز زده و شانه از زیر بار مسئولیت در مورد مراقبت های پیشگیری دیگران و آموزش مورد لزوم خالی می کنند.

به این دلیل است که مقامات مسئول بهداشتی بهتر است از فاش نمودن اسرار این افراد خودداری نموده و پرونده بهداشتی این افراد را کاملاً بطور محرمانه حفظ نمایند.

وظیفه استانها و مقامات محلی در مورد جلوگیری از اشاعه و پخش مرض ایدز.
در اغلب استانها و اجتماعاتی که متأسفانه ایدز بوضع چشم گیری اشاعه پیدا کرده است مقامات بهداشتی مسئولیت عظیمی در مورد روشن ساختن اذهان مردم و آموزش آنها در مورد مراقبت های لازم برای پیشگیری از ابتلا به ایدز دارند. یک چنین اقدامات و سیاستی برای بیان و توضیح این مرض و حفظ سلامت عامه مورد نیاز حتمی است. مقامات ایالت ها و مقامات بهداشتی نواحی مشترکاً و با کمک یکدیگر باید برای تقلیل انتشار و پخش و سرایت این مرض بین افراد دیگر اقدام نمایند و اطلاعات لازم و آموزش کافی در اختیار آنان بگذارند و مردم غیر مبتلا را در حفظ سلامت خود آگاه سازند.

مسئولیت ها و وظایف مقامات مسئول بهداشتی روشن ساختن اذهان مردم در زمینه های زیر می باشد:

تأمین و تقویت مقرراتی که از انتشار و پخش و یروس ایدز جلوگیری نماید.

توجه برنامه آموزش در جلوگیری از اشاعه این مرض برای مقامات پلیس، آتش نشانیها، و سازمانهای کار، و مراکز بهداشتی و بیمارستانها و کارکنان این سازمانها تا بتوانند بطور کامل و موثری به فربانیان ایدز و عامه مردم کمک نمایند.

توجه به اینکه مقامات مسئول شهرداریها در نظافت اماکن عمومی کوشا باشند.

مدارس با مسائل مخصوص در آتیه روبرو خواهند شد و بنابراین علاوه بر دستورات مراقبتی که در قسمت های بالا ذکر شد مراتب دیگری باید مورد توجه جوانان قرار گیرد و به آنان از بدو طفولیت آموزش کافی در مورد فعالیت های جنسی و عوارض مربوط به ایدز و اثرات نامطلوب آن داده شود.

آموزش جنسی: آموزش در مورد عارضه ایدز باید از مراحل ابتدائی در برنامه های بهداشتی و سلامت جامعه گنجانیده شود. وجود مرض ایدز ممکن است لزوم همکاری گروه های مختلف پدران و مادران و دست اندرکاران آموزش و پرورش را ایجاب نماید تا بتوان مدعیان و مخالفین آموزش جنسی در مدارس را به لزوم انجام آن قانع ساخت.

بسیاری معتقدند که وارد کردن آموزش جنسی در برنامه مدارس کاملاً مورد نیاز می باشد تا در اختیار جوانان اطلاعات کافی در مورد فعالیت های جنسی عادی و هم جنس بازی قرار داده شود. خطرات و عواقب وخیم مرض ایدز اجرای چنین برنامه ای را کاملاً ایجاب می کند تا جوانان رایه لزوم خودداری و پیش گیری از ایدز را همنامی نمود و از سایر عوارض مقاربتی نیز آنان را بر حذر ساخت.

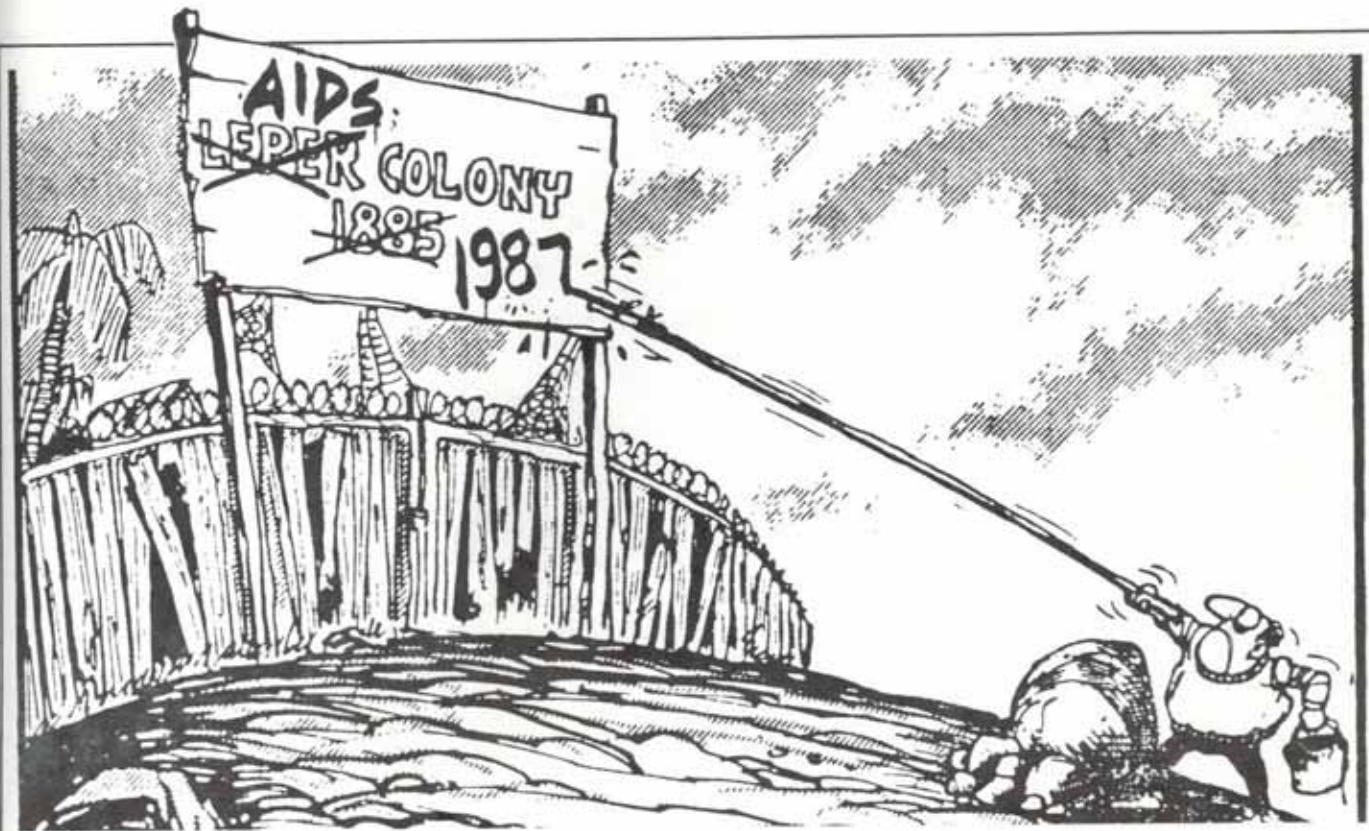
معلولین و آموزش مخصوص، اطفالی که به مرض ایدز مبتلا می باشند یا استعداد ابتلا به ایدز را دارند می توانند با سایر اطفالی که به ایدز مبتلا هستند در کلاس درس حاضر شوند. بعضی از این قبیل اطفال به نوعی از عوارض مغز مبتلا می گردند که اثری در رفتار روانی آنها باقی می گذارد. به علت آنکه آموزش مخصوصی در مدارس برای اطفال عقب افتاده و معلول در نظر گرفته می شود بنابراین، این قبیل اطفال نیز که نارسانائی روانی پیدا کرده اند می توانند در این کلاسهای مخصوص آموزش ببینند. اطفالی که استعداد ابتلا به مرض ایدز در آنها دیده می شود افرادی هستند که آزمایش خون آنها مثبت بوده و وجود و یروس در بدن آنها دیده شده است و دارای بعضی از نشانه های تشخیصی نیز می باشند. معهذا در بعضی موارد عارضه این قبیل افراد سبک تر از مبتلایان به ایدز می باشد و این افراد به کمی اشتها، کم کردن وزن، تب، عرق کردن شبانه، خارش دست، اسهال، خستگی مفرط و عدم مقاومت در مقابل امراض عفونی و کم شدن گلبولهای سفید خون مبتلا می گردند. چون این علائم و ظواهر نشانه عوارض

دیگری نیز می باشد بنابراین باید این افراد به طیبیب متخصص مراجعه نمایند. در بعضی افراد مبتلا به ایدز عوارض جنسی بوجود می آید که برخی عفونی و بعضی به تنگ نفس یا ذات الریه گرفتار می شوند. در طول زمان ایدز ممکن است به سلسله اعصاب فرد حمله نماید و اثرات و صدماتی به مغز وارد سازد. ولی این عوارض ممکن است پس از چند سال ظاهر شود و با از بین رفتن حافظه، و از دست دادن جهت یابی و هم آهنگ کنندگی، فلج ناقص یا عوارض روانی بوجود آورد.

وضع موجود: در حال حاضر در آمریکا در حدود یک میلیون و نیم نفر دارای و یروس ایدز می باشند. تمام این افراد می توانند در اثر فعالیت های جنسی اعم بطور طبیعی یا هم جنس بازی یا استعمال سوزن های عفونی شده دیگران را به مرض ایدز مبتلا سازند. ولی پیش بینی تعدادی که در آینده به این مرض گرفتار خواهند شد بسیار مشکل است. چون ظاهر شدن اثرات ایدز ممکن است مدت نه سال بطول انجامد. با اطلاعاتی که تا به امروز بدست آمده است ۲۰ الی ۳۰ درصد افرادی که به و یروس ایدز عفونی شده اند به تدریج عارضه ای در آنها بوجود می آید که پس از مدت ۵ سال علائم ایدز در این افراد ظاهر می گردد. تاکنون تعداد ۲۵ هزار آمریکائی به مرض ایدز گرفتار بوده اند که نیمی از آنان مرده اند و چون عللاجی هم برای این مرض در حال حاضر متصور نیست بدون شک بقیه این افراد نیز به تدریج خواهند مرد.

باتماس معمولی ایدز به دیگران منتقل نمی شود. تا به حال انتقال و یروس جزاز مسیر فعالیت جنسی از طریق دیگری صورت نپذیرفته است. ماخانواده هائی را می شناسیم که با فرد مبتلا به ایدز زندگی می کنند ولیکن به و یروس ایدز گرفتار نشده اند مگر آنکه با فرد بیمار فعالیت جنسی داشته باشند. بعلاوه هنوز هم به طور یقین مشخص نشده است که تماس معمولی افراد یا هم خوراک شدن با آنها، استعمال حوله یا تیغ صورت تراشی حتی مسواک یا بوسیدن پایک فرد مبتلا به ایدز و یروس این مرض را به آنان منتقل سازد.

وضع پرستاران و مراقبین مبتلایان به ایدز. تحقیقاتی در این زمینه بعمل آمده و در حدود دوهزار و پانصد نفر از پرستاران



فردی که از یک فرد مبتلا به ایدز پرستاری می کند نیست. مراعات مراتب بهداشتی عادی برای پیشگیری از ابتلا به ایدز کفایت می کند.

حشرات چگونه در اشاعه ویروس موثراند. هنوز موردی از اشاعه یا انتقال ویروس ایدز بوسیله گزیدگی پشه یا حشره دیگری دیده نشده است.

خطر حیوانات اهلی سگ و گربه. سگ ها و گربه ها و حیوانات اهلی نیز وسیله ای برای انتقال ایدز به حساب نمی آیند.

اشک چشم و آب دهان. با وجود آنکه ویروس ایدز در آب دهان و اشک چشم دیده شده ولی بازم موردی از انتقال این ویروس توسط آب دهان یا اشک چشم دیده نشده.

از عارضه ایدز چه چیزی درک شده است. با وجود آنکه مرض ایدز عارضه ایست اسرار آمیز ولی با بررسیها و تحقیقات عمیقی که بعمل آمده روشن شده است که در مدت پنج سالی که از شناخت ویروس ایدز می گذرد خیلی بیش از بعضی از امراض دیگر اطلاعات در باره آن بدست آمده است.

با وجود آنکه هنوز واکسن و راه معالجه برای این بلای بی امان بدست نیامده است نتایجی که توسط مقامات پزشکی و بهداشتی بدست آمده بقدر قابل توجهی توانسته است جلو اشاعه

امروزه هر دهنده خون باید یک آزمایش دقیق پزشکی از خون وی بعمل آید تا اطمینان حاصل شود به یکی از انواع امراض مقاربتی یا ایدز مبتلا نباشد. بانک خون امروزه خونی را برای استفاده افراد جمع آوری می کند که تا درجه ممکن مصون و پاک باشد. در ضمن باید دانست که خطر ایدز افرادی را که به دکتر یا دندانپزشک یا بیمارستان مراجعه می نمایند تهدید نمی کند. سلمانها و مؤسسات زیبایی نمی توانند ناقل ایدز باشند چه ایدز فقط و فقط بوسیله فعالیت های جنسی یا تزریق بوسیله سوزنهای آلوده امکان پذیر است. طرق معمول برای ضد عفونی کردن ادرار، مدفوع، و استفراغ که در حال حاضر در بیمارستانها متداول است برای جلوگیری از اشاعه ویروس ایدز نیز موثراند و در مورد افراد مبتلا به ایدز نیز بهمان ترتیب عمل می شود. شاید شما تعجب کنید چرا دندانپزشک با دستکش عمل می کند و با ماسکی جلوبینی و دهان خود را وقتی از شما معاینه دندان انجام می دهد می پوشاند. این به مفهوم آن نیست که او ایدز دارد و یا تصور می کند که شما مبتلا به ایدز می باشید. این دندانپزشک خود و شما را از ابتلا به یرقان Hepatitis یا انفلوآنزا یا سرماخوردگی حفظ می کند. هیچگونه خطری متوجه فردی که از یک مبتلا به ایدز دیدن می کند متصور نیست یا خطری متوجه

فعالیت جنسی پرداخته اند.

خلاصه ویروس ایدز بیشتر به افرادی حمله می کند که هم جنس باز یا افرادی که از هر دو نوع فعالیت جنسی استفاده می نمایند و با فرد هم جنس باز یا بای سکسول روابط جنسی برقرار می نمایند.

چگونه فرد می تواند ایمن و مصون بماند. در زندگی روزمره عادی هیچ فردی در معرض تهدید ابتلا به ایدز قرار نمی گیرد. از تماس معمولی هیچکس ایدز نمی گیرد. تماس معمولی را با تماس جنسی اشتباه نکنید. تماس جنسی یگانه عامل و مهمترین وسیله انتقال ایدز می باشد. تماس معمولی مانند سرفه، آب دهان، گریه، عطسه و ویروس ایدز را منتقل نمی سازد. مرض ایدز با شنا کردن در استخر، یا حمام یا خوردن غذا در رستوران (حتی اگر مستخدمین رستوران به ایدز مبتلا باشند) به دیگران سرایت نمی کند. ایدز از طریق رختخواب، ملافه، حوله، آب، استکان و فنجان منتقل نمی شود. توالت، تلفن، یا وسائل خانه و ویروس ایدز منتقل را منتقل نمی کند. در اثر ماساژ بدن ایدز سرایت نمی شود. هدیه کردن خون به هیچوجه فرد را مورد مخاطره قرار نمی دهد.

انتقال خون. در آمریکا هار اهداء کننده خون طوری انتخاب می شود که از هرگونه عارضه خونی درمان بوده باشد و بنابراین

منورا مارکت

درقلب پیکو

منورا مارکت

عرضه کننده بهترین و تازه ترین گوشت
ومرغ کاشر و کلیه مایحتاج غذایی شما
باقیمت های مناسب

انواع خواروبار، برنج، روغن، خشکبار، ترشی جات،
چای... و دیگر مواد نیاز شما باقیمت های استثنائی در

منورا مارکت

8664 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

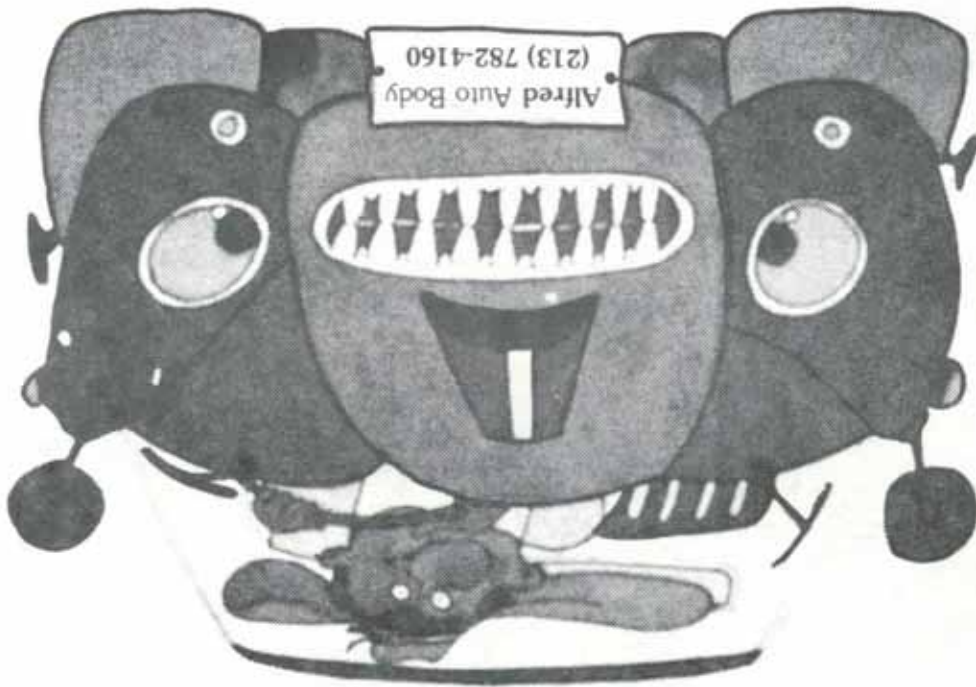
(213) 854-0447

(818) 782-4160

Alfred Auto Body
5921 Lemona Ave.
Van Nuys, CA 91411

شماست
مهارت ایرانی و تکنیک آمریکایی ضامن
موفقیت مادام صافکاری و رنگ اتومبیل

و آمریکایی در اسرع وقت انجام می شود با ورنه گردنی است.
بسیار همای مادام صافکاری و رنگ اتومبیل آمریکایی وار و پانسی که زیر نظر مستقیم کارآزموده ایرانی



تلفن: ۴۱۶۰-۷۸۴-۸۱۸

در تصادفات که از بیمه استفاذه می نمایند،
شما همچگونه وجهی نخواهند پرداخت

آلفرد

صافکاری و رنگ اتومبیل



یک سؤال، یک درد

۱۳۵۰

به خاک پدري روی بردند. اما ديري نپايند که تب مهاجرت فرونشست. انگار زنگ خطر بصدا درآمد. چه ممکنیم؟ دنیا که دیگر چون اعصار گذشته با کاروان و کجاوه سروکار ندارد. در سایه سرعت و شتاب، دنیای امروز دنیای کوچکی شده. راهها و مسافت های دور و دراز کوتاه شده اند. کاریک عمر مارکو پولورایک برنامه دوساعتی تلو یزونی انجام می دهد. شاید بشود گفت تمامی دنیا خود بصورت شهری بزرگ درآمد و هر کشوری حال محله ای خاص را پیدا کرده. مثلاً بنگلادش و گواتمالا محله فقیر نشین ها و سوئیس و سوئد محله اعیان نشین ها و در این حال، آیا صلاح است که باز به اصطلاح درمقیاس جهانی «محله» تازه ای درست کنیم و تمامی قوم یک جا جمع شویم؟ این درست که امروز قوی هستیم ولی کیست که الفبای تاریخ را بدانند و ندانند که توانائی و ناتوانی ملت ها فرازا دارد و نشیب ها. بی گمان به خاطر شنیدن این نداد بود که سوای همه دشواری های مالی و محدودیت های خاکی

از آن پس، گاه و بیگاه، این پرسش پیش آمده است که اگر یهودیان، جملگی در یک محله معین از شهر و بصورت یک جامعه بسته زندگی نمی کردند آیا بدین آسانی به دام می افتادند، آیا بدان سهولت می شد دور منطقه سکونت آنان را سیم خاردار و دیوار چند کیلومتری کشید و بعد دسته دسته آنانرا بنام اعزاز به اردوی کار، سوارترین کرد و به اردوگاه مرگ «تربلینکا» کشاند. نه تنها در ورشو، در همه شهرهایی که در خون و آتش جنون جنگ می سوختند. آیا اگر یهودیان، در همه شهرها اینجا و آنجا پراکنده و نه دسته جمعی زندگی می کردند میزان از دست رفتگان به شماره رعب آورش میلیون می رسید؟

بدنیال سالهای سیاه جنگ، اورشلیم نخست نیمش و اندک زمانی بعد نیمی دیگرش آزاد شد و راهها برای برآوردن آرزوی کهن قومی گشوده گردید. کوچ آغاز شد. «سفر خروج» دیگری در تاریخ یهود شکل می گرفت. جنگ زده و جنگ نادیده گروه گروه

در نوزدهم آوریل ۱۹۴۳، نخستین شب عید پسخ، در سراسر دنیا از بغداد تا پاریس و از نیویورک تا دهلی، در خانه های یهودی برسم سالیان دراز گذشته، آرزوی بازگشت به زمین اجدادی به زبان آورده میشد، پیرمردی همان عبارت را می گفت که مردی که هرسال در کانادا. و این درایامی بود که خبرهای وحشتناک جنگ، چنگ بردلها می انداخت. خانواده ها با همه دوری و پراکندگی، از آرزوی قومی هم آگاه بودند؛ یک آرزوی مشترک کهنه که نسل به نسل دیگر به ارث داده بود و خود رفته بود. اما نمی دانستند که رئیس گروه شوم اس اس به مناسبت جشن تولد هیتلر و به خونخواهی از قیام پر شور گنوی ورشو دستور داده است تا در بیستم آوریل، پیش از طلوع آفتاب، گنورا با حمله سنگین مسلحانه به آتش بکشند. فردای آن شب نقشه انجام شد و دهها هزار یهودی که برای گریز از اردوگاه مرگ به تلاش برخاسته بودند یکجا از میان رفتند و در محاصره تانکها و بولدزرها در لابلای و برانه ها زنده بگور شدند.

دکتر پرویز برجیس

پزشک خانواده

امراض داخلی - بیماریهای رماتیسمی - کمردرد - پادرد - آرتروز ونقرس
مرکز کنترل وزن بدون رژیم سخت غذایی
چک آپ کامل مجهز به رادیولوژی - آزمایشگاه - نوار قلب و فیزیکال تراپی

پذیرائی فقط باتعین وقت قبلی
11645 Wilshire Blvd., Suite 900
Los Angeles, CA 90025

تلفن ۲۴ ساعته ۵۸۵-۴۷۸ (۲۱۳)
۹۹۵۶-۲۰۷ (۲۱۳)

کلیه بیمه های درمانی و بیمه تصادفات
پذیرفته می شود

دکتر مهناز طبیب زاده (یاشارال)

پزشک عمومی و خانواده

16661 Ventura Blvd., Suite 211
Encino, CA 91436
بالای شرکت کتاب
(818) 789-7893

- چک آپ باقیمت مناسب
- گواهی سلامتی ازدواج
- آزمایش تست سرطان مخصوص بانوان
- قبول بیمه تصادفات رانندگی
- کلیه خدمات طب عمومی

دکتر جهانگیر جانفزا

متخصص در کایروپراکتیک

معالجه دردهای عصبی، سردرد، گردن درد، کمردرد بدون تجویز دارو
استاد سابق کلیولند کایروپراکتیک کالج
متخصص در امور تصادفات اتومبیل و صدمات شخصی
در محل کار و غیره

مطب بورلی هیلز

9301 Wilshire Blvd., Suite 610
Beverly Hills, CA 90210
(213) 859-8494

مطب ولی

15301 Ventura Blvd., Suite 300
Sherman Oaks, CA 91403
(818) 907-8566

(213) 652-0550

233 S. La Cienega Blvd.
Beverly Hills, CA 90211
(in Block South of Wilshire)

HEPPS PHARMACY

آدرس: ۲۳۳ لاسینگا جوی
چند قدم قدم بازر و بلور بلور

برای هموطنان عزیز که بیمه ندارند
تجرباتی کلی در نظر گرفته می شود

- برای بیمه های آتالی
- تجویز دارو و وسایط نظیر رنگارنگ درون دارو خانه
- قبول اکثر بیمه های درمانی و دندان
- قبول سفارش و ارسال دارو به ایران

دکتر اسحق پور

دارو خانه هپس

(213) 656-6534

7855 SANTA MONICA BLVD.
LOS ANGELES, CA 90046

- ۱- دارو خانه ۲۴ ساعته
- ۲- ارسال دارو توسط پست در داخل امریکا
- ۳- ارسال دارو به ایران
- ۴- حمل مجاني دارو
- ۵- لوازم آرایشی
- ۶- قبول کلیه بیمه های درمانی

مشاور دارو داری شما

دارو خانه کرسنت

شیر نافی

بافتیریت دکتر داروساز ایرانی

(818) 710-9986

22030 Sherman Way
Canoga Park, CA 91303

- یونیکا کتیون بلور
- نقاط یونیکا کتیون - جنب بانک آو امریکا - نیم بلامی غرب
- ارسال دارو به ایران

نسخه های شما از دارو خانه های دیگری به این دارو خانه انتقال داده می شود

به ملتیریت دکتر منوچهر الی

دارو خانه شرمین اولین دارو خانه ایرانی در ولی

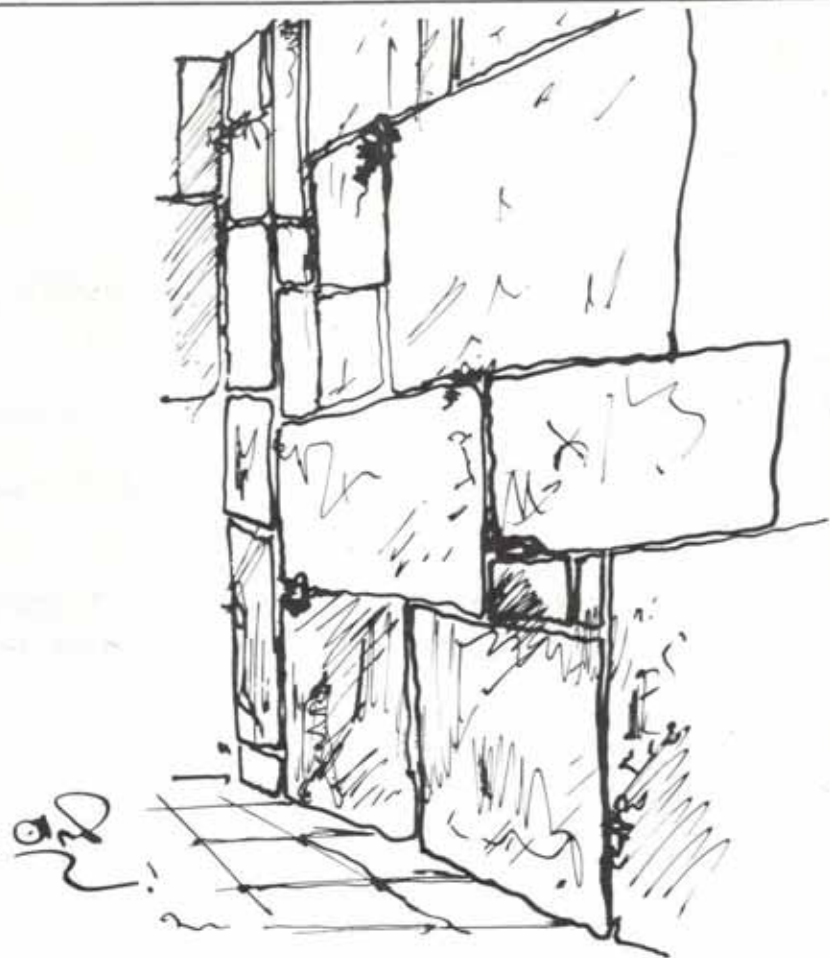
در کمیته ای که برای طرح ریزی نقشه های جنگی جنگ دوم تشکیل یافته بود (کنفرانس یالتا) شرکت کرده بود. کسانی که در این کنفرانس شرکت داشتند عبارت بودند از فرانکلین روزولت، وینستون چرچیل و ژوزف استالین و یکی از موضوعات مورد بحث قضیه فلسطین بود.

تازه وارد می گفت در ملاقات رهبران امریکا، انگلیس و روسیه ناگهان دیکتاتور روسیه بطرف چرچیل رو کرد و گفت: «برای حل مسأله اعراب و یهود در فلسطین فقط یک راه حل وجود دارد، و آن این است که یک کشور یهودی تشکیل گردد.»

بن گوریون پس از اینکه گفته های دیکتاتور روسیه را از تازه وارد شنید شروع به صحبت کرد و گفت: «بلی بخاطر من هست که چندین سال پیش از این واقعه برای اولین مرتبه من احساس کردم بلکه یقین بودم که ملت یهود از خود کشوری مستقل خواهند داشت. بین فشاری که دولت شوروی که اکنون سیاست دیکتاتور آن بر من روشن می شود و دولت امریکا که مایل بود عقیده عمومی ملتش را پیروی کند دولت بریتانیا مجبور شد با خواسته های ملت یهود همراه شده و تمایلات آنها را برآورده کند.

بن گوریون به صندلی خود تکیه داد تا براحتی بتواند اهمیت آنچه را شنیده درک و آنرا در فکر خود تجزیه و ترکیب کند. سالها بود که گردانندگان نهضت صیونیست سیاستی را پیروی می کردند که بتوانند بدنیای بفهمانند داشتن دولت و کشوری مستقل و آزاد حق مسلم ملت یهود است ولی از این دقیقه بعد تکلیف بس شاق تر و وظیفه ای بس مهم تر در پیش بود و آن این بود اکنون که این آرزو برآورده شده و ملت یهود سرزمینی بدست آورده آنرا حفظ و نگاهداری کند و این منظور بدون دادن قربانی و ریخته شدن خون میسر نمی شد. چون اگر قدرتهای بزرگ آنرا بوجود آورده اند و لازم بلکه ضروری است این کشور تازه درحفاظت وزیر سپر یک نیروی نظامی قوی و نیرومند قرار گیرد تا از گزند تجاوز اعراب مصون و محفوظ بماند. به این معنی که کشوری مستقل و آزاد بدون ارتش نیرومند معنی و مفهومی ندارد.

صبح روز ششم آوریل ۱۹۴۵ کمی بعد از این که بن گوریون با مهمان امریکائی خود



ای اورشلیم بر تو چه گذشت

ترجمه و تنظیم: نعمت اله شکیب

فصل سوم

داوید بن گوریون تازه وارد خوش آمد گفت و او را تکلیف بنشستن کرد. از داخل پنجره این اتاق دریای کف آلود مدیترانه و امواج مطلا تم آن که بساحل شهر تل آویو تصادم می کرد دیده می شد. این مخزن کتاب و اتاق دنج و خلوت قلعه و پناهگاه بن گوریون بود که بیشتر اوقات در آن بکار مشغول و شبها همانجا استراحت کرده پس از کار خسته کننده روزانه به مطالعه می پرداخت. بندرت اتفاق افتاده بود کسی بتواند این مرد پرکار و ناآرام رهبر خردمند یهود را حتی برای نیم ساعت از مطالعه و راز و نیاز شبانه بدرگاه پروردگار بازدارد.

شخصی که بدیدن بن گوریون آمده بود یکنفر امریکائی واز کارمندان عالیرتبه دولت امریکا بود. چندماه پیش از آن این مرد

نه اعراب و نه یهودیها هیچ یک برای جنگی که ناگزیر بانجام آن شده بودند مسلح و آماده نبودند. صرف نظر از عاقبت شوم و وخامت چندین ماه بود هر دو طرف مخفیانه خود را برای روبرو شدن با دشمن آماده می کردند.

دراوایل بهار سال ۱۹۴۵ داوید بن گوریون شخصی را در دفتر کار خود در خیابان قرن قیمت خانه شماره ۱۵ پذیرفت. این اتاق مملو بود از کتابهای فلسفه، تاریخ، و انواع کتابهای دیگر که در آن این مرد باتمام وجود خود در تلاش و جنب و جوش بود و دقیقه ای از وقت گرانبهای خود را بیهوده تلف نمی کرد.

متفاوت که هر روز وساعتی خود را برنگی در می آورد. او بهرگونه شخصی شباهت داشت بغیر از مرد روحانی. حتی در یکی از روزهای مارس ۱۹۲۲ که از طرف فرماندهی نظامی دولت انگلیس سر هربرت سموئیل احضار شده بود تا فرمان انتصاب خود را بعنوان مفتی اعظم فلسطین دریافت دارد هیچگونه وجه تشابهی بایکنفر مرد روحانی و شایسته مقامی که باو تفویض شده بود نداشت. اوقفظ مدت دو سال در دانشگاه الاظهر در رشته علوم الهی تحصیل کرده و اطلاعات ناقصی در این رشته کسب کرده بود. پس از آن از تحصیل دست کشیده و داخل مدرسه نظام بعنوان یکنفر افسر تحت تعلیم در ارتش ترکیه که بیشتر بار و حیه و طبع وی سازگار بود مشغول کار شد. این جوان باموهای قرمز و چشمانی آبی تیز و یک قبضه شمشیر که بکمر بندش آویخته بود برای خود قیافه و ظاهری ساخته بود که فوراً توجه ناسیونالیست های عرب فلسطین را جلب کرد و از همین راه نیز به داخل دستگاه دولت انگلیس در فلسطین راه پیدا کرد و طولی نکشید که جزو پلیس مخفی ارتش انگلیس بخدمت گرفته شد. و چون از قول و قرارهای دولت انگلیس با اعراب خبر پیدا کرد متقاعد شد که انگلیس ها کسانی هستند که ملل عرب را آزاد کرده و از قید قیمومت ملل دیگر رهائی خواهند داد و به همین دلیل یکی از انگلوفیل های سر سخت و دو آتشه شد.

حاج امین انگلوفیل دو آتشه موقعی که به بدقولی و عهد شکنی انگلیس ها پی برد و از مدارک و جوانبه یکی اعلامیه بالفور و دیگری قرارداد سایکس پیکات مطلع گردید از انگلیس ها رو بر تافت و بهمه چیز بدبین و مظنون شد و از سمتی که در سودان بعنوان مشاور مخصوص دولت انگلیس بعهده داشت استعفا داد و به زادگاهش فلسطین برگشت. در آنجا در هر کوچه و برزنی با مهاجرین تازه وارد یهودی رو برو می گردید و بسیار تحریک و تهییج شده خشمگین می گردید و پیش خود فکر می کرد «خدا مأموریتی بمن محول کرده است.» در اثر همین فکر شروع به اقدام کرد و مردم خشمگین و تحریک شده را از درون جای خانه ها بیرون کشید و در دسته های بزرگی متشکل و بدور خود جمع کرد.

در روز قیام مسیح در سال ۱۹۲۰ موقعی که مردم در اثر تبلیغات او بشدت

تحریک شده بودند به کوچه و خیابان ریخته و شروع بغارت و چپاول نموده و یک دسته از آنها در دروازه یافا به محله یهودی نشین هجوم برده دوازده نفر یهودی را کشتند. این اولین خونریزی بین دو تیره از نژاد سامی عرب و یهود برای تسلط بر شهر بیت المقدس بود که بزمین ریخته شد. از این بعد نقاط مستحکم شده و حوالی شهرهای عرب نشین فلسطین زیر کنترل شدید سر بازان انگلیس باقی ماند ولی بقیه قراه و قصبات و محلات داخل شهرها تحت نفوذ و تیول حاج امین درآمد. نقشی که حاج امین در این طفیان و سرکشی بازی کرده بود مجازات ده سال زندان و طرد از جامعه رادر بر داشت لکن حاج امین با حیل که از خصوصیات اخلاقی وی بود از این مجازات فرار و به اردن گریخت. دوری از وطن زیاد بطول نیانجامید و چون سازمان مذهبی اسلامی در فلسطین که تحت سر پرستی و اداره مفتی بود بدون رهبر گردید و دولت انگلیس می بایست یک نفر از سه نفر کسانی که دانشگاه معروف اسلامی معین می کند را انتخاب و به این سمت برگزیند، ای تی ریچون شخص طغیانگر و مردم خونخوار آنتی سمیت معروف نماینده سیاسی دولت انگلیس در فلسطین تصمیم گرفت مجدداً این مقام را بحاج امین اختصاص دهد.

سر هربرت سموئیل حاکم انگلیس در فلسطین بعلت یهودی بودن کوشید بیطرفی خود را حفظ کند. ضمناً فکر کرد چنانچه مسئولیتی بعهده وی واگذار کند ممکن است تغییر رو به داده بیک شخص متعادل تبدیل شود.

باین نحو دولت انگلیس یکی از دشمنان درجه اول و غیر قابل نفوذ خود را در رأس اداره مسلمین گماشت. نماینده عالی رتبه دولت انگلیس فقط یک توصیه بحاج امین کرد و گفت برو ومدتی در منزل بمان تا ریش تو بلند شود و بتوانی ۱۸ سال سن کم خود را پنهان کرده در بین مردم احترام و شخصیتی بدست بیاوری آنوقت بسر کار خود برگرد.

تامدتی اینطور بنظر می رسید که سیاست دولت انگلیس در انتخاب حاج امین عاقلانه و صحیح بوده است. حاج امین آرام و سر بزیر بود. او در اول کارهای مهمتری داشت که می بایست انجام می داد تا اینکه بامخالفان خود درافتد. اومدتی زحمت کشید تا توانست قدرت و نفوذ خود را زیاد کند و به ریاست

شورای عالی مسلمین انتخاب شود و اختیار بیت المال و درآمدهای آنرا در دست گیرد. دادگستری، مساجد، مدارس حتی قبرستان ها را همه تحت کنترل مستقیم خویش گیرد به نحوی که هیچ مسلمانی در فلسطین یافت نمی شد که بدون اطلاع حاج امین حتی عروسی کند یا بچه ای بدنیا بیاورد. هیچ شیخ و ملا یا معلم و دبیری در فلسطین ممکن نبود بدون جلب توجه و بدست آوردن رضایت مفتی شعلی یا مقامی داشته باشد، چون از طبقه تحصیل کرده و روشنفکر مظنون و متفر بود پایه و اقتدار و سلطه خود را روی پایه های جهل و نادانی و بی خبری مردم کوچه و بازار قرار داد و بهمه قول داد به آنها کمک مالی خواهد کرد و کلیه را مسلح خواهد نمود.

در روز کیپور سپتامبر ۱۹۲۸ بهانه ای که مدت ها حاج امین منتظر آن بود و همه تشکیلات خود را برای آن تجهیز کرده بود بدستش افتاد به این ترتیب که در آن روز یهودیها در پای دیوار ندبه پرده ای برای جدا نگاهداشتن زن و مرد هائی که مشغول نماز بودند آویخته بودند. هیچکس بهتر از حاج امین آگاه نبود که در قلب شهر اورشلیم قرنیه است وضعی فراهم شده که برای بی اهمیت ترین رفتار و حرکات اقلیت های مذهبی ممکن است پراهمیت ترین جنجال های سیاسی را بر پا کرد. کافی بود در یکی از اماکن متبرکه موضوعی بی اهمیت و جزئی رادست او یز قرار دهند و مردم را تحریک کنند تا شورش و بلوار راه بیاندازند. حاج امین نیز از این موضوع استفاده کرد و گفت یهودیها پرده را برای پنهان نگاه داشتن عملیات خود آویخته اند تا به مسجد الاقصاء که در بالای دیوار ندبه قرار دارد راه یافته به آن دست اندازی کنند، همین کافی بود خشم و غضب مردم متعصب و فستاتیک را برافروخته آنها را تحریک کند.

این واقعه غم انگیز روز جمعه روی داد، روزی که مفتی موقع ظهر در مسجد مشغول برگزار کردن نماز جماعت بود و عمال وی در خارج مشغول تحریک کردن مردم و براه انداختن شورش و طفیان بودند. مفتی آنقدر شخص بی شعور و خامی نبود که آشکارا در این قبیل ماجراها و اقدامات شخصاً شرکت کند و بهانه ای بدست مأمورین انگلیس بدهد. گذشته از اینها خود مردم و کسانی که شورش کرده بودند نمی دانستند برای چه و به چه

اقدامات جدی تری گردیدند و از جوانان مهاجر که بزرگترین و مفیدترین منبع و سرچشمه برای رهبری جامعه بود استفاده نموده و تشکیلاتی که بتواند با این قبیل درگیریها مقابله کند بوجود آوردند.

پیشرفت و ترقی حاج امین الحسینی که به این ترتیب شروع شده بود بعداً در اثر ناچیز شمردن نیرو و خاسته های مردم و غرور بیجا و ترکتازی این شخص جاه طلب متوقف گردید و اعراب را از داشتن یک رهبر مقتدر و نیرومند محروم کرد.

شخصیت خلق و مهر بان باظهاری آراسته و قیافه ای آرام که هر شخصی را فریفته و شایسته خویش می ساخت و کسی که در مراسم مذهبی و پذیرائی ها بانهایت ادب و نزاکت در برابر مردم ظاهر می شد و در میهمانی های خصوصی شخصاً از میهمانان پذیرائی گرم و دوستانه می کرد خوئی وحشی و طینتی سرکش و پلید داشت. حاج امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین با همان دستهای ظریف و حنا بسته که برای جلب دوستی دراز می کرد در آدمکشی چنان زبردست و در قتل نفس بقدری چابک و بیرحم بود که هیچ جانی آدمکشی بگرد او نمی رسید و خوی زشت و پلید وی در شقاوت و سفاکی گوی سبقت را از آدمکشان حرفه ای ر بوده بود. این شخص زشت سیرت و ظاهر فریب همیشه در پیرامون خویش شش نفر آدمکش حرفه ای برای حفاظت جان خود نگاه می داشت و هیچ وقت بدون اسلحه کمبری که در زیر ردای رهبانیت و جامه روحانیت پنهان داشت بدون محافظین خود بیرون نمی رفت. هر زمان به مسافرت می رفت جز در اتومبیل مرسدس بنز ضد گلوله خود

در اتومبیل دیگری سوار نمی شد. او همیشه در میهمانی ها یادیرتر از موقع معین یازودتر وارد می شد و هیچ وقت دیده نشده بود به موقع در وعده گاه حاضر شود.

بالاخره موقعی که مقامات انگلیسی تصمیم گرفتند او را دستگیر کنند مفتی بکسوت درویشی و گدائی تغییر لباس داد و بیافا گریخت و پس از آن بایک قایق ماهی گیری به لبنان فرار کرد.

در بیروت از رافت و مهر بانی فرانسوی ها استفاده کرده تحت حمایت آنها سرکشی و یاغی گری راتاشروع جنگ جهانی دوم ادامه داد. در ماه سپتامبر ۱۹۳۹ اولین شبیکه جنگ شروع شد از یکی از دوستانش می پرسید: «آیا فکر می کنی آلمانها از انگلیس ها بهتر باشند؟»

مفتی که از سال ۱۹۳۶ به بعد مرتب با آلمانها در تماس بود بالاخره تصمیم خود را گرفت و با کمک فرانسوی های شکست خورده از بیروت به بغداد رفت و در آنجا با دستیاری آلمانها مشغول توطئه و اقدام گردید و نزدیک بود دستگیر شود. از بغداد به تهران فرار کرد و پس از اینکه متفقین در سپتامبر ۱۹۴۱ به ایران حمله کردند قبل از این که انگلیس ها به او دسترسی پیدا کنند در جامه زنانه از تهران گریخت و از برلن سردرآورد و موفق شد با هیتر ملاقات کند.

در اوایل ۱۹۴۵ شش هفته بعد از ترک برلن حاج امین الحسینی و دونفر از یارانش در زندان چرچ میدی در پاریس زندانی شدند. آنها در کلاجنفورت بوسیله یک هواپیمای مشقی پرواز کرده و با تریش رفته بودند به امید این که در سوئیس در پناهگاهی برسند. حاج امین تشخیص داده بود بدست فرانسویها

تسلیم شود بهتر است تا بعد او را به دادگاه نورمبرگ برده و جزو جنایت کاران جنگ بعنوان سیاستمدار فلسطینی محاکمه کنند و بعد از آن که از این راه معروف شد به عنوان یک نفر سیاستمدار و کسب شهرت بیشتری مدعی رهبری اعراب گردد.

(*) اطلاعاتی که از بایگانی دولت انگلیس بدست آمده حاکی از این است که سر فرماندهی ارتش انگلیس با عده ای از افسران برای برگزاری نماز روز قیام به کلیسای انگلیکن رفته بودند که ناگهان یک نفر افسر موسوم به نیلور بناخت سر رسید و وارد کلیسا شد و سر بگوش سرفرمانده گذاشت و به او گفت سر شما اینجا مشغول دعا کردن هستید که خدا صلح و آرامش بمردم عطا کند در صورتی که نزدیک دروازه یاقا اعراب و یهود بجان هم افتاده خون یکدیگر را میریزند.

همکار تازه

طرح مطلب ای اورشلیم... و نیز در طرح که در متن نوشته «راه سوم» به چاپ رسیده اثر خانم یافاساقیان است. خانم ساقیان که دارای تحصیلات عالی در طراحی و نقاشی از ایران و اسرائیل می باشند کارهای بسیار جالبی در نقاشی کتوبا روی کاغذ و پوست آهو دارند. باین بانوی هنرمند بزودی مصاحبه ای خواهیم داشت تا هم کیشان عزیز با آثار و کار ایشان آشنا شوند.

نکته ای از نکته ها

کیک اهدائی کاملاً کاشر بوده است.

نکته دیگری که در این ماجرا جالب توجه است نوع محاسبه آقای سرهنگ نورث در فروش اسلحه به ایران بوده است: به موجب محاسبه آقای نورث هر گروگان امریکائی با ۵۵۰ موشک ضد تانک، ۸ موشک ضد هواپیما هاوک قابل معاوضه است. بدین ترتیب به نظر جناب سرهنگ امریکائی ارزش هر گروگان امریکائی ۵۵۰ موشک تاو و ۸ موشک هاوک بوده است.

ماجرای فروش اسلحه امریکائی به ایران به منظور رهائی گروگان های امریکائی اینک مدتهاست مورد بحث رسانه های گروهی جهان است. اما نکته ای که شاید کمتر به آن توجه شده است آنکه بقول روزنامه لوس آنجلس تایمز اگر اصل این معامله غیر کاشر بوده است ولی کیکی که آقای مک فرلن و سرهنگ الیور نورث برای آقای رفسنجان رییس مجلس شورای اسلامی برده اند کیکی بوده است که از طرف یک شیرینی فروشی اسرائیل تهیه شده و تمام مقررات کثروت برای تهیه آن مراعات شده است، با عبارت دیگر، معامله غیر کاشر ولی

16438 Vanowen St., Suite D
Van Nuys, CA 91406

(818) 989-0684

مشاور امور مالی، مالیاتی و حسابداری
با ۱۲ سال تجربه و کادری ورزیده
آماده‌گی خود را برای هرگونه
کارهای حسابداری - دفتر داری - تهیه اظهارنامه های مالیاتی - صورت حساب های
مالی (برای اجاره وام های تجاری و ساختمانی)
اعلام می دارد

موسس حتم اف

Moosa Haimof
Tax Consultant

(۲۱۳) ۵۵۵-۸۵۷۴

پارکینگ مخانی
پشت فروشگاه
شماره ۳۷۵ شمال فرانس
پستی بولدی بلوار وولرون (پستی بولدی)

دلتوری برای رستوران ها و مهمانی ها مخانی است

روزانه ۱۰۰۰ نفر برای خرید سبزی و میوه و کوسری بنا می راجه می نمایند زیرا که
بهترین ها را جمع آوری و با قیمت بسیار ارزان در معرض مشتری قرار داده اند

نامدیریت جدید در قالب فروشگاه فرانس فرانسهای با صرفه تراز
فروشگاههای مشابه

خرما رکت

George Hair Design
426 N. Canon Dr.
Beverly Hills, CA 90210
(213) 276-0594
(213) 276-6171

HAIR DESIGN



صندلی برای اجاره موجود است

آرایش عروس

- کوب
- فر
- صاف کردن مو
- رنگ کردن مو
- آرایش ابرو
- کوب
- آرایش کامل (۱۲ تا ۱۵ دلار)
- آرایش عروس
- آرایش عروس
- آرایش عروس

زمانه - مردانه

سالن آرایش پری

شتابزده

نوشته: شالوم علیخیم
ترجمه: ص. ابراهیمی



حضور با هرنور دوست عزیز و محترم جناب شالوم علیخیم:

پس از عرض سلام اولاً اگر جو یای حال بنده باشید بحمداله زنده ام که بسیار جای شکرش باقی است و امیدوارم روزگار به همین شکل نیز وفق مراد حضرتعالی باشد، آمن. دوماً، لازم است به استحضار عالی برسانم که، باکمک خداوند متعال، من اکنون یک پادشاهم؛ چون برای گذراندن عید پسخ نزد همسر و فرزندان و پدرزن و مادرزن و سایر عزیزانم، به کا سریلوکا آمده ام. و در هنگام عید پسخ، همانطور که آگاهی دارید، وقتی یک یهودی در میان عزیزان خود باشد، حکم پادشاه را دارد. باتوجه به کمیبود وقت، لازم می دانم که خیلی سریع مطالبی را که لازم به ذکر است با استحضار آن سرور گرامم برسانم، چون عصر موعود است و در چنین روز عزیزی همه ما مکلفیم که کارهای خود را عجلولانه انجام دهیم. آن هم درحالی که تنها روی یک پا ایستاده ایم؛

زیرا می فرماید «چون توستابزده از مصر بیرون آمدی».

اما کدام مطلب را اول بنویسم، خودم هم نمی دانم. به نظر می رسد که قبل از هر چیز لازم است سپاس و احترام بیحد خود را برای راهنمایی که بمن فرمودید که به شغل دلالتی ازدواج مشغول شوم، خدمتتان اعلام نمایم. باور بفرمائید هرگز و هیچوقت محبتی را که در حد من فرموده اید از یاد نمی برم. شما را از ناکجا آباد یهو پیش و کنار پرزحمت فروشندگی نجات داده برمسند حرفه ای پراحترام و شریف نشانیدید. از این بابت من وظیفه مند دعا و ثنا بشما هستم و احترام به نام شما که براستی استحقاق آنرا دارید.

این کاملاً درست است که بنده تاکنون توفیق به انجام رساندن حتی یک معامله را هم نداشته ام، ولی بهر حال قدم اول را برداشته ام. چرخها به گردش افتاده و هرگاه که درزندگی انسان تحرک و فعل و انفعالی شروع شد، این امید می رود که باکمک خداوند

تبارک و تعالی، چیزی از این فعل و انفعال نصیب انسان گردد. بخصوص باتوجه به این امر که بنده به تنهایی کار نمی کنم. من به صورت شریک با سایر دلالتان ازدواج کاری کنم، دلالتان ازدواجی که در دنیا نظیر ندارند. با داشتن این گونه تماسها، حالا من برای خودم دارای شهرتی شده ام. هر جا برسم و خود را معرفی کنم. من ناحم مندل، اهل یهو پیش — بعنوان یک میهمان عالیقدر از من پذیرائی بعمل می آید. مرایه دختر خانه معرفی می کنند، و دختر کارهایی را که می تواند بکند به من نشان می دهد. بسوی معلم سرخانه رفته و با او شروع می کند فرانسه صحبت کردن. لغت های فرانسه — مثل دانه های لوبیا که از سوراخ کیسه بیرون بریزد — از دهان دختر خارج می شود و مادر می نشیند و با غرور دختر خود را برانداز می کند، گوئی باز بان بی زبانی می پرسد: «چه فکر می کنید؟ قشنگ حرف می زند، نه؟»
دراثر گوش فرادادن به این دختران، خود

از دواج کند. از طرفی یک گروه دیگر هم جزو ابواب جمعی مشتریانم دارم که همه دکتر هستند و خیلی هم شائق به ازدواج.

علاوه بر این، یک گروه هم وکیل و قاضی ده پانزده هزار روبلی دارم، و نیز جوجه وکیل های جوانی که تازه سراز تخم درآورده اند که تا پنج شش هزار روبل و حتی کمتر هم قابل معامله هستند. زائد بر همه اینها یکی دوتا هم مهندس دارم که خرج زندگی خود را در می آورند و چند تائی مهندس دیگر هم هستند که دنبال کار می گردند. تازه اینها کلیه مشتری های من نیستند. مشتری های جور و اجور دیگری هم از قبیل مردان مسن، کاسب هائی که مدرک تحصیلی ندارند ولی سرشناس، باتجربه و باهوشند. خلاصه اینکه برای انتخاب تنوع کافی وجود دارد. اشکال این است که وقتی حضرت آقا خانم را پسندیدند، حضرت علیه جناب آقا را نمی پسندند. وقتی دوشیزه خانم رضایت می دهد، آقا پسرجا می زند. شما ممکن است سؤال بفرمائید که چرا آقائی که از دختر شماره یک خوش نیامده، دختر شماره دورا نمی گیرد؟ من هم این سؤال را بارها از خودم کرده ام و متأسفانه به جوابی که قانع کننده باشد نرسیده ام. می دانید چرا؟ چون در این جور کارها غریبه ها زیادی مداخله می کنند. اینها ممکن است آدم های خوبی باشند، ممکن است سوء نیت نداشته باشند. ولی کاسه کوزه آدم را بهم می ریزند. والیته در این گیر و دار بنده مشغول ارسال و مخابره نامه ها و تلگرافات متعدد و دریافت پاسخ های بی شمارم. خلاصه قریبان، بلشوی غریبی است.

وسط تمام این گرفتاریها، عید پسخ هم از راه می رسد، مثل یک استخوان که توی گلو گیر کند. در این مورد وقتی درست فکر کردم دیدم چندان مسأله ای هم نیست. خوشبختانه جنس مورد معامله من فاسد شدنی نیست - چه ایراد دارد که چند روزی کارم را تعطیل کنم و نزد خانواده خود به کاسریلوکا بروم؟ مدت مدیدی است اینکار را نکرده ام و خدا را خوش نمی آید که اینهمه وقت از زن و بیچه ام دور باشم. مردم چه می گویند و برای خود من هم خوب نیست. نتیجه اینکه من برای عید پسخ به خانه ام آمده ام و این نامه را هم از بنده منزل حضورتان می نویسم. ممکن است بپرسید چرا قبلاً برایتان نامه



ننوشته ام؟ جواب بنده از این قرار است. من و امثال من همیشه خسته و گرفتاریم. همیشه در حال دوندگی هستیم و هرگز استراحت نمی کنیم. من همیشه بخودم می گویم: امروز نشد، فردا. بزودی زود، انشاء الله، ترتیب یک وصلت نان و آب دار را می دهم تا بتوانم بار و سفیدی خدمت شما نامه نوشته اخبار موفقیت خود را بدهم. ولی متأسفانه کلیه این معاملات احتمالی همبطور روی هوا ماند و من هم نامه نوشتن را به تعویق انداختم تا بیایم سرخانه و زندگی خودم و بعداً مصدع شوم. حالا اجازه بفرمائید داستان ورودم را به خانه ام، آنطور که مورد نظر شماست خدمتتان بنویسم. البته اگر قلم بنده کمتر از توانائی بیان داستان را به شیوه استادانه جنابعالی نداشت، پوزش می طلبم. به هر حال هر کس معادل توانائی خود قلم می زند.

بنده - بنده که نه، قطار راه آهن - دیروز به ایستگاه رسید. ولی از ایستگاه تا اینجا گل ولای آنقدر زیاد است که گاری که ما را می آورد تمام شب را در راه بود. در یک مرحله حرکت آنقدر آهسته بود که ظن آن می رفت که مجبور شدیم مراسم عید پسخ را

در میان راه برگزار کنیم چون گاری با اسب ها و گاریچی آن، تا کمر در گل ولای فرو رفته بودند. تصور کنم گل ولای این ناحیه معرف حضور عالی باشد. از وقتی که تصمیم به تسطیح جاده های اطراف این ناحیه گرفته شده، بنظر می رسد که گل ولای ضخیم تر و عمیق تر از قبل شده است. واقعیت این است که مردم از خیر پوشیدن گالش گذشته اند چون بارها اتفاق افتاده که گالش های خود را در گل ولای گم کرده اند. خانم هاهم مد جدیدی اختراع کرده اند و آن این که پابرهنه راه می روند. خدا می داند این زنها بعد از این بفکر چه مد تازه ای بیافتند!

بباری، امروز صبح وقتی به خود کاسریلوکا رسیدیم، کلیه سرتشیمان گاری می بایست پیاده شده و بقیه راه را تا منزل خود با پای پیاده طی طریق نمایند. چه خوش آمدی! در طول راه تا منزل، آشنایان متعددی مرا متوقف نموده پس از دست دادن واحوالپرسی - البته در حالیکه همه ماتازانو در گل فرو رفته بودیم - هریک پرسش یا نظریه ای را مطرح می نمود.

«احوال شما چطور است جناب مناحم مندل؟»

«وضع بازار یهو پتس چطور است؟»

«آقا رانگه، با کلاه فرنگی و نیمه

گالش لاستیکی!»

ومن با عصبانیت جواب دادم:

«باید هم بخندید. در هر نقطه دیگری

از این دنیا مردم به گالش احتیاج دارند، ولی اینجا بدون گالش هم می شود زندگی کرد! اینجا همان قدر خشک و تمیز است که ارض موعود!»

خلاصه باید بختی خودم را به منزل رساندم. منزل نفرمائید که جهنم. از وسط حیاط و آشپزخانه چنان دودی به آسمان تنوره می کشید که گوئی وارد دوزخ شده ای. تمامی اسباب و ابزار خوردن غذا را می جوشاندند تا برای موعود هقعالا کنند و همه مشغول تراشیدن و مالیدن و برق انداختن وسائل آشپزخانه بودند. و غذا، بوی غذای خوش عطر و طعم موعودی، تمام فضا را تاباشته بود و به مشام می رسید. صدای نعره و فریاد همه، از کلفت ها و نوکرها گرفته تا اهل بیت - دستورها، دعاها، شکایت ها و تهدیدها، رو بهم کافی بود که انسان را از نعمت شنوائی

روحی تازه در تن او دمیده باشند چون تصور می کرد که فارغ از مزاحمت، در حمام بتواند بامن به گفتگو بنشیند. ولی این بار هم اشتباه کرده بود چون به مجردی که مایابه حمام عمومی گذاشتیم، جمعیت مثل زنبور دور کندو یا ملخ در سال قحطی ما را احاطه کردند. چیزی نمانده بود که مرا زنده زنده بلعند. همگی از من می خواستند برایشان تعریف کنم که در یهو پتس چه می گذرد. آیا آنچه در مورد اوضاع بد اقتصادی و ورشکستگی های پیاپی شنیده اند صحت دارد یا نه؟ آیا برادسکی ملیونر دیگر بولی در بساط دارد یا نه؟ انگلستان به چه دلیل هنوز با این و آن در کلنجار است؟ اینها و هزاران سؤال دیگر را مثل تیراز چپ و راست شلیک می کردند. اصلاً داشتند تکه تکه ام می کردند و نگذاشتند کمی داخل حمام دراز بکشم و در نتیجه پدرزنم هم نتوانست یک کلمه بامن حرف بزند.

وقتی که برای خرید شراب شب موعود رفتیم نیز همین اتفاق افتاد. به مجردی که از پله های شراب فروشی بودل وین شنکر پائین رفتیم، از همه سوبه من خوش آمد گفتند و مجبور شدم با همه دست بدهم. در این میان، یکی از مشتریان از منی فروش درخواست شراب ساخت فلسطین کرد و بودل وین شنکر (که خیلی پیوتر شده و دندان هایش نیز ریخته) فریاد زد که چنین چیزی وجود ندارد - هرگز وجود نداشته و هرگز هم وجود نخواهد داشت. ولی مرد جوان که بنظر می رسید از سایرین باسوادتر باشد اصرار داشت که چنین چیزی را در روزنامه خوانده است و بودل وین شنکر فریاد زد:

«روزنامه! کدام روزنامه؟ یک مشت دروغ و جعلیات. یک مشت خرابکار باید چنین فکری به کله هایشان زده باشد. شاید صیونیست ها که این روزها اینقدر سروصدا راه انداخته اند!»

ولی مرد جوان دست از یک دندگی برنداشت و گفت:

«مثل تو که جلو من ایستاده ای، انگار آگهی شراب فلسطینی جلو چشم ایستاده. اسمش راهم بیاد دارم شراب کوه کرمل. در تمام مغازه های یهو پتس هم می فروشد.» در اینجا تعدادی از مشتریان که باین مجادله گوش می دادند، خود را جلو انداخته وارد در بحث شدند.

«که فرمودید یهو پتس؟ بفرمائید که شاهد از غیب رسید. این آقا تازه از یهو پتس آمده است. آقای مناخ مندل بروش هرش له دووش! از ایشان می پرسیم!»

بنده سعی کردم باین پرسش پاسخ بدهم ولی میسر نبود چون در مقابل هر کلمه ای که من حرف می زدم ده سؤال می شد و هنوز جواب اولین سؤال رانداده، یک نفر دیگر ده سؤال تازه می کرد. «چرا اسم آنرا کوه کرمل گذاشته اند؟ درخود کوه کرمل تولید می شود یا در فلسطین؟ چطور این شراب را از کوه کرمل به پائین می آورند؟ قیمت آن چند است؟ چه کسی آنرا تولید می کند - مستعمره نشین های یهودی؟ راستی حالا فلسطین به چند قسمت تقسیم شده؟ اسامی و رابطه آنها با یکدیگر و بارون و روتچیلد چیست؟ ببینم، این آقای روتچیلد چقدر ثروت دارد؟ کسی پولدارتر است، روتچیلد یا برودسکی اهل یهو پتس؟ چرا روتچیلد صیونست است و برودسکی نیست؟ راست است که دکتر هرسل مشغول خریدن فلسطین از ترکها برای صیونست ها است؟»

پدرزنم خطاب بمن می گوید «برویم که اینها نه می گذارند من با تو حرف بزنم و نه تو با اینها». تنها طرف عصر بود که پدرزنم در حالیکه بیرون نشسته و مشغول پوست کردن تراب سیاه بود، فرصت پیدا کرد چند کلمه بامن حرف بزند. فقط چند کلمه، چون هر از چندگاه مادرزنم داخل حرفش می دوید که:

«باروخ! باروخ!؟»

«دارم می آیم! دارم می آیم! آمدم!»

در این میان خانم ها کارهای خود را به اتمام رسانده و قشنگ ترین لباس های خود را به تن کرده و جواهرات خود را بخود آویخته بودند، مثل ملکه ها. مادرزنم لباس سبز پررنگ پوپلن بتن کرده و چارقدی گلدار به سر بسته بود. من نیز به نوبه خود لباس های پلوخوریم را پوشیدم. مگر نه اینکه همه مادرشب پسخ مانند پادشاهانیم؟ و در همین موقع بنده چند ورق کاغذ برداشته شروع به نوشتن این نامه خدمت جناب عالی نمودم.

یکبار دیگر، دوست گرانمایه ام، از اینکه با عجله و شتاب این نامه را خدمتان می نویسم، پوزش می طلبم چون شب موعود است. اگر خداوند به من این همت را عطا فرماید ظرف چند روز آینده مجدداً مصدع حضورتان شده نامه ای برایتان خواهم نوشت

— چون فرصت بیشتری داشته و خراهم توانست فارغ از هرگونه قید و عجله ای نامه مفصلی برایتان بنویسم.

ارادتمند همیشگی
مناخ مندل

یادداشت: گویی روی پیشانی من نوشته

شده که هیچ چیز بروفق مرادم نباشد. همه چیز برای اجرای مراسم موعود آماده بود، حال و هوای عید همه جا را فرا گرفته بود که ناگهان این بدبختی مثل صاعقه بر سرمان فرود آمد. هیچ کس نمی داند چطور یک سگ و لنگرد دزدکی وارد آشپزخانه شده و همه سبزیجاتی که پخته شده بود را با گردن مرغ و سایر اغذیه مخصوص سفره پسخ خورده بود. یکباره صدای جیغ و داد زنها بلند شد. انگار سقف آسمان ترکیده بود. گفتم حتماً یا کسی بقتل رسیده یا جانی آتش گرفته یا آب جوش سرکسی ریخته. همه سریکدیگر داد می کشیدند و جمع فریادها بصورت نعره ای عظیم به آسمان برمی خاست. شینه - شیندل سردخترک خدمتکار جیغ می زد و دخترک سر پدرزن من که: «همه اش تقصیر آقا است. انگار مغزشان کار نمی کند چون همیشه در را باز می گذارند. همیشه!»

ولی صدای مادرزنم از همه صداها بلند تر بود: «وای بر من! وقتی همه دنیا می گویند که این مرد دیوانه است، چرا من باور نمی کنم؟ آدم نادان از گناهکار هزار بار بدتر است. آخر چطور ممکن است کسی ادعای پیغمبری بکند، آنوقت در را باز بگذارد تا یکمرتبه آنها شب موعود، سگ به مطبخ بزنند. و میان اینهمه چیز برود سراغ گردن مرغ؟ گفت نمی بارد ولی وقتی هم بیارد سنگ می بارد. من همیشه گفته ام که سگ همیشه بهترین قسمت غذا نصیبش می شود.

حالا چکار کنیم. باروخ! باروخ!»

«آمدم! آمدم! دارم می آیم!»

من به پدرزنم نگاه می کنم و می گویم: «چه رعایای بیچاره ای داری توای پادشاه مفلوک، و پادشاهی توجیه فلاکتی است!» یکبار دیگر مراتب ارادت بنده را پذیرید و پسخ کاشر و پاک و منزهی برایتان آرزو می کنم.

قربان شما
مناخ مندل

(213) 820-4806

12304 Santa Monica Blvd., Suite 218
Los Angeles, CA 90025

General Contractors
Developers
CA State Lic. # 396212

General Contractors
Developers
CA State Lic. # 396212

FARD INC.

شرکت ساختمانی فرد
فعالترین شرکت ساختمانی ایرانی در کالیفرنیا
تخصص در طرح و اجرای ساختمان های اداری، تجاری، مسکونی،
مدرسه، هتل، بیمارستان، مراکز درمانی، مراکز آموزشی، مراکز
تفریحی، مراکز ورزشی، مراکز فرهنگی، مراکز دولتی، مراکز
مذهبی، مراکز تجاری و مراکز خدماتی

(213) 654-5453

San Fernando Valley - Beverly Hills Los Angeles, Santa Monica Board of Realtors
مجری کارشناسان املاک و مستغلات
(213) 654-5451

مختص خدمات مشاوره و همکاری در امور خرید و فروش
خانه - زمین - شاپینگ سنتر - آترمان بیلدینگ و
تجارت با املاک و مستغلات
BRAM REALTORS
Majid Hekmatfah
Real Estate Broker, Realtor

مختص خدمات مشاوره از مدلرترین سیستم کامپیوتری
با استفاده از مدلرترین سیستم کامپیوتری
مختص خدمات مشاوره از مدلرترین سیستم کامپیوتری
با استفاده از مدلرترین سیستم کامپیوتری

(818) 501-5144

15130 Ventura Blvd., Suite 207
Sherman Oaks, CA 91403

دکتر جعفر جمالی
عضو انجمن حسابداران داخلی آمریکا (از سال ۱۹۷۴)
حسابرسی رسمی

Right Accounting Service
• مالیات های حقوق و تنظیم فرم های مربوطه
• حسابداری - حسابرسی - دفتر داری
• تنظیم و اجرای سیستم های حسابداری
• مشاوره مالی و مالیاتی و خدمات مدیریت
• مشاوره کلیه امور: مالیاتی (انفرادی - شرکت های سهامی)



«قدسی خانم...» در نقش کارآگاه خصوصی»

مدتی دلش به سریال های بی سروته تلویزیون خوش شد و با قهرمانان آن خندید و گریست. چندی بکار این و آن دخالت کرد و تلفن را وسیله غیبت و بد گوئی قرار داد. مدتی هم وسیله خیر شد و دختر و پسر مردم را به حجله فرستاد و یا در لباس دلسوزی مانع از بهم رسیدن آنها گردید! اما... دید باز وقت اضافه که دارد هیچ هنوز احساس رضایت نمی کند شاید به خاطر این که کار مثبتی انجام نمی داد! فکری به خاطرش رسید: چرا بکار و کاسبی شوهرش کمک نکند؟ چند روزی از صبح کفش و کلاه کرد و با شوهرش رفت «داون تاون» اما از آنجا که مرد ایرانی میل ندارد وعادت نکرده که زن از کار و کاسبی او سر در آورد و در شأن او نیست که راجع به کسب بازن خود مشورت کند خیلی زود زیر آب قدسی خانم زده شد. او از اینجا مانده و از آنجا رانده تصمیم گرفت برای خود یک هابی سازنده درست کند.

فیلم پلیسی آنروز عصر الهام بخش قدسی خانم شد. مگر او چه چیزش از آن نره غول و سیبل گنده کمتر بود؟ چرا تا بحال بفکرش نرسیده بود بحال جامعه مصدوم از ترور و وحشت و قتل و جنایت امریکا مفید واقع شود؟ راستی هم توی این مملکت گل و گشاد روزانه هزار قتل نفس اتفاق می افتد همه را که نباید بعهده پلیس بدبخت گذاشت! دولت امریکا با خوشروئی و آغوش باز قدسی خانم را پذیرا شده بود — بهتر است بگوئیم که به حساب بانکی شوهر او پناهندگی داده بود! و حالا او می خواست این لطف و محبت را با خدمتی آنچنانی، جواب داده و دینش را ادا کند. خدارا شکر که کنبجکاو و فضولی و سرازکار دیگران در آوردن که لازمه کار جدید بود از خصائل همیشگی قدسی خانم و آمیخته با خون او بود. فقط کمی همت و پشتکار لازم بود...

صبح روز بعد همیطور که باغچه جلوی خانه را آب می داد و آوازی زیر لب زمزمه می کرد چشمش به درخانه همسایه رو بروئی افتاد. و با کمال بهت و حیرت دید که زن زیبا و لوندی که سینه های هوس

از وقتی که دختر قدسی خانم شوهر کرد و به خانه بخت رفت قدسی خانم بیچاره هم از تک و تا افتاد و خانه نشین شد. دیگر نه میهمانی می رفت و نه میهمانی می داد تا مردم دخترش را ببینند. بکلی بیکار و بازنشسته شده و به اصطلاح به آخر خط رسیده بود! اینجا دیگر تهران نبود که هر روز و هر ساعت که اراده کند و میلش بکشد کفش و کلاه کرده و به خانه این عروس و آن عروس سر بزند. چون مسافت ها طولانی بود و در ضمن کسی هم خانه نشین نبود، همه از زن و بچه و کوچک و بزرگ در پی نان در آوردن بودند. نوه ها هم مثل آن موقع ها دور و بر قدسی خانم نمی پلکیدند. هر وقت هم فرصتی دست می داد و در جوار او بودند یا فکر و ذکرشان پیش تلویزیون بود و یا با هم انگلیسی حرف می زدند! و بیشتر دل قدسی خانم را می سوزاندند.

بیچاره قدسی خانم، بیچاره زن یهودی ایرانی که هم دل و جاناش، هستی و نیستی و بود و نبودش بچه بزرگ کردن و خیر دختر و پسر دیدن است. همین و بس دنیای این موجود از خود گذشته از این فراتر نمی رود. هیچکس به این «قربانی» یاد نداده که جز بختن و به شکم دیگران ریختن سر گرمی و لذت دیگری هم در این دنیای گل و گشاد وجود دارد. کسی دلش بحال این برده ابدی، که زندگیش در وابستگی و همبستگی با دیگران خلاصه می شود، نسوخته تا پایانی برای دوره اسارت او تعیین نکند. تا به او امکان دهد اگر نه لذت آزادی، اما لطف و ارزش فراغت و آسودگی را دریابد و از آن برای خود توشه فراهم کند. زندگی زن یهودی ایرانی معنا و مفهومی جز خانواده یا فامیل ندارد. و هنگامی که همه رابه سر منزل مقصود رساند و دیگر نتوانست مشر ثمری باشد زندگی برایش پوچ و خالی می شود. تنها می ماند و تنها بودن به معنی مفید نبودن و بدرد نخوردن است! از دست قدسی خانم هم دیگر کاری بر نمی آید. او آردش را بیخته و الکش را آویخته بود. قدسی خانم دیگر کاره ای نبود و همین امر داشت دیوانه اش می کرد! چند هفته ای خودش را با دوره های زنانه سر گرم کرد.



ESHAGHIAN
INSURANCE SERVICES

داشتن بیمه در امریکا،
امری است ضروری

شرط انتخاب بیمه صحیح، برنامه درست و برخورداری
از سرویس پس از فروش است

21041 BURBANK BLVD. SUITE 200
P.O. Box 4049
WOODLAND HILLS, CA 91365-4049
(818) 704-5888

دفتر خدمات بیمه اسحقیان
مشاور و راهنمای صدیق شما

Nahid
ناهید



متخصص در رنگ، مش، فر، میزانیلی،

آرایشگاه آنتونیو
نشانی: ۱۲۶۷ وست وود بلوار - یک بلاک جنوب و بلشر

آرایش صورت

(۲۱۳) ۴۷۷-۲۲۵۵

و کوپ با مند و بدل ساسون

WEST L.A.

وست ال - ال

عرضه کننده تازه ترین، سالم ترین و مطمئن ترین

گوشت کلات کاشر

دارای پروانه رسمی کشور از انجمن ربای های کالیفرنیا معروف به (آر.سی.سی.سی.)

مواد غذائی مورد نیاز شما با قیمت های استثنائی

WEST L.A.

10608 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

(213) 837-6688

بامد بریت: صیون عزیز

(213) 278-0322

9400 Brighton Way, #409
Beverly Hills, CA 90210
تلفن ۲۴ ساعته

- * درای برد تخصصی جراحی کلیه از امریکا
- * رنژی یعنی جراحی بیمارستان وست ساید
- * رنژی یعنی جراحی بیمارستان بورتلی هیلز

ویتالوژی جنسی مردان
جراحی و متخصص بیماری های کلیه و مخاری ادراری عقیمی

دکتر همیشه التست

(213) 274-2600
9090 Burton Way
Beverly Hills, CA 90211

در بورتلی هیلز

(818) 784-6961
16661 Ventura Blvd, Suite 415
Encino, CA 91436

در وولگی

• COMPLETE PHYSICAL THERAPY MODALITIES,
BIOFEEDBACK CLINIC, ACUPUNCTURE

با یوفیدنگ و طب سوزنی
کاملاً فیزیوتراپی، ماساژ، فیزیوتراپی،
کالینیک

• ELECTROMYOGRAPHY & ELECTRODIAGNOSIS
و استخوانی توسط الکترومیاگرافی و الکترودیگنوسیس

الکترومیاگرافی و الکترودیگنوسیس

- PERSONAL INJURY & WORKMEN'S COMPENSATION
• PREVENTIVE MEDICINE
• CHRONIC PAIN MANAGEMENT
• AMPUTATION ARTHRITIS
• SPORTS INJURY, MULTIPLE FRACTURES
• BRAIN TRAUMA, SPINAL CORD INJURY, STROKE

متخصص توانبخشی از دانشکده های پزشکی و کالینیک های فیزیوتراپی

دکتر کامران حکمتیان

Kamran Hakimian, M.D.
Medical Director of Rehabilitation Center

(213) 276-7406

435 N. Bedford Dr., #1111
Beverly Hills, CA 90210

بدرتلی هیلز
هفت روز هفته
پانجمین وقت قلبی

- روت های جنسی و زنانی
- جراحی و درمان بیماری های لته
- روت های جنسی و زنانی
- روت های جنسی و زنانی
- روت های جنسی و زنانی
- روت های جنسی و زنانی

دانشگاه North Western پزشکی

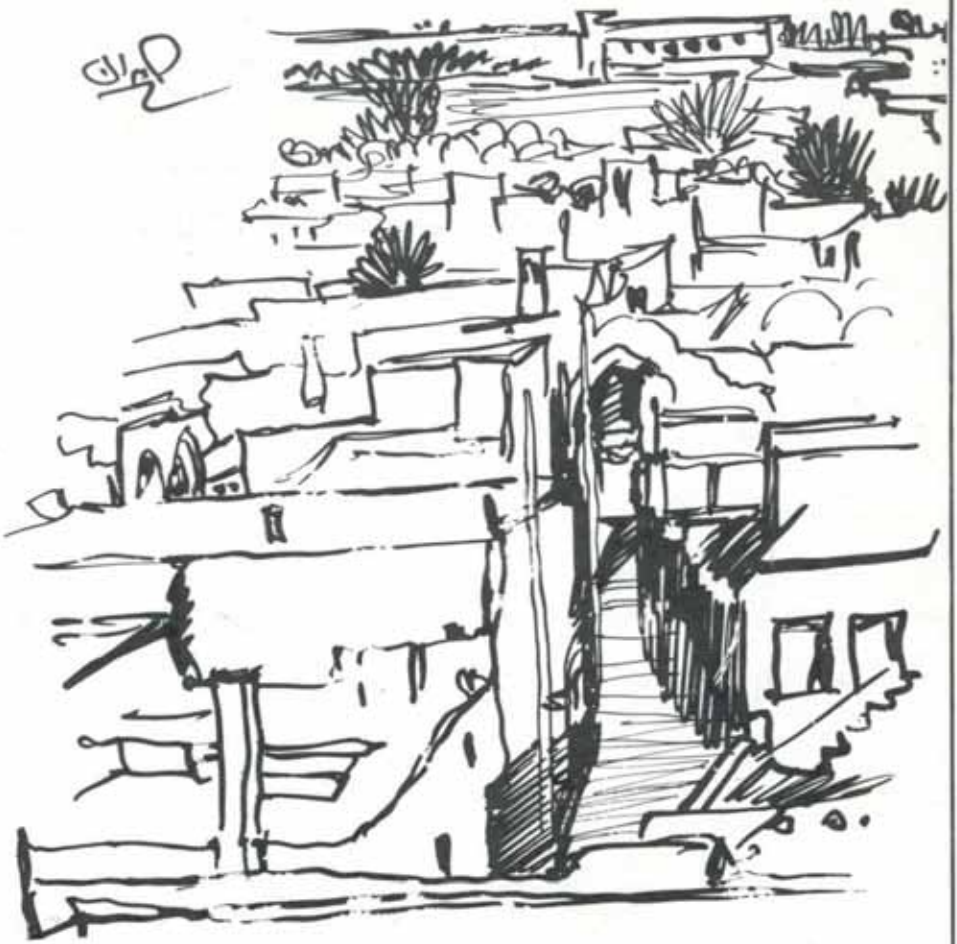
دندانپزشکی

دکتر کوریش عقیمی

من به تازگی به جمع مشترکین مجله وزین شوفار پیوسته ام و مقاله ای که در مورد ازدواج جوانان یهودی، به خصوص جوانان یهودی ایرانی با افراد غیر یهودی بود نظر مرا به خود جلب کرد. در این مورد خواستم چند نکته ای را یادآوری نمایم.

من ایام طفولیت خود را در محله جویباره اصفهان (بایه اصطلاح دیگر جهانباره) به سر برده و خاطرات دوران کودکی، چه تلخ و چه شیرین، همواره در نظرم می باشد. من هم اکنون جوانی هفتم ۲۸ ساله، شاید من از آخرین نسل یهودیان ایران هستم که هنوز دوران زیبایی را که خود شاهد بوده ام یاد می آورم که تمام هم کیشان در محله اصفهان همسایه بودند و در غم ورنج یکدیگر شریک بوده، تمام خانواده ها به یک حمام عمومی اختصاصی یهودیان می رفتند. مرغ هایشان را ملاهای یهودی روزها جمعه صبح شحیتا می کردند، عروسی ها و مجالس اعیاد و ختنه سوراها ماهی و پلومی دادند، و از همه مهمتر باهمدیگر به زبان شیرین محله ای صحبت کرده و فرزندان خود را همگی به دبستان و دبیرستان اتحاد می فرستادند و هزاران هزار خاطره های دیگر که شاید در فرصتی مناسب تر روش زندگی، نوع غذاهای مخصوص شبان، طرز عروسی ها و نحوه برگذاری مجالس مذهبی را برایتان خواهم نوشت.

در هر صورت این آخرین نسلی که من جزء آن نسل می باشم، کم کم از محله قدیم جویباره به بیرون کوچ کرده و بچه های هم سن و سال من بخاطر تحصیلات عالی بارسفر رابسته و هرکسی الان در حال حاضر در محلی سکونت دارد. بعضی ها در تهران، و بعضی در اروپا و بعضی در امریکا وعده ای معدود هم هنوز در اصفهان مسکون می باشند. بچه های هم سن و سال من در تمام دوران طفولیت با طرز فکر یهودی، زندگی یهودی و سنت های والای یهودی بزرگ شدند و مذهب عزیزمان را همواره بخشی ناگسستی از طرز فکر، طرز رفتار و طرز زندگی خود می دانستند. من، پس از اخذ دیپلم با هزاران امید بارسفر بسته تصمیم گرفتم برای تحصیلات عالی به امریکا بیایم. اتمام تحصیلات من مواجه شد با شرایط نامساعد زندگی در ایران و به ناچار من در امریکا ماندنی شدم. در این مدت در بدری سرنوشت آن چنان با



نامه ای از یک خواننده

نامه زیر از سوی یکی از خوانندگان ما که جوانی است یهودی مقیم شهر دالاس در تگزاس بدست ما رسیده است. این نوشته که صمیمانه است و پرمحتوی، نشان دهنده یکی از دردناکترین مشکلات جامعه ما یعنی مسأله ازدواج جوانان است.

فدراسیون یهودیان ایرانی بابر یادداشتن سمینارهای متعدد و درج نقطه نظرهای گوناگون صاحب نظران اجتماعی، همیشه کوشیده است تا خانواده ها را از زیانهای زیاده خواهی و مضرات آتی آن در زندگی مشترک جوانان آگاه سازد، ولی با کمال تأسف هنوز هم هستند افرادی که سعادت فرزندان خود را تنها در پول و ثروت می بینند، پیوندهای زناشویی جگر گوشگان خود را بر مبنای مادی می گذارند و صد البته نتیجه آنهم گسستن های پیاپی این پیوندهاست که بدبختانه هر روز نمونه ای از آن پیش روی ماست.

نقطه نظرهای ارزنده این جوان هم کیش را با هم می خوانیم - با این امید که ایشان رابطه خود را با شوفار حفظ نموده و همانطور که وعده کرده اند، خاطره های خود را از زندگی در جهانباره اصفهان و دانسته های خود را از فولکلور مردمی این محله یهودی نشین به قلم کشیده برای ما بفرستند.

Gity Tour Travel

آژانس مسافرتی گیتی

به مدیریت گیتی کیانفر (منتخب)

فرارسیدن نوروز باستانی را تبریک گفته و آرزو مند است در سال جدید بتواند همچنان به خدمات خود بجامعه ایرانیان ادامه دهد.

• نرخ ویژه پرواز به تهران از طریق وین
۷۵۰ دلار (تا تاریخ ۱۵ ماه مه)

- تهیه بلیط پروازهای داخلی و بین المللی
- رزرو هتل و اتومبیل در سراسر جهان
- تورهای دست جمعی در سراسر جهان
- تورهای دست جمعی و انفرادی
- تورهای دریائی

8929 Wilshire Blvd., Suite 100
Beverly Hills, CA 90211

(213) 652-3057

خوبان

بایش از یکصد محصول غذائی،

مطابق ذائقه، طعم و سلیقه مشکل پسند ایرانی تهیه گردیده است.

غذای مطبوع و دلچسب ایرانی با محصولات غذائی

خوبان

KHOOBAN FOODS INC.

8879 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

(213) 278-7811
(213) 859-0923

حبوبات، برنج امریکائی (ایوانز - وطن) - روغن (مازولا - ماژیک)

قند - جای - خرما - خشکبار - آب میوه (انار، ...)

انواع بیسکویت - خیارشور و ترشیجات

و صدها نوع جنس دیگر

از ساعت ۱۰/۵ صبح الی ۱۲ شب

1525 N. La Brea Ave.
Los Angeles, CA 90028
(Corner of Sunset & La Brea)
(213) 874-0144
(213) 874-6168



مشرقی انواع بستنی های تازه برای اکثر مشتریان

اینکه بستنی بستنی ای هل و گلاب و کرامت می توانند

هفتمین سال تأسیس بستنی
اکثر مشتریان در آمریکا

مقارنات شما بطور رایگان تصور می شود
مقارنات شما برای جشن ها و مهمانیها
بندوبسته می شود

Beverly Hills Acura
9000 Wilshire Blvd.,
(213) 271-1211

(213) 271-1211

لطفاً فقط با بستنی وقت بکنی
(۲۱۳) ۲۷۱-۱۲۱۱



در خرید انواع اتومبیل «با کیفیت مناسب می
اگر اجازه بفرمائید، ما را به راهنمایی و برای شما
باشم.»

مختلف به فریب بهترین اتومبیل های سال ۱۹۸۷ یعنی
فریبگاه «نورلی هیلز اکورا» هستیم. فریبگاه می که
بسیار ساده و هماهنگ کننده قسمت «فریبگاه» و «سی»
اجازه بفرمائید خودم را معرفی نمایم. من مانک را شایسته

۱۹۸۷ سال منتخب اتومبیل

ACURA

(213) 208-5834

964 Gayley Ave.
Los Angeles, CA 90024

مستحص در عرضه برخی های ارزان و امور
مسافرتی ایرانیان با ۲۸ سال تجربه

باجت ایتیریشنال

آژانس مسافرتی



دنيس ناقي

وکیل محبوب جامعه ایرانی

فرارسیدن سال نو و موعد پسخ را صمیمانه تبریک و تهنیت می گوید



دفتر وکالت دنيس ناقي

ما با شما مثل یکی از افراد خانواده خود رفتار می نمائیم

در منطقه ولی

16661 Ventura Blvd., #811
Encino, CA 91436

(818) 501-8855

در اورنج کانتی

8361 Westminster Blvd., Suite 210
Westminster, CA 92683

(714) 891-5111

در بورلی هیلز

8501 Wilshire Blvd., #315
Beverly Hills, CA 90211

(213) 657-2825

• پنداری پیدا شود.
• نادر پنداری پیدا شود، امده
• صبر کنی تا نیکو پنداری پیدا شود.
• ناز می گویند فردای دگر

• جز فریب و جز فریب و جز حاصل، چه زین
• جز درویش و جز درویش و جز حاصل، چه زین
• ماهان بد بخت و جوان و بی نصیب
• هر که آمد با وجود راست و رفت

داوری

از: مهدی اجوان ثالث (امده)

• پنداری پیدا شود، اهل ده با خبرند.
• نماند آنجا آنی، آنی است.
• مردم می دانند که پنداری چه گلی است
• گمان درده با دست خسته است
• گمان پنداری خسته پنداری
• پنداری پنداری
• پنداری پنداری، گمان پنداری پنداری
• مردم با دست خسته پنداری پنداری

آن

از: سهراب شهری

• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود

از: فریخ فرخزاد

• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود
• پنداری پیدا شود

از: مولانا خلیل الدین محمد بلخی

پنداری پیدا شود

ماوشما



● پشوانه ما، مقالات، مطالب و نظریاتی است که صاحبان قلم و اندیشه برای نشر در شوفار می فرستند.

● در این صفحه تنها به نظرات و نامه هائی اشاره می شود که نام نویسنده (و یا گوینده نظر)، آدرس و شماره تلفن آن ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و باباسخ به تلفن های بی نام خودداری می شود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.

● مقالات و مطالبی که به دفتر شوفار نویسندگان می رسد متعلق به شوفار بوده و در صورت لزوم تصحیح و تلخیص می شود. از چاپ مطالبی که با خط مشی نشریه مغایرت داشته باشد معذوریم.

● تلفن شوفار ۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳) و آدرس ما پست مجله چاپ شده است □

● سخنی با خوانندگان عزیزی که برای شوفار نوشته می فرستند.

نوشته های شما بدست ما می رسد لیکن حجم مطالب دریافتی بقدری زیاد است که صفحات محدود نشریه برای درج آن کافی نیست. به یکایک خوانندگان گانی که بما لطف کرده نوشته های خود را در اختیار ما می گذارند اطمینان می دهیم که از نوشته هایشان (البته پس از بررسی و تأیید شوفار نویسندگان) به ترتیب دریافت برای درج در شوفار استفاده خواهد شد.



● تعداد زیادی نامه و تلفن در طی ماه گذشته از خوانندگان عزیز بدست ما رسیده که اقدامات فدراسیون یهودیان ایرانی را در مورد باشگاه بزرگسالان مورد تشویق و تمجید قرار داده اند. فدراسیون یهودیان ایرانی ضمن سپاسگزاری از هم کیشان عزیز لازم می داند مراتب سپاس خود را از گروهی از خانم ها

و آقایان داوطلب که از ما خواسته اند از ذکر نام آنان خودداری کنیم و مقدار زیادی از وقت و نیروی خود را صرف امور این باشگاه می کنند تشکر نماید. توجه شمارابه گزارشی که از این بابت در این شماره آمده جلب می نمائیم.



● آقای بنیامین طیب نیا از نیویورک ضمن نامه محبت آمیزی که برای ما فرستاده و نویسندگان شوفار را مورد تشویق قرار داده اند، دو مقاله تحت عنوان های «چرا و چگونه فراموش کنیم» و «چه آسان خون پاک و گرمشان را بر زمین سرد پاشیدند» نوشته اند. با سپاس از این خواننده و نویسنده گرمی، همانطور که در بالا اشاره شد، از نوشته های ایشان بتدریج برای درج در شوفار استفاده خواهد شد.



● آقای دکتر باهداد مقاله ای تحت عنوان «شیات - پیمان خدا با قوم یهود» نوشته اند که در آن علل مقدس بودن و لزوم اجرای فرایض مذهبی در روز شیات بر شمرده شده. از این مطلب نیز در فرصت مناسب استفاده خواهد شد.



● آقای میرزا آقا رهبان در مورد تاریخچه آلیانس و آموزش های دینی جوانان یهودی می نویسند:

«این روزها در مجالس و محافل و کوچه و بازار در طی دردلهای خودمانی غالباً به این نکته اشاره می شود که تکلیف اولیای فرزندان که به این دیار غربت خواهی نخواهد رانده شده اند چیست؟ باید چه کنند که اولادشان در ورطه فساد و آلودگی های ناپاک نیفتند و در اثر معاشرت با هم شاگردی های ناجور کمال هم نشینان ناهل بر آنها اثر نگذارد. به عقیده این حقیر تهدید به این مخاطرات از روز بنیاد عالم تا اکنون وجود داشته و خواهد داشت. در هر محیط و هر زمان این میکرب کم و بیش در شو و نما بوده است

چه در وطن ما ایران و چه در ممالک غرب و غربت به این مسأله درگیر بوده هستیم. در اوآن طفولیت بخاطر می آورم که زعمای قوم ما که در کشورهای غربی بتازگی از نعمت آزادی برخوردار و نسبت به سایر شهروندان حقوق برابر و متساوی بدست آورده بودند از جمله این اشخاص شهرت: بارون هرش - موشه مونتس فیور - بارون روچیلد پایه گذاران ایلیانس ایترائیلیت برای نجات یهودیان که در بند جور و ظلم قرار داشتند علاج را فقط در بسط علم و دانش و هنر پنداشته و در هر کشوری که اقلیت یهودی وجود داشت مدرسه ای تأسیس نمودند و از این جمله شخصیت با استعداد و لیاقتی را به تهران گسیل داشتند که در اثر مجاهدت های زیاد و کمک سفارت فرانسه در ایران تحول شایان تحسینی در شیوه زندگی مردم ما فراهم آورد. با کمال تأسف این تحول باب طبع قشرون نبود چون وهم آن داشتند که مبادا این گونه برنامه ها که بر اساس تمدن خارجه اجرا می شود دانش آموزان را از تعلیمات دینی بدور نگاه داشته و تنزل زلی در اصول عقیدتی آنان فراهم آورد. مدت زمانی این مشاجرات بطول انجامید تا اینکه با موافقت بت دین از سه زبان که در مدرسه تدریس می شد (فرانس، فارسی و عبری) بزبان اخیرالذکر توجه بیشتری به دروس عبری و تبلیغات مذهبی بعمل آمد.

اگرچه این امر به آموختن زبان عبری کلاسیک کمکی نکرد ولیکن از لحاظ درک معانی و تاریخ و فلسفه دینی و فرهنگ یهودیت شاگردانی که فارغ التحصیل می شدند نه تنها از فساد و انحراف اخلاقی نااندازه ای مصون ماندند بلکه از روی آوردن به عقاید ناباب دیگران هم بدور ماندند.

بنابراین مقدمات برای اجتناب از آلودگی جوانان لازم است آنرا از معاشرت با هم نشینان آلوده منع کرد. و با تأسیس مدارس علوم دینی و مدنی توأم اقدام کرد چنانکه بچشم می بینیم هم کیشان امریکائی ما که در جاده علم و معرفت از ماجلوترنند سالن عبادت (کنیسا) راجزئی از یک مدرسه قرار می دهند بعلاوه معلم مجرب و کارآزموده که در آموزش زبان عبری مسلط باشد اجیر کرده اند تا نونهالان ما را به فرهنگ و سنن و تاریخ یهودیت آشنا و آماده سازند، و حتی در موقع تعطیلات سالیانه تعدادی برای مباحث و آموزش بصری به اسرائیل فرستاده می شوند

دکتر بیتون بروکھیم
Bijan Broukhim, M.D.

جراح و متخصص بیماریهای زنان - زنان و نازایی

16311 Ventura Blvd., Suite 745
Encino, CA 91436
(818) 501-6775

9090 Burton Way
Beverly Hills, CA 90211
(213) 273-5151

مؤسسه رسمی دارالترجمه
فنی شایان

۷۲۴ شماره ثبت

مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران
مترجم رسمی دادگاههای اوس انگلیس
کتاب آموزش ترجمه و مکاتبات تجاری شما را
در اسرع وقت انجام می دهد

16000 Ventura Blvd.
5th Floor
Encino, CA 91436
(213) 784-7236
(213) 784-7321
Res. 852-4911
۱-۸۰۰-۵۳۱-۸۸۱۱

دکتر آونر منظور

و نازایی
متخصص بیماریهای زنان - زنان

۷۳۵-۷۰۷۱-۷۱۳ (۲۱۳) تلفنی
۷۳۵-۷۰۷۱-۷۱۳ (۲۱۳) تلفنی

مطلب: سیدرینای - سونیت 735E
پدرزایی: ۷ روز هفته - ساعتی وقت قلبی


فرزندان خود را
بازبانان شستین فانی آشناسازید

کلاسهای زبان فارسی دکتر بروکھیم

241 S. Moreno Dr. #124
Beverly Hills, CA 90212
(213) 854-1156


فدراسیون یهودیان ایرانی

سازمانی غیرانتفاعی است و
کمک های نقدی شمایه
فدراسیون هرینه قابل قبول
مالیاتی تلقی می گردد.



استفاده خواهد شد.


از آنجایی که این مؤسسه نیز در شماره های آبی حقوق
مطلبی زیر عنوان «فیضات مبتدیان» نوشته
نویسنده ایشان تحت عنوان «از دست ندهید»
همکار با آقای دکتر هوشنگ انزلی و حسین
آقای دکتر داوید یحییان پس از توفیق *



۴۷۵-۳۸۰۵ آ آ ۴۷۵-۳۸۰۵
تلفنی آقای دکتر و آ آ ۴۷۵-۳۸۰۵
شماره (۲۱۳) می باشد.

پروژه های هرینه های پزشکی خود نمی باشد
همکاری با هموطنان می باشد یعنی که قادر به
آگاهی می باشد که ما بدانیم که ما بدانیم که ما بدانیم
از خدمات این بیمارستان می اطلاع دهید به
می رسد که این بیمارستان مستقیم اوس انگلیس
ایرانی متعلق خدمت می باشد و چون بطور
استجاب و مساعدی دیگر از پزشکان یهودی
بیماران عزیزم قرار دهد. در این بیمارستان
مازین لیون کینگ اطلاع می در اختیار هم
لازم می داند در مورد تسهیلات بیمارستان
بویسد:

* آقای دکتر بهمن قلک آ آ می



برای مردم ما باعث سرفروزی گرددند.»

با توجه به این وضعیت و شرایط مالی یهودیت خود نیز
خودتان به آموزش زبان عبری ایرانی باقی
ماندنی از آشنایی با محیط ارض موعود، علاوه



Joseph Boodaie B.S., M.B.A.

Tax Consultant

Nationwide Tax Consultants Inc.

یوسف بودائی

مشاور امور مالیاتی و

حسابداری

افتتاح دفتر خود را در بورلی هیلز - لوس آنجلس به اطلاع می رساند

انجام کلیه خدمات حسابداری و تهیه فرم های
مالیاتی تشکیل و انحلال شرکت ها

8850 Wilshire Blvd., 2nd Floor
Beverly Hills, CA 90211

(213) 657-3077

16311 Ventura Blvd., Suite 640
Encino, CA 91436

(818) 789-9000

(818) 789-6969

دنیای

پرده

دوخت و نصب انواع مدل های پرده

وارد کننده بهترین انواع پارچه های پرده ای و تورهای گیپور

World Wide Drapery Fabric Inc.

COMMERCIAL & RESIDENTIAL

934 S. Wall St.
Los Angeles, CA 90015
Between 9th St. & Olympic Blvd.



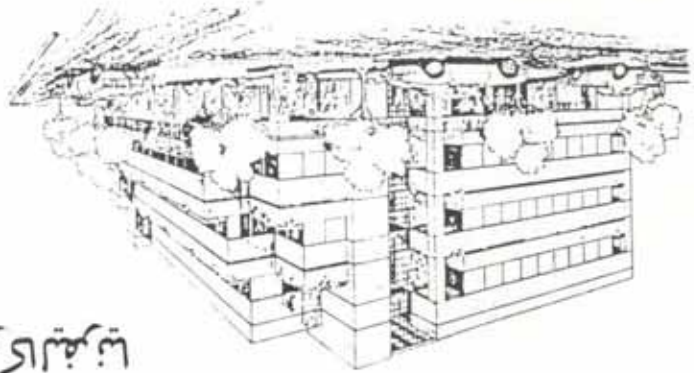
(213) 683-1488

Lic. # 414690

(213) 659-7070

8500 Wilshire Blvd., Suite 923
Beverly Hills, CA 90211
La Cienega & Wilshire

Contractors/Developers
ABCO BUILDERS CORP.



و پروژه های متعدد دیگر در لوس آنجلس

Wilshire House

مخبری پروژه عظیم زمره در شهرک غرب تهران و پروژه

و مدیریت مهندسی فریدون بهفرین

(۴۹ سال سابقه کار اجتماعی در لوس آنجلس)

با همکاری Joe Houston

با سابقه ترین شرکت اجتماعی ایرانی در آمریکا

- اجرای کامل پروژه با تضمین Performance Bond
- کاهش ریسک در اجراء و مدیریت ساختمان
- هماهنگی امور طرح، تهیه نقشه و پروانه های ساختمانی
- ارزیابی در محل، محاسبات اقتصادی و مشاوره رایگان

شرکت انکو در انجام امور ساختمانی شما قابل رقابت است

زمان تحویل کار قیمت تجربه

با کمال افتخار نوروز باستانی و عید ششم و اثنی عشرت عرض نموده، سالی پرستاد و موفقیت آمیزی را برای همه مهندسان گرامی آرزوی می نمایم.

شرکت ساختمانی انکو

شرکت ساختمانی انکو





مرکز کاریابی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی
درلوس آنجلس بزرگ

• همانطور که در شماره قبل نظرتان رساندیم بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاریابی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افراد جوای کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری از دوستان ایرانی جوای کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دو مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو ولی نام و نشانی و تخصص افراد جوای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به معرفی افراد جوای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جوای کار را برای می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو ولی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرد مورد نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان عزیز ایرانی با مرکز کاریابی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همکاری و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود ■

انجمن ها و سازمانها

سازمان نصح اسرائیل

روز ۲۸ ژانویه ۱۹۸۷ مجلس جشنی برای اعطای جوایز برندگان تور او می تصواد رسالین اجتماعات قدراسیون یهودیان برگزار گردید. در این جشن، در میان دانش آموزان منتخب نام چهار نوجوان با استعداد ایرانی می درخشید. نوجوانانی که با کوشش و همت خود نه تنها در آموزش فرهنگ یهود موفق بوده اند، بلکه با خدمت به جامعه و کمک به افراد آن، برای خود و جامعه شان افتخار آفرین بوده اند.

از دانش آموزان مدرسه نصح اسرائیل خانم هاشرین شادپور و اودت داهی و از دیگر مدارس آقایان پیام دانیال پور و دیوید یوسف زاده بعنوان دانش آموزان ممتاز از میان تعداد زیادی دانش آموز مدارس یهودی لوس آنجلس (اعم از ایرانی و امریکایی) انتخاب شدند که مایه افتخار جامعه ما می باشند.



برنامه اردوی تابستانی جوانان در اسرائیل که توسط مدرسه نصح اسرائیل ترتیب داده شده برقرار می باشد:

مخصوص نوجوانان ۱۲ - ۱۸ سال

تاریخ: بیست و ششم جولای تا بیست و سوم اگوست ۱۹۸۷.

برنامه ها: بازدید از نقاط دیدنی کشور اسرائیل - آشنائی با تاریخ یهود - کلاس های زبان عبری - آشنائی با دانشگاهها و اساتید دانشگاهها - ملاقات با اعضای پارلمان و...

محل اقامت: در ریشالیم خوابگاه نوجوانان و هتل های سه ستاره.

مراسم شبانته: شبانته بصورتی زیبا برگزار خواهد شد. از بعد از ظهر روز جمعه تا پایان شبانته هیچگونه مسافرتی بعمل نخواهد آمد، و شرکت کنندگان آزاد خواهند بود.

قیمت کل: مبلغ ۱۴۰۰ دلار شامل تمام هزینه های مسافرت، پرواز، سه وعده غذا در روز - کلاس های مختلف و بیمه پزشکی، پلیس های ورودی، حمل و نقل از و به فرودگاه بن گوریون. مبلغ ۱۴۰۰ دلار هنگام ثبت نام دریافت می شود.

مهلت ثبت نام: آخرین مهلت ثبت نام ۲۰ می ۱۹۸۷ می باشد. ثبت نام بعد از ۱۵ می تا سی ام ژوئن فقط با مبلغ کل ۱۵۰۰ دلار انجام خواهد گرفت.

سرپرستی گروه:

مریام باتجریه اسرائیلی است.

چگونگی وضع مدارس الیانس در ایران

نقردانش آموزان سال ششم تعداد ۵۲ نفر آنها امتحانات نهائی را با موفقیت گذرانده اند. پس از خاتمه تحصیلات ابتدائی دانشجویان یهودی تحصیل خود را باید فقط در مدرسه یهودی این میمون دردمشق ادامه دهند. در این نشریه وضع جامعه یهودی سوریه بسیار مشکل توصیف شده است.

جدول زیر وضع مدارس اتحاد را در ایران در سال تحصیلی ۱۹۸۴-۱۹۸۵ نشان می دهد:

نام مدارس	کل دانش آموزان	تعداد دانش آموزان یهودی
مدرسه اتحاد زاله	۶۲۱	۲۹۳
مدرسه زرگریان	۲۷۳	۶۱
دبستان پسرانه کرمانشاه	۱۷۶	۷۴
دبستان دخترانه کرمانشاه	۱۸۴	۷۵
دبستان پسرانه اصفهان	۵۶۹	۶۷
دبستان پسرانه یزد	۲۴۹	۳۷

به موجب اطلاعیه نشریه الیانس در شرایط سخت کنونی ایران مدارس اتحاد در این کشور همچنان به فعالیت خود ادامه می دهند. تعداد کل دانش آموزان این مدارس در سال تحصیلی ۱۹۸۵-۱۹۸۴، ۲۰۷۲ نفر بوده است که از این عده ۸۹۴ در تهران و ۱۱۷۸ نفر در سایر شهرستانها به تحصیل اشتغال داشته اند. از این تعداد ۶۰۷ نفر دانش آموز یهودی و بقیه غیر یهودی بوده اند.

اگرچه اکثریت دانشجویان مدارس اتحاد را محصلین غیر یهودی تشکیل می دهند ولی مدرسه برنامه تعلیم زبان عبری و شرعیات یهود را طبق معمول ادامه داده و کلیه مدارس اتحاد در ایران - در اعیاد مذهبی یهود تعطیل بوده و دستوران کثرت در این مدارس کاملاً رعایت شده است.

همچنین به موجب این آمار در مدرسه الیانس در پاریس ۲۳۸ دانشجوی یهودی به تحصیل اشتغال دارند که تعدادی از آنها را دانشجویان ایرانی ولینائی تشکیل می داده اند.

ضمناً در این نشریه گفته شده است مدرسه الاتحاد والا هلیه واقع دردمشق همچنان در خدمت جامعه یهودی سوریه بوده و در این مدرسه ۱۵ کلاس از کودکان کستان تا کلاس ۶ ابتدائی دایر است و از ۵۴

اطلاعیه فدراسیون یهودیان ایرانی

طی چند ماه اخیر دانشگاههای یو.سی.ال.ای و هیبرویونیون کالج دو پروژه پژوهش علمی را بطور جداگانه در مورد جامعه ایرانی مقیم لوس آنجلس آغاز نموده اند.

برای انجام این منظور، دانشگاههای فوق بزودی به نشانی ایرانیان مقیم لوس آنجلس تعدادی پرسشنامه خواهند فرستاد. فدراسیون یهودیان ایرانی از هم کیشان عزیز تقاضا و انتظار دارد پرسشنامه های مزبور را با دقت تکمیل نموده به مؤسسات مزبور مرجوع دارند، چون نتیجه کار گروههای پژوهشی فوق می تواند در فائق آمدن بر بسیاری از مسائل خود در متن جامعه ما کمک فراوان بنماید.



CAR ACCIDENT
SLIP & FALL
WE HANDLE ANY & ALL

LAW OFFICE OF
DENISE BREAKMAN NAGHI

8501 Wilshire Blvd., Suite 315
Beverly Hills, CA 90211

(213) 657-2825

دفتر حقوقی دنیس ناچی

کلیه حقوق قانونی شما را در نظر گرفته و شما را در امر تصادف،
لیز خوردگی و افتادن، تصادف با موتورسیکلت و اتوبوس
و هرگونه صدمات روحی و بدنی کمک و یاری می کند

WE CAN:

- DO ALL INVESTIGATION
- OBTAIN MONEY FOR YOUR PAIN & SUFFERING
- GET YOUR CAR REPAIRED OR REPLACED
- HAVE YOUR MEDICAL BILLS PAID
- RECOVER LOSS OF EARNINGS
- ADVANCE YOUR COSTS

- ما انجام کلیه تحقیقات را بعهده می گیریم
- دریافت حقوق شما در اثر جراحات
- تعمیر و یا تعویض اتومبیل شما
- پرداخت صورتحساب درمان شما
- دریافت حقوق شما در طی مدت مداوا
- تعیین حق الزحمه در اولین جلسه

تلفن ۲۴ ساعته ۲۸۲۵-۶۵۷ (۲۱۳)

BULK RATE
U.S. POSTAGE
PAID
Van Nuys, Ca.
Permit 431

SHOFAR
IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd, Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED: